



# پیام فدائی

مرک برای ما هستیم  
و سگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۰۰۰ دیال

دی و بهمن ۶۸ - ۵۰ صفحه

سال چهارم شماره ۳۰

## رویزیونیست‌ها و معضل آذربایجان

حزب کمونیست شوروی با تجدید نظر در اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و دستاوردهای انقلاب کبیر اکتبر را یکی پس از دیگری نابود ساخته و زمینه را برای رعد مناسبات بورژوازی در این کشور فراهم نمودند. اکنون بر کمونیست رعد این منافقات و چنان بیخبرانی سراسر جامعه شوروی را دربر گرفته است که در صفحه ۲

بدنبال آهکار شدن هر چه بهتر در شکستگی روزهیونیست‌هایی که سالهاست بنام پرولتاریای قهرمان و حزب کمونیست وی در شوروی بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند جنبه‌های اعتراضی و تفریح و ناآرامیهای سیاسی همه‌جانبه را فرا گرفته و هر روز نیز بعد و فامند چندی می‌یابد. اگر در گذشته سران مرتد حاکم بر



## پیام چریکهای فدائی خلق ایران

به مناسبت سالروز رستاخیز

سیاهگل و پیام بهمن

در سالروز رستاخیز سیاهگل و پیام شکوهمند بهمن که هر یک نقشی تاریخی در مبارزات خلقهای ما داشته‌اند ضمن گرامیداشت خاطره نثارها و فداکاریهای رزمندگان سیاهگل در ۱۹ بهمن سال ۴۹ و توده‌های میلیونی در قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ از آنجا که معتقدیم بهترین عیوه بزرگانست خاطره شهدایی که بانثار خون خود در جریسان این رویدادهای بزرگ و نهال انقلاب ایران را آبیاری نمودند همانا بکارگیری تجربیات و درسهای این وقایع در زندگی مبارزاتی است. میگوئیم تا بر اساس تئوری راهنمای آن رزمندگان توباره عرابلی که مبارزه در صفحه ۷

## جمهوری اسلامی ضد سوسیونیست (۱) و معامله نفت با اسرائیل

در صفحه ۵۰

## در این شماره

- ۱۷ گفتنی‌ها و نکته‌ها
- ۲۸ اعلامیه هواداران سوئد
- ۲۹ اعلامیه‌ای درباره UN پاکستان
- ۳۱ شعری از ضیاع بوشیج
- ۳۲ اخبار و گزارشهای خبری
- ۳۱ اسرار از در صحنه آمار
- شهادت دی و بهمن ماه چریکهای فدائی خلق ایران و روز شمار ۲۷
- ۳۸ کمکهای مالی

## گزیده‌هایی از صدای چریکها

در صفحه ۲۰

## تحولات رومانی در کدامین سو؟

در صفحه ۲۲

## نمادهایی از تشادهای درونی حیات حاکمه

در صفحه ۲۳

## حیات تحقیر، بیسوزن خلق بنروز، جمع خانواده‌های رزمندگان فدائیان سیاسی در برابر دفتر سفارت ملل ایران تهران

در صفحه ۱۲

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

## رویزو نیستیها و محضل آذربایجان

از صفحه ۱

تأثیرات مغرب آن در همه عرصه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و خود را به بارزترین شکل نشان میدهد. در وجه اقتصادی، با این آمدن نرخ تولید ناخالص ملی و خوابیدن تولید و مواجهه کشور با کمبود بسیاری از مواد ضروری از جمله قند و مواد غذایی دیگر و وجود ۵۳ میلیارد دلار بدهی خارجی و غیره، بخوبی نمایانگر این امر است. هکی نیست که شرایط بد اقتصادی و بحران در این حوزه نمیتوانست به رشد ناظرهای عمومی منتج نهد و مبارزات کارگران و توده های زحمتکش که سالها تحت ستم و مظالم حاکمیت رویزونیستی بسر برده اند را با ناعنه هر چه گسترده تری جاری سازد و اتفاقاً درست با پیش بینی چنین اوضاعی بود که استراتژیستها و طراحان رویزونیست کوشیدند بهما پیش با ارائه طرحهایی فنا آنجا که ممکنست بمقابله با بحسران اقتصادی و سیاسی موجود برخیزند و از وسعت و نامنه آن بکاهند. مفهوم گلابوست و پروستریکای آقای گورباچف نیز درست در این رابطه قابل تکرار است. گورباچف با این طرحها در صدد برآمده است که بر موج بحران سوار شده و آنرا در جهت حفظ حاکمیت رویزونیستها کنترل و ستم و سو نهد.

امروز هیچ نقطه ای در خاک پهناور

عزروی نیست که استغور نا آرامی نبوده و در آن به انحاء گوناگون علم اعتراض و طنبان بر علیه دولت مرکزی و باعطلاح حزب کمونیست برانراخته ندهد. با عده ولی مسئله مهمی که در رابطه با این ناآرامیها در خور توجه است این نکته میباشد که مبارزات و درگیریهای جاری بهیچوجه از محتوی و مضمون واحدی برخوردار نبوده و گرایشات متفاوت و متضاد در آن عمل میدماید. هم از اینرو در حالیکه ما از یکسو شاهد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکسانی هستیم که در جهت احقاس حقوق خویش با خاسته و سران رویزونیست حاکم را دچار چنان مضامی میسازند که علیرغم همه پز آزارها واهی و ستمگراسی - طلبی مجبور میگردد نقاب از چهره برگرفته و مثلاً آنکارا فرمان ممنوعیت اجتناب مانر نمایند، از طرف دیگر فعالیت و حرکاتی را معاهده میکنیم که در جهت ایجاد دگرگونیهای پوزروانی هر چه بیشتر و تحقق گرایشات ارتجاعی خود به مخالفت با حکومت مرکزی برخاسته و با آن درگیر میشوند. با اینحال در میان گرایشات مختلف، متفاوت و متضاد با یکدیگر دو جهت عمده این گرایشات و هدفنهایی درگیریها و کفتمکهای موجود کاملاً مشخص است. در یکطرف کارگران و زحمتکسانی قرار دارند که ضمیمت انسان با دولت مرکزی و با حزب رویزونیست

حاکم دارای جهت انقلابی و دفاع از دستاوردهای انقلاب کبیر اکبر میباشد و در طرف دیگر نیروهایی که با هدف باهمال کردن هر چه بیشتر دستاوردهای انقلاب و رشد و تحکیم مناسبات پوزروانی، در مقابل نیروهای انقلابی جامعه قرار گرفته اند. هکی نیست که جایگاه حکام رویزونیست در این میان در ستم دوم قرار دارد. بر این اساس در حالیکه دولت رویزونیستی عزروی از جانب گرایشی انقلابی و رادیکال خود را با خطری جدی مواجه میدماید، در رابطه با گرایشات ارتجاعی علیرغم اختلافات و تضادهای آنان با دولت مرکزی به اشتراک منافع خود با این گرایشات آگاه است. بنا براین در شرایطی که این دولت آماج خشم و نفرت توده های کارگزر و زحمتکش قرار ناعنه و خود را با خطر اوج گیری مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکسان مواجه میبیند، وسعتیابی میدان عمل دادن به گرایشات ارتجاعی به امسری اجتناب ناپذیر برای او برآمده است تا بدین وسیله با وسعتیابی میدان عمل گرایشات ارتجاعی، امکان انحراف مبارزات انقلابی از مسیر اصلی خویش بوجود آمده و در کانونهای کم خطرتر کانونیزه گردن. اصلاحات گورباچف با مضمون پوزروانیسی خویش زمینه ساز رشد این گرایشات بوده و در خدمت آن قرار دارد. میتوان گفت در

### پیام فدائی

ارکان چریکهای فدائی خلق ایران

سال چهارم

شماره: ۳۰ - دی و بهمن ۶۸

اوضاع و احوالی که بحران سراسر جامعه شوروی را فرا گرفته، سیاستی که دولت برای مقابله با جنبشهای انقلابی و مشرقی و جلوگیری از رشد و گسترش آنها ترمیم گرفته است علاوه بر سرکوب آن مبارزات و کنترل آنها و به انحاس و روشهای گوناگون انداختن آنان به سبزههای انحرافی و کانالهایی است که بتواند انرژیهای انقلابی را بهرز برده و موجب تضعیف آنها کرده امسری که بسا وسعت گیری گرایشات ضدانقلابی ترجمه شوروی صورت واقعت بخود گرفته و امکان عمل یافته است. با بررسی آنچه اخیرا در آذربایجان گذشت میتوان به گوشه ای از این حقیقت پی برد.

پس از گفت مدتها از تشنج و ناآرامی در آذربایجان شوروی در حالیکه ضمیمت گروهی از آذربایجانها با آرامنه بحدی اوج گرفت که به نبردهای مسلحانه و خونینی فیما بین آنان انجامیده و در طی آن بیش از ۲۰۰ تن از ارمنها کشته و هزاران خانواده ارمنی مجبور به فرار از شهر باکو و ترک خانه و کاشانه خویش شدند ارتش مرکزی تحت عنوان خاتمه دادن به این درگیریها و آرام کردن اوضاع وارد شهر باکو مرکز آذربایجان شوروی گردیدند و از آنجا که مردم شهر عینا مخالف ورود ارتش به آذربایجان بوده و به همین دلیل راه بندانهای مختلف بر سر راه ورود ارتش ایجاد کرده و حتی عده ای در جلوی تانکها تراز کشیده بودند و ورود ارتش مرکزی به آمانسی صورت نگرفت. در هر حال تانکهای دولتی پس از زیر گرفتن و کشتار کسانی که مانع

از عبور آنها به شهر بودند، راه را گشوده و ارتش پس از نبردهای سخت و درگیریهای خونینی که به کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر انجامید در شهر استقرار یافته و با اعلام حکومت نظامی در باکو موفق به برقراری نظم گردید.

عدت صل دولت شوروی در مقابل رویانهای آذربایجان با توجه به برجسته بودن درگیریهای کور ملی همراه با گرایشات مذهبی، معادله سیاسی مختلف را میپور به موضعگیری در این رابطه نمود و اتفاقا همگان (البته در اردوی دشمنان و سازشکاران و دوستان نادان خلق) با عنوان این مطلب که دولت شوروی برای خاتمه دادن به ناآرامیها مجبور به چنسان اقداماتی بوده است، به ابراز مواضع نائهماهز نسبت به لفرکشی دولست شوروی به آذربایجان نمودند. در اینسن زمیننه اگر از سخنان پوس که - ضمن آنکه "گورباچف" را "بهترین امهد برای حفظ مصالح آمریکا در شوروی و کشورهای اروپای شرقی" میخواند - با دلسوزی (!) اظهار ناحت " فکر نمیکنم کسی از رهبر شوروی بخاطر مشکلاتی که او در آذربایجان با آن روبروست غرده بگیرد" بگنیم و همچنین از موضع وزارت امور خارجه آمریکا که اعزام نیروهای نظامی شوروی به آذربایجان را حق دولت مرکزی اعلام نموده و تاکید کرد که این کار بسرای خاتمه دادن به ناآرامیهای قومی صورت گرفته است "ونه اینکه بهان نارنجابتهای سلامت امهز را سرکوب کند" آوای سازشکاران وطنی نیز بگوش میبرد که نسبت به دولت شوروی بدلیل مواجهیه با مشکلات ملی ابراز ناسف و دلسوزی مینمایند. بر این اساس

قبل از اینکه روی این امر تاکید کنیم که کلام شرایط اقتصادی - اجتماعی وجه زمیندهای مادی باعث پیدایش چنسان " مشکلاتی " گفته است و نقش دولت روهزهنوستی شوروی در آفرینش آن شرایط و زمیندهای مادی این مشکلات چیست و باید به طرح این عنوان پرداخت که آنها با توجه به سابقه اختلافات آذربایجانها و آرامنه بر سر منطقه ناگورنوقره باخ در دو سال پیش، دولت شوروی پیش از این قادر به پیگیری از آن حوادث خونبار نبود و یا جلوگیری از بسیج "افراطیون و تشبکاران، غرابکاران، مجرمین و اوباش" (عناوینی که گورباچف بکار برده است) و قرار گرفتن اسلحه در دست آنان پیش از این امکانپذیر نبوده است؟ البته باید دانست که علیرغم برجسته عین اختلافات فیما بین آنها و آرامنه، شرایط بحرانی حاکم بر آذربایجان بهمین مورد خلاصه نمیشود. در آذربایجان نیز همچون سایر جمهوریهای شوروی از مدتها پیش اعتراض و مبارزه بر علیه حکومت مرکزی البته با تفکرات و گرایشهای مختلف بقصد جریان ناعته است. نمونه تظاهرات مردم جلال آباد (یکی از شهرهای آذربایجان) بر علیه روهزهنوستی و خاتمه دادن به استهلاک حزب بااصطلاح کمونیست حاکم این واقعت را بغویی بهان میکند. در جریان این تظاهرات که بطور گسترده صورت گرفت، از آنجا که مبارزه مردم قبل از هر چیز بر علیه سران روهزهنوست حاکم متمرکز بود، پلمس به سمت تظاهراتکنندگان به تیراندازی پرداخت ولی این امر مانع از حرکت مبارزاتی

**مردم بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی**

مردم نند، آنان با خم تمام به ترگیری با پلیس پرناخته و موفق به حمله به ساختمان وزارت کشور و تصرف آن گشتند. جالب است که اولین اقدام توده‌های تظاهرکننده پس از اشغال وزارت کشور، خلع بد از رویزبونستهای دست‌اندرکار در این شهر و مدیران دولتی بود.

در همان حال در بحبوحه ترگیریهای یاد شده و تفنجات مربوط به آن، رویدادی که توجه همگان را بخود جلب نمود عبور عده‌ای از آذربایجانیهایی شوروی از طرق مختلف بفاک ایران بود. بگونه‌ای که عده‌ای از آنها بقصد ورود به ایران به پستهای دیده‌بانی مرزی حمله کرده و سیمهای خاردار را از جای میکندند. در همین رابطه معلوم شد که سفار جدائی و استقلال و حتی پیوند دو آذربایجان امران و شوروی در بین آذربایجانیهایی شوروی مطرح بوده و آنها با این شمار بر ضد دولت مرکزی بسیج شده‌اند.

اقدام آذربایجانیهایی شوروی جهت عبور بفاک ایران نه تنها باعث تگرانی و اعتراض جمهوری اسلامی نند و آنها از این امر جلوگیری ننمودند بلکه رژیم ایران در بعضی نواحی عبور از مرز را آزاد اعلام نموده و به هزاران نفر از آذربایجانیهایی شوروی امکان داد که براحتی در این نواحی رفت و آمد کنند. در ضمن جمهوری اسلامی مدعی شد که آنها جهت آموزش تعالیم اسلامی و دریافت قرآن به ایران اسلامی می‌آیند. در جریان این رویداد جمهوری اسلامی نه فقط پشتیبانی خود را از این آذربایجانیهایی و وحدت طلبان ناد بلکه فعالیت خود در حوادث جاری در آذربایجان شوروی را نیز بقدری آشکار نمود که رابطه مسکوطی تفسیری در تاریخ ۱۰ بهمن به جمهوری اسلامی اخطار کرد که

"از انامه تحریک سیاسی و منتهی‌الاهی آذربایجان شوروی دست بردارد" و بالحنی بهیلماتیک خاص خویش یا آور شد که "اینگونه تحریکات ممکن است نتایج بسیار سوئی در پی داشته باشد." و گویا چنانچه در حالیکه ناآرامیهای آذربایجان را در خدمت "عده کمی افراطیستون و آدمهای ماجراجو و نمابندگان با زارهای سیاه" میخواند، اظهار داشت که "در آذربایجان مسلمانان بنیادگرا در ایجاد اغتشاش و ناآرامی دست نداشتند و... این افراد میخواهند از اتحاد جماهیر شوروی جدا شده و جمهوری مستقل اسلامی برای خود بسازند..."

ولی آنها سران رویزبونست حاکم بر شوروی و در رأس آنها آقای گورباچف بتازگی متوجه فعالیت "بنیادگرایسان مسلمان" در آذربایجان شوروی شده و بتازگی پی به "تحریک سیاسی و منتهی‌الاهی آذربایجان توسط مزدوران جمهوری اسلامی برده بودند؟ واقعیتها بسیاری خلاف این ادعا را ثابت کرده و خط بطلان بر آن میکشد.

واقعیت این است که از مدتها پیش جمهوری اسلامی جهت نفوذ در آذربایجان شوروی و بسط اندیشه‌های ارتجاعی که عنوان "بنیادگرائی اسلامی" بقصد گرفته است، دست به فعالیت گسترده‌ای زده و میکوشید مبارزات انقلابی توده‌های معترض در این منطقه را به سهرهای ارتجاعی مورد نظر خویش کال نیزه نماید و اتفاقاً موفقیت مزدوران جمهوری اسلامی در این رابطه بعدی بود که ناامالباری حاکی از رشد گرایشات منتهی‌الاهی در بین مردم آذربایجان شوروی، روی آوری آنها بسوی قرآن و مسجد و غیره منتشر میشد و مزدوران جمهوری اسلامی نیز از اینکه از "گلنسته‌های" مساجد با کوسنای آنان

میشوند، ابراز ضعف مینمودند. مسلماً چنان امور نمیتوانست از دید مقامات شوروی بدور مانده و مورد توجهشان قرار نگیرد. حتی در ازبکستان در جریان ترگیری که گویا بین ازبکهای اهل تسنن و شیعیان ترك تبار در خرداد ماه سال جاری پیش آمد و معلوم شد که ازبکها بنفع خمینی مزدور شمار داده و بهنگام گفتار ترك تباران پرچم سبز و عکس خمینی را بهمراه داشته‌اند (البته این واقعیت نیز پنهان نمائند که به هریک از ازبکهای که به چنان عملی دست زده بودند ۵۰ تا ۱۰۰ روبل داده شده بود)، گویا چنانچه اظهار داشت که "بنیادگرایسان منتهی باعث گفتار بین ازبکها و ترکها گردیده‌اند." این واقعیت در حالیکه پنهان مینماید نه "تحریکات سیاسی و منتهی‌الاهی جمهوری اسلامی در مورد توده‌های مردم شوروی از جنیدی بوده و نه اطلاع دولت شوروی از این امور تا زگی داشته است، در همین حال این مسئله را آشکار میسازد که علیرغم آگاهی دولت شوروی از فعالیت مزدوران جمهوری اسلامی در بین توده‌های شوروی و دخالت او در امور داخلی کشور خویش، این دولت حاضر به اقدامی بر علیه جمهوری اسلامی نبوده و بجای نشان دادن عکس‌العملی حاد در مقابل برخوردی چنان گستاخانه جمهوری اسلامی، صرفاً به اظهارات گلآمیز در این زمینه بسنده میکند.

از طرف دیگر باید روی این واقعیت تکیه کرد که رفتار مقامات شوروی با سران جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل آذربایجان نه تنها گویای خصم و نارهاتنی آنها از اقدامات ارتجاعی جمهوری اسلامی در آذربایجان شوروی نبوده است، بلکه گاه خود آنان بهیضا بهیضا

خود پس از انقلاب اکتبر مباحثه و بسا اینحال خطاست هر آینه تصور شود که مسئله ملی و بها خواست با اصطلاح برقراری جمهوری اسلامی، علت و هدف مبارزات مردم آذربایجان شوروی است، بلکه سرمنشأ و پتانسیل مبارزاتی عظیمی که امروز توده‌های کهنسری به صحنه سیاسی کفانده است را باید در مناسبات ظالمانه‌ای جستجو کرد که سالهای متمادی پرتوده‌های کارگر و زحمتکش شوروی و از جمله در آذربایجان تحمل شده است. به این اعتبار علت خیزش توده‌ای در آذربایجان بطور اولی حدت‌یابی تئوهای آنان با مناسبات ظالمانه و استثمارگرانه‌ای است که در طول سالها توسط روهزیونیستها بر حیات و هستی آنان اعمال شده و میشود و باید دانست که رهائی از قید و بند ایمن مناسبات جوهر اصلی حرکات اخیر بوده است. این حقیقتی است که روهزیونیستها با توجه به قرار ناعتن جامعه شوروی و حاکمیت روهزیونیستی در آستانه یک انفجار، حتی قبل از تحولات اخیر به آن آگاهی نافته‌اند. ولی اگر قرار است رعد بحران در شوروی آید، پیشین یک جنبش توده‌ای گسترده و قهرآمیز بر علیه کل بساط روهزیونیستها با عده چه بهتر که این جنبش همانا زیر پرچم "مبارزات ملی" و "اسلامی" متمرکز و رهبری گردد، بر این اساس خود حکام شوروی اصرار دارند که مضمون و جهت همه مبارزات جاری در آذربایجان را درگیری بین "ارمنیها" و "مسلمانها" و "افراطیون" و "تندروهای ملی" جا بزنند. با این تاکتیک از یکطرف میتوان جهت نیز جنبش انقلابی

به آذربایجان، سران حکومت ایران را در جریان امر قرار ناده بودند و مزدوران جمهوری اسلامی که "برادران مسلمانان" در آنسوی مرز بغا و خون کفیده میدودند در برخورد به این مسئله تنها به ابراز تاسفهای دلخوشکننده بسنده نموده و از زبان ۱۶۰ تن نماینده مجلس ملی نامهای به گورباچف از وی خواستند که "تخصت تاثیر بسپه استکبار جهانی و امریکا قرار نگرفته و با مسلمانان به طرز سالمت آهنگ رفتار شود".

این واقعیتها گویای چه حقیقتی میتواند باشد، آنچه که بروهنسی از ورای تمامی وقایع ذکر شده خود را نمایان میسازد این است که دولت شوروی آنقدرها نیز از فعالیت سیاسی مرتجعین جمهوری اسلامی در بین مردم آذربایجان ناراضی نبوده و نسبت به فعالیت جمهوری اسلامی در امور داخلی کشور خویش نگرانی نناخته است و بعبارت دیگر نمسود "بنیادگرایی اسلامی" را برای منافع خویش خطرناک تلقی نمیکرده است. چرا چنین است، چه واقعیتها و کدام شرایط مادی عدم جلوگیری از فعالیت جمهوری اسلامی در بین توده‌های آذربایجان را برای دولت شوروی ایجاب نموده است؟

مسلمان پس از گذشت بیش از ۷۰ سال از انقلاب پرولتاریائی اکتبر بسروز اختلالات ملی آنها در سطحی که درگیریهای مسلحانه‌ای را بین دو ملت بوجود میآورد و همچنین رعد گرایشات منعی و بعضی قرار گرفتن آن برای طرح یکسری خواستهای سیاسی، قبل از هر چیز نمایانگر انحراف جامعه شوروی تحت حاکمیت روهزیونیستها از مسیر اصلی

امکان تبلیغ اندیشه‌های با اصطلاح اسلامی را برای مزدوران جمهوری اسلامی فراهم ساخته و بها حتی بهمان نگرته که در جوابیه گورباچف به پیام خمینی آمده است خواهان اعزام کسانی نیز به "حوزه‌های علمیه قم" جهت فراگیری "تعالیم اسلامی" و سپس آنها در بین توده‌های شوروی بوده‌اند؟ و آیا این امر اتفاقی بود که در سفر رفسنجانی به مسکو، وی از طرف مقامات شوروی به باکو برده شد و در آنجا برای مردم شهر در مورد "محاسن" اسلام خمینی به سخنرانی پرداخت؟ حقیقت را بخواهیم، حتی ابراز ناراضی گورباچف از رعد "بنیادگرایی اسلامی" در آذربایجان و اظهارهای مقامات دولت شوروی به رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه به تحریک مردم آذربایجان پرداخته و بها حتی اسلحه در اختیار آنان قرار ناده است و... و از طرف دیگر اعتراض مزدوران رژیم به کشتار "مردم مسلمان" باکو توسط ارتش مرکزی شوروی، قبل از اینکه در محور آن باشد که جدی تلقی گردد، در بهترین حالت به جنگی زرگری شباهت داشته‌جالب است که مقامات شوروی قبل از لشکر کشی

(\*) - بعدما در سفر رفسنجانی به مسکو این موضوع بصورت یکی از بندهای موافقت نامه بین ایران و شوروی درآمد و گفته شد: "طرفین ضمن بکارگیری مساعی خود در جهت شناخت عمیقتر ارزشهای معنوی دو کشور، در صدد آشنایی کردن بهتر مردم ایران و شوروی بسا زندگی، فرهنگ، اعتقادات، سنن و آداب دوستی بین یکدیگر خواهند بود. دو کشور همچنین به مبادله هیاتهای منعی و برقراری تماسهای علما و روحانیون بسا یکدیگر کمک خواهند کرد."

پیش بسوی سازماندهای مسلح توده‌ها

توده‌ها بر علیه دستگاه روزهیونیستی حاکم را کند نمود و از سوی دیگر با تاکید بر منتهی بودن جنبش متوجه سرکوب منعی "اوپا" و "ملی گرای منعی" در نظر عمومی مقبولتر و برای آنان آسانتر از سرکوب یک جنبش رادیکال و انقلابی قابل توجه خواهد بود.

با چنین تبیین صحیحی است که میتوان دریافت از نظر حکام شوروی، "دخالتهای" جمهوری اسلامی در آذربایجان نه تنها مخالف منافع روزهیونیستهای

حاکم نخواهد بود، بلکه اتفاقا ایمن پارامتر خود بمنوان جزئی از اجرای نقشه غوم و توطئه روزهیونیستها برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش توده‌های کارگر و زحمتکش این کشور بخدمت آنها در خواهد آمد. این است دلیل آنکه چرا دخالتها و گستاخیهای جمهوری اسلامی در رابطه با آذربایجان و دیگر جمهوریهای شوروی از طرف مقامات دولت شوروی با عکس‌المعملهای حاد و جدی رویسرو نمیکردند.

مسلما این امر که تشنجیات و

درگیریهای موجود در آذربایجان ابعاد چنان خونینی یافت و هرگز خواست روزهیونیستهای حاکم بر شوروی نبوده است، ولی سوار شدن بر موج پر تلاطم جنبش گریزنایبهر توده‌ها و کماندن آن به مسیرهای حدالمقدور کم خطرتر بهترین تدبیر و تنها راه چاره از دید آنان جهت حفظ حاکمیت خویش است. در این مسیر بهیضامد وقایعی نظیر آنچه در آذربایجان بوقوع پیوست، چندان نیز غیر منتظره نبوده است.



### جمهوری اسلامی و تبلیغات...

از صفحه ۲۴

حاکمیت کثیف امپریالیستها و مزدورانهان خبری نیامد، درست بهمین دلیل است که امروزه امپریالیستها و نارودسته‌های سرسپرده‌ای نظیر رژیم جمهوری اسلامی پیش از هر زمان دیگر یورشهای زهرآگین خویش به مارکسیسم و طبقه کارگر را افزایش داده‌اند.

پس کارگران آگاه ما هم باید در چنین موقعیت بفرنجی با شناخت ایمن دسیسه ضد خلقی بورژوازی، در هر شکل و شمائلی به مقابله برخیزند و ضمن افشای ماهیت پورژواشی نارودسته‌های روزهیونیست حاکم بر چین و شوروی و غیره بیگانگی سنتی آنها و سیاستهای ضد انقلابی شان را با مارکسیسم و کمونیسم نشان داده و ضمن افشای فریبکاریهای تبلیغات زهرآگین امپریالیستی، پیش از هر هنگام به دفاع نظری و عملی از مارکسیسم و کمونیسم بمثابه تنها راه رهایی استثمارشوندگان از زیر سیوغ بندگی و اسارت بورژوازی بپردازند.



### تحولات رومانی در کدامین سو??

از صفحه ۳۲

گسترده‌ای با غرب برآمد. در جریان این روند بود که دول امپریالیستی و منجمله فرانسه برغم بحران اقتصادی نظامهای سرمایه‌داری، آمادگی خود را برای دادن وام و کمکهای به رومانی - نظیر آنچه که به لهستان و مجارستان پرداخت شده - و گسترش روابط اقتصادی با این دولت اعلام کردند.

این مختصر و مجموعه گسترده دیگری از شواهد و فاکتورهای عینی بخوبی مؤید این واقعیتند که تمویض نارودسته ورشکسته و روزهیونیست چائوشسکو بسا گروهی که خود را "جنبه نجات رومانی" میخوانند، آنها بر بستر تشدید بحران همه‌جانبه گریبانگیر بلوک غرب و نارضایتی و درگیری روزافزون توده‌ها با حکومتهای روزهیونیستی موجود، بهیچ رو انعکاس و نتیجه وقوع یک انقلاب اجتماعی و رسیدن سرفصل آزادی و دموکراسی برای کارگران و توده‌های زحمتکش و رنجبیده در این

کشور نبوده و نیست. حقایق نشان میدهد که آنچه در رومانی بوقوع پیوست، سقوط نارودسته‌ای ضد انقلابی و منفور و روی کار آمدن نارودسته ضد انقلابی دیگری است که با فریبکاری تمام و بمدد تبلیغات ریاکارانه امپریالیستها و شرکای روزهیونیستان، در صدد است که خود را رژیمی برآمده از "انقلاب" توده‌ها جا بزند تا بتواند بر مسوچ گسترده نارضایتی و طغیان مبارزاتی موجود در این کشور سوار شده و بر بحران سیاسی این کشور که محصول سالها حکومت سیاه روزهیونیستهاست فائق آید.

این جوهر آن واقعیتی است که در کله تحولات رومانی جریان دارد و توضیح و تشریح آن باید مضمون اصلی تبلیغ کمونیستی را در تعلیل رویاندهای رومانی تشکیل دهد.



## پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز رستاخیز سهاکل و قیام بهمن

از صفحه ۱

خلقهای ما در آن قرار گرفته است با توده‌های خویش سخن گوئیم.

در ۱۹ بهمن سال ۴۹ رزمندگان سهاکل با حمله به پاسگاه ژاندارمری سهاکل مبارزه‌ای را بر علیه سلطه امپریالیزم و سگ‌زنجیرش رژیم جنایتکار شاه آغاز نمودند که بن بست مبارزاتی حاکم بر جنبش انقلابی خلقهای ما در آن سالها را در هم شکست و با تغییر فضای سیاسی حاکم بر ایران آنچنان تاثیراتی بر جامعه برجای گذاشت که در جریان قیام بهمن نتایج آن با وضوح هر چه بیشتری به اثبات رسید. در پی این راهگشائی بود که جنبش نوین کمونیستی ما رشد و شکوفائی شکفت انگیزی یافت و کمونیزم از آنچنان اعتباری در نزد توده‌ها برخوردار گردید که چه در سطح جامعه و چه در سطح جهانی هیچ نیروی استبداد کمونیزم ه که حال با نام چریکهای فدائی خلق عین گفته بود را در صحنه سیاسی ایران نماند.

بگیرد.

رزمندگان سهاکل در شرایطی بهاخاسته و مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند که طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده ما در یکی از تیره‌ترین روزهای تاریخ سلطه امپریالیزم در ایران بسر میبردند. در شرایطی که نمون مشکل و متمرکز با سرکوب وحشیانه جنبش و اعلام "جزیره ثبات و آرامش" قدرتی خود را به نمایش می‌گذاشت و طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده ما فاقد تفکلهای مبارزاتی ویژه خود بودند و برآکنندگی بسر میبردند و رکود و خمود بر مبارزات توده‌ها چیره گفته بود و در شرایطی که روشنفکران انقلابی از توده‌ها جدا افتاده و سلطه مژمن اپورتونیزم انرژی انقلابی آنها را به مرز میبرد. آری در چنین اوضاعی بود که رزمندگان سهاکل با شلیک گلوله‌هایمان در "سبب سهاکل" بن بست مبارزاتی را بر هم شکستند و طلوع "خورشید فرزان انقلاب" را نوید دادند.

رزمندگان سهاکل با ترک وظیفه‌ای که شرایط بر عهده روشنفکران انقلابی گذاشته بود با راهگشائی جسورانه خود بار دیگر نشان دادند که کمونیستهای واقعی حتی در سهاکل نیز نه تنها با حجم انداز مبارزه را از دست نداده و بر اساس امکانات موجود با علم به اینکه مبارزه‌ای سخت و طولانی در پیش دارند، در جهت سرنگونی سلطه بورژوازی می‌رزمند، بلکه با علم به اجتناب ناپذیر بودن پیروزی و با ایمان به پیروزی راهبان از هیچ فداکاری‌ای در این راه دریغ نمی‌ورزند.

رزمندگان سهاکل انقلابی بودند که با تکیه به مارکسیزم - لنینیزم این تئوری راهگشائی طبقه کارگر ایمان داشتند. شرایط حاکم در آن سالها هر چند که سخت و ناگوار است و هر چند که نمون با همه امکانات می‌گوید این شرایط را حفظ کرده و جاودانه جلوه دهد، اما چنین شرایطی گذرا و موقتی است و به همین دلیل نیز در همان شرایط تیره و تاریک که حجم انداز پیروزی بر کسی روشن نبود و "پیروزی افسانه‌ای" تلقی می‌شد که بقول چه‌گوارا "تنها یک انقلابی میتواند بدان بیندیشد" حجم انداز روشنی

بهریزی را دریافت و با نثار جان خود در راه رسیدن به آن، گام برداشتند و ندیمیم که چگونه مبارزه مسلحانه آن رزمندگان بن بست مبارزاتی حاکم در آن سالها را در هم شکست و صلحگر گلوله‌هایشان آغازگر دوران جدیدی در تاریخ مبارزات خلقهایمان گردید. دوره‌ای که توده‌های قیام کننده در ۲۱ و ۲۲ بهمن با درس‌گیری از مبارزات آن رزمندگان و سردادن شمارهای آنها، زرافشانهای رژیم شاه را آماج حملات خود قرار دادند و رژیم وابسته به امپریالیزم شاه را به زیاده‌دان تاریخ انداختند. گرچه قیام بهمن شکست خورد و نتوانست سرنگونی رژیم شاه را به سرنگونی سلطه امپریالیزم و بهروزی انقلاب تبدیل نماید، اما همین قیام علیرغم شکست آن ضمن اینکه تأثیری بود بر نظر آن رزمندگانی که با آغاز مبارزه مسلحانه در سهاکل اعلام کرده بودند راه بهروزی انقلاب و قطع قطعی سلطه امپریالیزم در ایران جنگی توده‌ای و طولانی است. در همان حال آنچنان توده‌ها را به صحنه مبارزه و سیاست‌کفاند و چنان تجربیات مبارزاتی خلقهای ما را فزونی بخشید که تأثیرات آن بدون شك برای بهروزی انقلاب خلقهای ما در آینده بس بزرگ می‌باشد.

با شکست قیام بهمن رژیم بر آنکه قدرت‌تواری گرفت که از همان روز اول استقرارش به ناپسندی دستاوردهای مبارزات توده‌ها و قیام بهمن برخاست و سرکوب‌خونین انقلاب را با وحشیگری تمام به پیش برد و در نصال گذشته آنچنان فجایعی آفرید که در تاریخ خلقهای ما بی‌سابقه است؛ اما در همان حال شکست قیام بهمن و استقرار جمهوری اسلامی در سهای بزرگی نیز برای خلقهای ما در برداشت و به آنها از جمله نشان داد که تنها با حرکت مستقیم و فعال توده‌ها در میدان مبارزه است که امکان بهروزی بن بست می‌آید. به آنها نشان داد که ضربه وارد نمودن به سلطه امپریالیزم حتی اگر به تغییر رژیمهای دست‌نشانده منجر گردد برای رسیدن به آزادی کافی نیست چرا که با جایجایی سگان زنجیری، حاکمیت امپریالیستی در حال پابرجا می‌ماند و تا این حاکمیت برقرار است نه‌کنا توری و اختناق از جامعه ما رخت برنخواهد بست. به آنها نشان داد که چگونه آزادی در نزد هر قهر و طبقه‌ای معنای ویژه خود را دارد و تنها با نابودی سلطه امپریالیزم و نظام سرمایه‌داری وابسته است که آزادی برای اکثریت توده‌های ستمدیده بن بست خواهد آمد.

امسال در شرایطی سالروز رستاخیز سهاکل و قیام بهمن را گرامی می‌داریم که جنبش انقلابی خلقهای ما در جریان بهمن از نصال سلطه دهنشانه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی و سرکوب‌خونین انقلاب توسط این رژیم در شرایط بس حساسی قرار گرفته است.

سرکوب‌خونین انقلاب ضربات بزرگی به مبارزات توده‌ها و سازمانهای سیاسی وارد ساخت. بخشی از سازمانهای سیاسی در زیر این پورش و حقیانه متلاشی و نابود شدند و بخشی حوزه فعالیتشان وسیعاً محدود گردید و مجبور به عقب‌نشینی‌های بزرگی گردیدند و مراکز رهبریشان عمدتاً در خارج از کشور قرار گرفت. جدائی از توده‌ها و قرار گرفتن در محیط روشنفکری خارج از کشور، باعث دورافتادن هرچه بیشتر سازمانهای سیاسی از زمینه اجتماعی خود و محدودتر گشتن تأثیرگذاری آنان بر جامعه و بر روند اوضاع و مسائل جاری و همچنین از دست‌داندن توان جسند نیرو برای گسترش فعالیتهای مبارزاتی گفته است. در بستن این اوضاع که خود بیانگر سطره بحران در جنبش انقلابی است، انفعالیها و جدائیهای غیراصولی عناصر و گروههای سیاسی از یکدیگر مرتباً به وقوع می‌پیوندد، انفعالیها و جدائیهای که معمولاً ناقدرزیندهای روشن ایدئولوژیک بوده و اغلب حاصل رشد تضادها و اختلاقات افراد و بحران در روابط سازمانی است. بحرانی که از ضعف و ناتوانی روشنفکران انقلابی در پاسخگویی به نیازهای عملی جنبش نشات گرفته است. در بستر جدائی پهاهدنگ از توده و روشنفکران مارکسیست از طبقه کارگر هر روز عمیق‌تر می‌شود و گسترش می‌یابد. در چنین اوضاعی در بین بسیاری از روشنفکران چشم‌اندازهای

مبارزاتی، تنصیف و روحه باسی و ناامیدی و گرایشات غیر اصولی از جمله انفعال طلبی، پوچ گزاشی، انحلال طلبی و ارتداد گسترش پیدا نموده است. اپورتونیستهای رنگارنگ نیز در این شرایط بسطی حلقه بیاطاعتی از اخراج بخران و حیات از «معصمه» ای که آنها را فرا گرفته است، هر یک راه حل‌های تازه می‌بینند که صورت بی‌عملی تا کمیت بودستان تنها باعث معصمه بحران موجود می‌گردد. اگر معصمه است صحتی از مبارزه حاسم و روی آوردن به مطالعات بینارگوده را تنها راه نجات از وضعیت کنونی قلمداد می‌کنند. معصمه «دیگر خرمیان» «مخکوب» «من تر» «مبارزه اقتصادی» طبقه کارگر را مستعد می‌نمایند و کاشی نظر بر پاسخ به این امر از ضرورت و جهت تراکمیونهای مختلف «طرف» خود می‌بینند و میگویند و...

مورس وسیع بورژوازی جهانی بر علمه انقلاب و کمونیزم و تبلیغات جهانی که امروزه می‌بینیم، در سطح جهان بدلیل وردکستی روزه‌یونیسیم بر علمه کمونیسیم سازمان داده است و وجهه او عامل دیگری بسطی رشد گرایشات انحرافی در بین روشنفکران ایران می‌باشد.

وردکستی روزه‌یونیسیمهایی که تحت نام مارکسیزم و کمونیزم کالهای بورژوازی خویش را تبلیغ می‌کنند و تبلیغات وسیع بورژوازی جهانی بر علمه کمونیزم و القای این تصور نادرست که نتیجه اجتناب ناپذیر کمونیزم همانا سرنگش کفورهایی چون مورو و چین و ... می‌باشد و بنویسه خود باعث تنصیف هر چه بیشتر جماعت‌های مبارزاتی گفته و به روند تصفیه جنبش از «رفیقان نیمه‌راه» آهنگ هر چه بیشتر می‌باشد است.

هر چند شرایطی ایجاد کرده‌اند و واقعی باید همین روشنگران سازمانک که در سطحترین روش‌های استیلا امپریالیزم و اپورتونیزم نیز جماعت‌های مبارزه را از دست نداده و هدف بزرگ رهائی توده‌ها از قید ستم و استثمار بورژوازی را فراموش نکردند، بر خلاف تر به مبارزه برخیزند و همچون رزمندگان سازمانک که هرگز از تلاش برای رسیدن به هدف باز نایستادند، در همین شرایط سخت نیز بکوشند تا ضمن مقابله با تبلیغات جهانی امپریالیزم و سگهای رنجبر میسر بر علمه کمونیزم و انقلاب، اجتناب ناپذیری انقلاب و پیروزی سوسیالیسم را به توده‌ها نشان بدهد و مهمتر از آن در جهت راهگشایی برای فاتح آمدن بر این بحران گام بردارد.

باید ضمن مبارزه بر علمه آن نیروهایی که بجای تریک دلال واقعی اوضاع ناپایمان کنونی و نقصان ناکند راه‌های واقعی خروج از آن‌ها عبارت بر ناز‌های بی محتوا گریبان خود را از زهر بار مسئولیتی که این شرایط بر عهده روشنفکران انقلابی قرار داده است، غلی می‌نمایند و سعی فر عتاحت دلائل بحران موجود نموده و قدمهای عملی در جهت رفع آن بردارند.

از نظر ما راه واقعی آمین بر این بحران نه آن مطالعات بیمارگونه است که در جهت پاسخگویی به مسائل مبهم جنبش نبوده و صرفاً ارضا کننده حس کنجکاو و روشنفکران می‌باشد و نه کوشش برای دستیابی به آن وحدت‌های غیر اصولی است که بنا به تبلیغات فرمت طلبانه گویا در صورت تحقق، پاسخگوی همه مشکلات خواهد بود.

اگر عدم پاسخگویی به نیازهای عملی جنبش آن عامل اصلی در بوجود آمدن بحران در جنبش می‌باشد و اگر تئوری مبارزه مسلحانه تنها تئوری پرولتری است که صحت آن در پراکتیک مبارزاتی خلق‌های ما و در طی تجربیات توده‌های میانی از جمله در قیام بهمن به اثبات رسیده است، بنا بر این تنها با گسترش

# پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



## جمهوری اسلامی ضد صهیونیست (۱) و معامله نفت با اسرائیل

از صفحه ۵

تروخ پردازیهای همیشه سردمداران رژیم تا کمد نمود که "انتقار این گونه اخبار از جمله ترندهای تبلیغاتی است که دیگر ضربه کارآمدی برای انزوا و انقلاب اسلامی ایران نزد افکار عمومی جهانیان به حساب نمی آید."

البته وجود رابطه بین رژیم های سرسپرده اسرائیل و اسرائیل امر تازه ای نیست و علیرغم همه تلافی های جمهوری اسلامی در لایوهای آن، این واقعیت بارها بار با تکیه به اسناد معتبر اثبات گردیده است و همچنانکه در جریان سفر ملک فارلین به ایران که به اعتبار حدت با بی تضادهای ترونی طبقه حاکمه در امریکا به رسوائی "ایران گیت" انجامید، نه تنها رابطه ایران و امریکا بلکه روابط بینانی و خرید و فروش های محرمانه اسلحه بین جمهوری اسلامی و اسرائیل در مقابل افکار عمومی جهانیان قرار گرفت. بنا بر این ایسین واقعیت که جمهوری اسلامی از بدو استلزارین با رژیم مسزور اسرائیل در تماس بوده و در جهت بهسپرد سیاست های امپریالیسم در منطقه با این رژیم صهیونیست همکاری نزدیک داشته است و حقیقتی غیرقابل انکار است و ولسی در این میان آنچه باید مورد توجه قرار گرفته بده ترانسوی رویزونیست های شوروی در دفاع از جمهوری اسلامی می باشد که حتی در این زمینه که کوس رسوائی رژیم در همه جا به پنا درآمده است، تلاش های بی همتای بکار می برند تا در جهت تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی حقیقت فوق را بگونه ای کتمان نمایند و امری که بار دیگر ماهیت ضد مردمی رویزونیست های ورفدکسته شوروی را در مقابل انظار جهانیان قرار میدهد.

با افعای معامله نفتی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل دستگا های تبلیغاتی شوروی در تداوم سیاست های غناخته شده همیشه خوده ضمن تکلیف این خبره از دشمن خلیقهای ایران یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی چنان

دفاعی نموده و به تطهیر چهره دیمش و فریبکار این رژیم پرداختند که باید گفت، لازم و بهر استرمداران رژیم مدتی و مسئولین دستگا تبلیغاتی خود را برای فراگیری عمده های دفاع از "اسلام ناب محمدی" به نزد مبلغین شوروی که در نقش کاسه داغتر از آب در مقام توجیه سیاست های ضد انقلابی جمهوری اسلامی و لایوهای حقایق رسوا بر علیه این رژیم قرار گرفته اند اعزام نمایند. رادبو مسکو در رابطه با خبر فوق، با ذکر این نکته که تهران تمام گوازی های مربوطه در عرض نفت به اسرائیل را بی اساس خوانده است، گفت: "به نظر می رسد غرب به جنگ تبلیغاتی جدیدی بر علیه رهبران ایران دست زده است و کوفی می کند ایران را در محافل بین المللی و مهمتر از همه در مقابل جهان اسلام بی اعتبار سازد" و در توجیه این امر در ادامه مطلب اعلام نمود که: "تحلیل گران می گفتند که اسرائیل در برابر غرب عقب خواهد نشست و از موضع اصولی خود در محافل بین المللی دست خواهد کشید، اما چنین اتفاقی نیفتاد و بنا بر این غرب تبلیغات خود را بر علیه ایران از سر گرفت که خبر معامله نفتی ایران و اسرائیل بخشی از آن بود" بلکه بیشتر مانده تر و وقیحانه تر از این نمیدان سخن گفت ولی رادبو مسکو در چهار جوب خط همیشه امر چنین سخن گفت و بار دیگر نمان ناد که در وارونه جلوه دادن حقایق و لایوهای رسوائی های جمهوری اسلامی از هیچ عگردی رویگردان نمی باشد و جایی که رژیم جمهوری اسلامی به اعتبار بیس از بحال سلطه ننگین و نجایمی که در این فاصله در ایران و در منطقه آفریده است، رسوائی و بی اعتباری شهره هام و خامس گردیده، در مدد کسب اعتبار برای این رژیم ضد خلقی است. برای این مبنا در غرابلی که تروریزم جمهوری اسلامی جسسه در ایران بر علیه خلقهای ما و جنبه انقلابی و چه در خارج از

معامله نفتی ایران و اسرائیل طی کرد چگونه هم ماهیت تکذیب‌های سردمنازان جمهوری اسلامی و همپالگی‌های اسرائیلی‌ها بار دیگر برملا گشت و هم ماهیت تبلیغات و دفاع مذبح‌خانه رویزیونیست‌های شوروی از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پیش از پیش مشخص گردید. (\*)

پس از تکذیب‌ها پزده خیر "معامله" از سوی وزارت انرژی اسرائیل و از آنجا که این خبر در بستر تظاهرات جناح‌های مختلف دولت اسرائیل و نیروهای پشتیبان این جناح‌ها در آمریکا افشا گردید. بود و حتی یکی از مقامات اسرائیل پس از افشای خبر مزبور مجبور گردید اعتراف نماید که: "در داخل سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل عواملی وجود دارند که مانع از ارتباط اسرائیل با رژیم جمهوری اسلامی می‌شوند" اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل در جلسه کمیسیون مشترک امور دفاعی خارجه پارلمان اسرائیل اعلام کرد: "مذاکره کامل خرید نفت از جمهوری اسلامی را به زودی به رئیس این

کمیسیون تسلیم خواهد کرد" و چون اقتضای بالا گرفتار موعده آرنز وزیر خارجه اسرائیل ضمن تأیید معامله نفتی با جمهوری اسلامی اعتراف نمود که "من در جریان معامله با جمهوری اسلامی قرار نداشتیم" و همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد: "اسرائیل معامله نفتی خود با جمهوری اسلامی را به اطلاع آمریکا رسانده بود" به این ترتیب روشن شد که "شيطان بزرگ" نیز در "عیطت" بستری "نزوی" (۲) انقلاب اسلامی نقش داشته است (۱)

به این ترتیب در شرایطی که بدلیل اختلافات درونی هیئت حاکمه اسرائیل هر روز گوشه‌های تازه‌تری از چگونگی معامله فیما بین اسرائیل و جمهوری اسلامی افشا می‌گردد، رباکارانه بودن آن تکذیب‌های اولیه که هم مزدوران جمهوری اسلامی و هم همپالگی‌های اسرائیلی‌ها در مورد خبر این معامله انجام نانده پیش از پیش آشکار می‌شود و معلوم می‌گردد که جمهوری اسلامی علیرغم همه ظاهر سازیهای مربوط به گویا آرمان خواهی خود و ابراز ضدیت با صهیونیست‌های اسرائیل به این دلیل که حتم "مسلمانان" می‌باشند بواقع دوست وفاتار و هم پیمان اسرائیل بوده و خیر فسرور

ایران به واقعیتی غیر قابل انکار تبدیل گردیده و چهره تروریستی جمهوری اسلامی در همه جا افشا شده است. راندو مسکو در دفاع از این رژیم تروریست و جنایتکار در متن تحلیل‌هایی که از افشا شدن معامله نفتی اخیر جمهوری اسلامی بعمل می‌آورد، بهشماره مطرح می‌کند که روزنامه‌های غربی چنین می‌گویند که "هدف از این کارزار آزاد ساختن سربازان اسرائیلی و گروگان‌های لبنانی است و به این ترتیب جمهوری اسلامی با سرو صدای زیاد به فعالیت‌های تروریستی ارتباط داده می‌شود"

بنا به تحلیل دستگاه تبلیغاتی شوروی از آنجا که جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی دارای "موضع اصولی" است (۱) و "در برابر غرب" ایستاده و در همان حال در "مقابل بین‌المللی" و "جهان اسلام" از اعتبار بزرگی برخوردار می‌باشد و با توجه به اینکه روغن معامله نفتی او با اسرائیل به این "اعتبار" ضربه می‌زند لذا حرب تبلیغات دروغینی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برای انداختن است و می‌کوشد "رهبران ایران" را در "مقابل بین‌المللی" بی‌اعتبار ساخته و آنها را "بازر و صدای زیاد" به "فعالیت‌های تروریستی" ارتباط دهد. با چنین به اصطلاح تحلیلی است که راندو مسکو ضمن تطهیر چهره رسوای جمهوری اسلامی و افشای فروش نفت از طرف جمهوری اسلامی به دولت صهیونیستی اسرائیل را ساخته و پرداخته "غریب" جلوه می‌دهد. حال قبل از آنکه مطلب لازم است به آن دسته از طرفینسازان "گلائیوت" و "پروستریکا" که در ضمن به نقش جمهوری اسلامی در فعالیت‌های تروریستی و آگاهی کامل دارند اشاره متذکر شویم که جانی که رژیم گاه خود فلوپا و آگسارا از ارتباط خویش با گروگان‌گیری و فعالیت‌های تروریستی سخن می‌گوید دفاع رویزیونیست‌های شوروی از جمهوری اسلامی و کتمان چهره تروریست او تنها یاد آور مثالی است که می‌گوید کاسه ناختر از آبر شده است و برخلاف نظر آنان که گورباچف را منافع سوسیالیسم و ناجی طبقه کارگر خوانده و پرفرانسه‌های او را مثبت و در جهت ترقی و بهسرفرت معرفی می‌نمایند همین امر بمثابه گوشه‌ای از واقعیت نشان می‌دهد که سیاست شوروی در دوره "پروستریکا" نیز انامه همان سیاست ضد انقلابی بعین است که وظیفه‌ای جز ضدیت و مخالفت آشکار با منافع توده‌ها در مقابل خود قرار نداده است. حال به اصل مطلب برگردیم و ببینیم ترانامه روندی که جریان

(\*) در ضمن مبلغین شوروی به این نحو می‌کوشند با خاک پا عین به چشم توده‌ها و بازداشتن آنها از بی‌سردن به‌کنه واقعیات و رسوایی‌ها ملات چند میلیون دلاری شوروی با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را کمرنگ نمایند.

حقایق بی میبرد و می‌توانند هر چه بیشتر به ماهیت "گلاستوت" یا "علنیت" آقای گورباچف و قوف با لسه و دریا بند که معنای عملی این "علنیت" هیچ چیز نیست جز "مخفی" نمودن هر چه بیشتر چهره ددمنشانه بورژوازی در سراسر جهان و همانگونه که منبوم واقعی "پروستریکا" یا بازسازی که گورباچف از آن بعنوان يك "انقلاب بالا" یاد می‌کند، چیزی نیست جز "بازسازی" هر چه بیشتر مواضع بورژوازی در شوروی، بدون هک توده‌های رنجیده و زحمتکشی که ثمرات انقلاب کبیرا کثیرا مواضع انترناسیونالیستی آن در دفاع از کارگران و زحمتکشان را بعینه دیده و با در مسورده شنیده و به آن آگاهی یافته اند، بهتر می‌توانند به ماهیت "انقلاب از بالا" ی کسانی که با نا بودی ستاوردهای انقلاب اکتبر براریکه قدرت نستند بی برده و دریا بند کسه گردانندگان "انقلاب از بالا" به تنها چیزی که نمایانند همانا منافع کارگران و زحمتکشان می‌باشد. مردم ما نیز از جمله وقتی از خبر فروش ۲ میلیون بدکه نفت از طرف رژیم مزدور جمهوری اسلامی به صهیونیست‌های اسرائیلی مطلع گشته و بار دیگر متوجه می‌شوند که با ودهای این رژیم در ضد امپریالیست و ضد صهیونیست جلوه دادن خویش تا چه حد بی پایه و اساس می‌باشد، به این نیز بی می‌برند که کتمان خبر معامله مذکور از طرف روزهیونیست‌های شوروی بمنظور دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و تلاش‌های بی فائده آنان در تحکم موقعیت این رژیم، از چه موضعی صورت می‌گیرد، باز موضع ضد انقلابی و منابر با منافع کارگران و زحمتکشان و توده‌های رنجیده ما!

۲ میلیون بدکه نفت از طرف این "مسلمانان" به آن صهیونیست‌ها کاملاً صحت داشته است. در این میان سال‌های که باقی میماند اینست که حال دستگاه‌های تبلیغاتی شوروی یقه درانی خود را در رابطه با تکلیب هر نوع به نفع جمهوری اسلامی چگونه می‌خواهند توجیه کنند و شاهکار خود را در این زمینه چگونه ماستمالی می‌نمایند!

البته برای روزهیونیست‌های شوروی که نشان ناده‌اند در جهت تامین منافع خود به هر رفتی تن می‌دهند موضوع اخیر می‌تواند امری کوچک و بهر با افتاده باشد و در مقابل منافع حاصل از معاملات چند میلیارد دلاری آنها با جمهوری اسلامی موضوعی باشد که اساساً قابل چشم پوشی است و بهمین دلیل دستگاه تبلیغاتی آنها باز هم می‌تواند هم صفا با سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی از "ضد امپریالیست" بودن جمهوری اسلامی و "موضع اصولی" اش در صحنه بین المللی و "اعتبار" آن در "جهان اسلام" و "معاقل بین المللی" دم بزند. اما برای کارگران و زحمتکشان ما که بهر از دعایل است زیر سلطه و حقیانه جمهوری اسلامی بسر می‌برند و تمامی جنایات و مظالم این رژیم سرسپرده را با گوشت و پوست خود لمس می‌نمایند، هرگز نقش ضد انقلابی شوروی در مسائل ایران و بویژه تلاش‌های بی‌گیرانه این دولت در تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی قابل اغماض نیست. مردم ما با شنیدن تبلیغات فریبکارانه آنچنانی و مقایسه آنها با واقعیت‌هایی که هر روز در جلوی چشمانشان در جریان است، بخوبی به واقعیت تلاش‌های روزهیونیست‌های شوروی در کتمان

سفر هیات تحقیق کمیسیون ...

از صفحه ۲۷

آبرو با عتگی در صحنه بین المللی بدلیل نقض حقوق بشر می‌باشد، بنا بر این وظیفه‌ای که در این زمینه بعهده توده‌های ستم‌دیده و مبارز و بخصوص خانواده‌های شهدا و انقلابیون نریبند قرار نارد، این است که مبارزات و اعتراضات خود را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر شدت بخشیده و اجازه

ندهند که رژیم و اربابان امپریالیست از سفر هیات تحقیق و رای آن مستسکی برای لاپوشانی دستان تا مرفق بخسود جمهوری اسلامی ساخته و چهره جنایتکار او را تطهیر نمایند.

خانواده شهدا و اسرای دربند ما باید از هیچ کوششی در جهت رساندن فریاد عدالت‌خواهی خویش به گوش جهان‌نشان فروگذار نکنند و باید از هر طریقی که امکان‌پذیر است با هیات تحقیق حقوق بشر تماس گرفته و اعمال ددمنشانه رژیم

جمهوری اسلامی در حق فرزندان رهبد و دلاور خویش را به این هیات بازگو نمایند. باید کوشش در ایجاد فضا و اوضاعی نمود که هیات تحقیق رای خود را به بر لسه جمهوری اسلامی که بر علیه او صادر نماید.



## هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر و تجمع خانواده‌های

رزمنده زندانیان سیاسی در برابر دفتر سازمان ملل

### در تهران

مانع از اعمال ضد خلقی رژیم در حق زندانیان سیاسی گردید چراکه نمکنا توری و اعمال روه‌های جنایت‌کارانه و سیمانده از طرف رژیم جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و انقلابیون و از ماهیت ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم این رژیم نشأت گرفته و از آن جنائی ناپذیر می‌باشد و اساساً این رژیم ماهیتاً جهت‌حفظ وجود ننگین خویش به چنان روه‌هایی نیازمند است. ولی پذیرش سفر هیأت تحقیق حقوق بشر به ایران از طرف رژیم به منظور کتمان نستان به خون آغشته خویش بقیام خدمت برنامه‌های تراز دارد که در جهت به اصطلاح مادی‌سازی روابط رژیم با اربابان امپریالیست می‌گردد در بین محافل سل بین المللی برای این رژیم کسب وجهه نموده و در بین افکار عمومی جهان او را بعنوان رژیمی که بیگر از اعمال تروستیستی دست برنناخته است معرفی نماید.

سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران در شرایطی صورت گرفته است که هنوز مدت زیادی از حیات خون‌خواری که رژیم با کشتار انقلابیون اسیر برآه انداخت نمی‌گذرد در این میان تعداد به‌شماری از زندانیان سیاسی پس از شکنجه‌های وحشیانه توسط مزدوران جمهوری اسلامی بسته بسته اعدام و به گورهای بسته جمعی سپرده شدند در شرایطی که سطره فضای رعب و وحشت در جامعه و اختناق بهشتناک و شرایط پلیسی مانع از آنست که توده‌ها و خانواده‌های آنها و زندانیان سیاسی براضی بتوانند با هیأت تحقیق تماس گرفته و حقایق را بسا او برهان بکنارند. بنا بر این گذشته از ماهیت خود این هیأت نمی‌توان بهیچ‌بینی نمود که گزارش هیأت مزبور در بهترین حالت نمی‌تواند بازگو کننده تمام حقایق مربوط به جنایات و فجایع ننگین رژیم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی در صفحه ۱۰

در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌کوشد جنایات به‌شمار و فجایع را که از پیدایش به قدرت رسیدن در حق توده‌های ستمدیده، نیروهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی مبارز مرتکب شده و می‌شود و لایونانی نموده و با آنها را کمرنگ جلوه دهد در شرایطی که این رژیم جنایتکار با توجه به وسعت وسعت اعمال فجیع و سیمانده‌ها در حق زندانیان سیاسی و انفاگیری نیروهای مترقی و انقلابی در این رابطه چندین سال بود که از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به دلیل نقض حقوق بشر محکوم اعلام می‌شده در سال جاری جهت ضمانت از محکومیت دوباره خویش دست به تکرار جنایت‌ها زد و پذیرفت تا هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران سفر نماید.

با سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران بررسی رسانده‌های امپریالیستی می‌گویند تا پذیرش سفر این هیأت از سوی جمهوری اسلامی را گامی مثبت در رعایت حقوق بشر از طرف این رژیم ضد خلقی جلوه دهد و در این میان عناصر سازشکار و فرصت طلب و دوستان نادان خلق نیز هر یک بگونه‌ای از نتایج مثبت این سفر صحبت نموده و گاه از آن بعنوان عقب‌نشینی رژیم و التزام او به رعایت "حقوق بشر" در ایران بساد می‌کنند.

صرف نظر از اینکه هیأت تحقیق حقوق بشر سازمان ملل در پایان سفر خویش در مورد فجایع و اعمال جنایتبار رژیم جمهوری اسلامی چه اظهار نظری نموده و چه رایی صادر نماید، پذیرش سفر این هیأت از طرف رژیم نه به مفهوم قبول رعایت "حقوق بشر" بوده و نه بدلیل عقب‌نشینی او از مواضع ضد خلقی به همین صورت گرفته است. در همین حال این نکته را نیز باید اضافه نمود که سفر هیأت مزبور هرگز نمی‌تواند

# گرامی باد خاطره سرخ رزمندگان قهرمان سیاهکل

★  
جلیل انفرادی



★  
محمد علی محدث قندچی



★  
هادی بنده خدا انگرودی



★  
علی اکبر صفایی فراهانی



★  
استاعیل معینی عراقی



★  
غفور حسن پوزاصیل



★  
محمد هادی فاضلی



★  
احمد فرهودی



★  
هوشنگ نیری



★  
ناصر سیف دلیل صفایی



★  
محمد رحیم سمائی



★  
شجاع الدین مشنگ



★  
استغندر رحیمی



★  
عباس دانش بیزادی



★  
محمد مهدی اسحاقی



نمادها شی از تفاهد های درونی هبات حاکمه

از صفحه ۲۵

اظهار داشت که: "آقای شعله سعدی نماینده شیراز صحبت خود شان را با این جمله شروع کردند که من به عنوان نماینده مستقل چنین و چنان میگویم. مثل اینکه غیر از جناب ایشان همه وابسته هستند. البته مشخص هم نکردند که بلیه وابسته به کجا هستند، وابسته به قریب و شوق یا یک جناح؟! انگار فقط ایشان هستند که مستقل هستند." وی در حالیکه در دفاع از برنامه های غارتگرانه دولت خطاب به رقبای ناراضی و نماینده مزدور سخن میزد در ادامه سخنانش گفت: "الان نشستن و بیرون گود ناسزا گفتن کار اراضی است." جمله به یک جناح از ابتدا تا انتها که این هم جمله به یک جناح نیست، جمله به یکسری ارزشهاست." در همین جلسه مجلس مزدور دیگری به نام محمد تقی رنجبر که به اصطلاح نماینده مردم مومعه سرا میباشد از سخنان کبیری آزرده شد و در اعتراض به وی گفت: "اینکه آقای

خواه ای دیگر از اوضاع نابسامان...

از صفحه ۲۲

آن و مناسبات غارتگرانه سرمایه داری وابسته با برجاست، اوضاع اجتماعسی - اقتصادی توده های تریبند ماه نه تنها کوچکترین بهبودی نخواهد یافت بلکه بر ابعاد فقر و فلاکت آنها بی افزوده خواهد گشت. پس بر رقبای آگسناه و زحمتکش ماست که برای نجات از اینسن اوضاع، برای برقراری حاکمیت عادلانه خویش، مقاومت و مبارزه سترگ خود را بر علیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست آن هر چه بیشتر گسترش دهند.

مهندس کبیری در ارتباط با اشکالات سخنرانی آقای شعله سعدی مطلبی گفته و نکوهش می کردند از اینکه ضمن در سخنرانیها ارزشها را میگویند در مطالبات نسبت به دولت گذشته و کارهایی که انجام شده جمله کرده اند ممکن است حرف درستی باشد. اما شما برادر عزیز چرا اشاره به سخنرانی روز یکشنبه بعضی از آقایان در همین مجلس که ارزشها را گویدند و نسبت ناروا به جریان مقابل دادند، نگاه نکرده." و...

اینها بود شمای از درگیریهای درونی سردمداران جمهوری اسلامی طوسی ماههای اخیر، کشمکش ها و جدال های که گاه بصورت حاد و گاه با عدت کمتر، در اشکال و صور مختلف بروز نموده و لاسران بودن پایه های حکومت جمهوری اسلامی و حقایق بسیاری را در رابطه با این رژیم بر ملا میارند.



# گفته‌ها و نکته‌ها

## احلال در سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نوری در دانشگاه تهران

رسالت سه شنبه ۱۲ دی ۶۸

بشش خبری: یک اجتماع دانشجویی که از سوی جامعه اسلامی دانشجویان در مسجد دانشگاه تهران ترتیب یافته بود از طرف عده‌ای از دانشجویان منتسب به دفتر تحکیم برهم زده شد. همین گزارش حاکی است، حوالی ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته دانشجویان که به عبادت همیشه برای اقامه نماز ظهر و عصر به مسجد دانشگاه می‌آمدند با در بسته مسجد روبرو شدند، بنابراین برگشته برخی دانشجویان در مسجد به دستور رئیس دانشگاه تهران بسته شده بود. دقیقی بعد با پیوست جمعی از بیان حقایق، اما می‌توانیم با هم برادر باشیم و به این برادری افتخار کنیم. وحدت ما با شما علیه دشمن است که صفوف متحد امت اسلامی فشرده‌تر می‌کند و به نفع اسلام و رهبری تسک می‌بخشد.

آقایان بنشینند اگر سئوال یا اشکالی دارند مطرح نمایند تا در محیطی برادرانه پاسخ دهیم. ولی دانشجویان احلال‌گر به عمل زشت خود ادامه دادند. آقای ناطق نوری گفت: من از عزیزان برگزار کننده و سایر دانشجویانی که از جاهای دیگر آمده‌اند تقاضا می‌کنم کوچکترین برخوردی با احلال‌گران نمایند. پس وی با اشاره به مطلبی که یکی از اعضای دفتر تحکیم در اجلاس سابقانه خود در مهرماه گذشته گفته بود: «دانشگاه ما این است که در افتخار ما این جناح ... در اجازه ندادیم جناح ... دانشگاه تهران نفس بکشد»، اظهار داشت: واقعا این است فضای برادری و انصاف؟! به عنوان یک

می‌تواند آزاده حرف خود زل. چیه رفته‌ها در شدند. پس آقای ناطق نوری بند حرف ... بزند. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی برای ابراد نطق پشت بلندگو قرار گرفتند که متأسفانه به دلیل عدم همکاری مسئولین مسجد دانشگاه ایشان با بلندگوی دستی شروع به صحبت کرد. احلال‌گران همچنان به احلال خود در جلسه ادامه دادند. آقای ناطق نوری طی سخنان کوتاهی در پاسخ به عکس‌العمل احلال‌گران گفت: متأسفانه این بچه‌ها اینقدر کم حبه و کم تحمل هستند که تحمل شنیدن ۲ کلمه حرف حق را ندارند. وی گفت: بهتر است

محمد عظیمی

نماینده مردم طبقه و چاران

کسانی که از وزیر خارجه سئوال می‌کنند، بیایند توبه کنند و با مردم با صداقت برخورد کنند و گرنه مردم تکلیف خود را با آنها روشن خواهند نمود.

عباس دوزدوزانی  
نماینده مردم تهران  
\*مسکن است  
بعضی‌ها بپرسند که  
بن چطور در دوره دوم  
مجلس سئوال که شد،  
آن سئوال با لحن تند  
حضرت امام رویرو  
شد، من عرض کنم که  
آن سئوال از وزیر  
خارجه نبود.  
روشن ناطق نوری

**کرده‌هایی برای اظهارات صبرمسئولانه**  
**در اعتراض به اظهارات صبرمسئولانه**

● صبح امروز اعضای ۱۳۱ اتحادیه صنعتی یا صنعتی به ناطق نوری در مجمع در مسجد جامع نسبت به تلاطمهای ناطق نوری اکتان اوراق بی مسئولیت و ضعف دیپلماسی خارجی کشور اعتراض کردند.

### احکامات

- اطاعت کامل وی چون چرا از رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به منزله اطاعت از حضرت امام (ره) محسوب می‌شود.
- در گذشته خود را مدافع سینه چاک ولایت فقیه قلعه‌داد می‌کردند اکنون به اشکال مختلف از اطاعت ولی فقیه سرایز می‌زنند
- اگر به اصل ولایت مطلقه فقیه صلحه بخورد سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی در طول سالها آتش بیاری در معرکه جنگ امپریالیستی ایران و عرق صدها هزارتن از بهترین جوانان و توده های محروم این مرز و بوم را به عنوان گوشت دم توپ، بدون هیچ دغدغهای در میدانهای این جنگ خانه خراب کن از دم تیغ گذرانید.

جنايات رژيم در جريان اين جنگ ارتجاعی آنقدر وحشیانه و تاسف بار است که تجلیات موهن آن گاهها در نزد توده ها بصورت سوژه های مسخره آمیز بر علیه رژیم درمی آید. اما سران فریبکار رژیم با آگاهی به عمق تنفروانزجار توده ها که در قالب تمثیلهای و جوک های گوناگون در سطح جامعه نشر یافته، حتی از این جریان نیز به عنوان ابزاری در جهت تحمیق و فریب توده های تحت ستم استفاده کرده و سعی نموده اند با کانالیزه کردن این جریان در کانالهای دلخواه، ایده های ارتجاعی مورد نظر خویش را به صورت فرهنگی که گویا در حمایت از جنگ امپریالیستی از درون جامعه برآمده جلوه دهند. "مضریا جهت اطلاع" جلوه کثیف دیگری از این فریبکاری رذیلانه رژیم جمهوری اسلامی است.

# مضریا جهت اطلاع!

• این ترز به پیوسته  
• یک بار مصرف، «کنال پرکن»، «عاشق خاکریز تول»  
هم می گویند. و همه حکایت شجاعت و مظلومیت نیروهای مردمی است. و اینکه به کام خطر می روند و در میان آتش منزل می کنند. و اهل هجرت و جهاد هستند و در این معرکه به هیچ چیز نمی اندیشند جز عشق و ارتباط و انس با او.  
• پالگد کن:  
نماز شب خوان، چون معمولاً در تاریکی مطلق برای اقامه نماز شب برمی خیزند، برای بیرون آمدن از سنگر یا چادر بناچار پای بعضی از دوستان را نادیده نگد می کنند.

• پوری بهشت دادن!  
به زودی شهیدان شنیدند و همه وصال بسیار رسیدن «پوری بهشت» را شنیدند. «پوری بهشت» به کسی که به جهت اخلاص، محبت شهادت خود را از راه کرده و حضور قلب بیشتری دارد گفته می شود و «گلبرگ» نیز می گویند.  
• شهید است یا شهید پروزا:  
نوزاد، پسر است یا دختر. عزایت کرده و خیرش به وسیله نامه در جبهه به او رسیده حساسیت غلط در مورد دختر دار شدن را از شخص می گیرند و قضیه را حمله اتان می خوانند.  
• زنگان:  
با این راه به وسیله خدمات و سرویس که معمولاً در شهرهای جنگ زده و جا و مکان و حمام، آرایش و خیاطی و خلاصه حواص اولیه روزمندان که معمولاً با کمکهای مردمی هم تقویه می شوند.

• مضریا جهت اطلاع:  
حدیث نفسی و تعریف از خود است. وقتی کسی می خواهد واقعاتی را تعریف کند که به نحوی خودش هم در آن شرکت داشته برای اینکه بگوید مطمئن نیستم که خودمشان بشود می گوید: مضریا جهت اطلاع عرض شد.

## سرفه های شایسته در ترکیه موجب مرگ يك ایرانی شد

آنکارا - خبرگزاری جمهوری اسلامی  
يك ایرانی که از طریق مرز زمینی وارد ترکیه شده بود با همداد روز گذشته در آنسراسر مرزهای شدید در شرق این کشور جان خود را از دست داد.  
وی که صبری نوزاده نام داشت به همراه دو تن دیگر از دوستان خود از طریق نوار مرزی چالدران واقع بر استان شرقی وارد ترکیه شده بود.  
خبرگزاری نیمه رسمی آگاتما

سنگی دیگر بر پیشانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

حوادث

یک شبکه احتکار و توزیع داروهای کمیاب در مشهد متلاشی شد

سشنیبه سوم بهمن ۱۳۶۸  
پست و پنجم جمادی الثانی ۱۴۱۰  
۲۳ ژانویه ۱۹۹۰ - شماره ۱۸۹۵۹

کشف صدها بسته داروی کمیاب در سمنج و سقز

اطلاعات

کشف ۷۴ تن سیبزمینی احتکار شده از سه انبار در اهواز و تبریز - چهارتن سیبزمینی در مشهد شهرستان بروجرد - ۱۰۰ کیلوگرم

باکوش کارآگاهان مسروقه در بیجار و شهریار کشف و توقیف شد

۷۰ دستگاه مونتوسکلت باکوش خیری، باتلاش پیگیر کارآگاهان مسروقه در بیجار و شهریار کشف و توقیف شد. تمامی مونتوسکلت ها به دستور مقام قضائی به دست آمدند.

خطر جدی آلودگی هوای تهران نیاز به یک اقدام جدی دارد

کارشناسان هشدار می دهند که هوای تهران چندین برابر استاندارد قابل قبول، مسمومیت را است.

اطلاعات

کشف اجناس خارجی از ۱۰ فروند لنج و قایق موتوری در آبهای ساحلی بندر عباس  
از آن تعداد ۴۴۸۶ دستگاه ساعت، ۱۸۶۰ عدد لکساز، ۹۶ شیشه آئوکن و ۱۷۵ عدد روسری کشف شد. در

در چهارمین روز از دهه فجر کارکنان یک واحد تولیدی در اصفهان ۲ ساعت بیشتر کار می کنند



ادبیات کارگری!

ادبیات همیشه از مقولات بسیار با اهمیت در رشد و شکوفایی فرهنگی بوده و هست و خواهد بود. بی‌الخصوص وقتی قرار بر پایه وزارت کار بیاید، ادبیات از نوع کارگری را انهم بصورت کنگره برگزار نماید!

اوهم ۶۴ ساعت مرخصی گرفت و دست آخر این قطعه ادبی کارگری را در یک متر کاغذ خط - خطی کرد تا بلکه با ادب بودن خویش را ثابت کند. لذا چون هنوز نامبرده را بی ادب می دانم منتظر آثار بعدی اش هستم تا بلکه خلافتش را ثابت کند، نوشندند را هم بفاولین کنگره ادبیات کارگری که قرار است در زاهدان تشکیل شود می فرستیم!

محمد رضا تیما

# گزیده‌هایی از صدای جریکها:

سفر هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر

سازمان ملل به ایران و تبلیغات عوامل فریبانه

رسانه‌های امپریالیستی

۶۸/۱۱/۵

در شرایطی که سالهاست کوس رسوائی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی قهرمان در هر کوی و برزن بصدا درآمده است، در شرایطی که سالهاست اسم سیا، این رژیم در زمره وحشی‌ترین حکومتهاست که حقوق بشر در آنها پایمال میشود ثبت گردیده، سران مزدور این رژیم سرانجام در راستای سیاستهای ریاکارانه و ضد خلقی خویش با سفر هیاتی از سوی سازمان ملل به ایران توافق نموده و این هیات چندروز پیش وارد تهران شد. جمهوری اسلامی ضد خلقی با اتخاذ این سیاست فریبکارانه اولاً در مجمع سازمان ملل متحد از صدور قطعنامه نوباره‌ای در رابطه با محکومیت جنایات خویش در افکار بین‌المللی جلوگیری بعمل آورد و ثانیاً اینستور جلوه داد که گویا این رژیم آنسکس و سرکوبگر حاضر است که واقعتاً دهفتناک سیاهچالهای قرون وسطائی خود را به معرض قضاوت عمومی بگذارد و به آنها نشان

در صفحه ۲۵

جمهوری اسلامی و تبلیغات

زهر اکین ضد کمونیستی

۶۸/۱۰/۲۴

مدتی است که آشکار شدن روزافزون ورشکستگی رویزونیستهای خائن حاکم بر چین، شوروی و اقمارش، فرصتهای نوپندی را به نارودستهای امپریالیستی داده تا بقدت بر علیه طبقه کارگر و کمونیسم اصل به لجن پراکنی پرداخته و پایان عمر سوسیالیسم و کمونیسم، بعنوان تنها مکتب رها نبیضی زحمتکشان را اعلام کنند. در چنین موقعیتی طبیعی است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز در حیطه انجام وظایف امپریالیستی خویش، با تمام توان بر حدت و عدت لجن پراکنیها و تبلیغات بورژوائی بر علیه کمونیستها بهفزايد و نقش ضد خلقی خویش را به کمال در این کارزار ضد کمونیستی ایفا کند.

اما در این جنجال، گنفته از تلاشهای هیستریک بر ضد کمونیسم و طبقه کارگر، سران مزدور این رژیم با از این حد هم فراتر گذاشته و به انحسار مختلف درصددند که در تبلیغات

در صفحه ۲۳

جاودای دیگر از اوضاع نابامان

بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی

۶۸/۱۰/۱۱

سالهاست که تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، توده‌های ستمدیده ما در فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی، گرسنگی و کمبود روزافزونی بسر می‌برند و حتی از دستهایی به اساسی‌ترین ملزومات زندگی خویش محرومند و تحت حاکمیت این رژیم ضد خلقی، روزبه روز نیز برداشته رنج و مرارت آنها افزوده میگردد.

یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهمترین معضلاتی که توده‌های ما طی این سالها با آن دست به گریبان بوده و همواره زندگی پراز رنج و مهقت آنها را در معرض خطر قرار داده است، نبود و کمبود پزشک، دارو و حداقل امکانات درمانی میباشد که در همه حال بعنوان یکی از اساسی‌ترین مشکلات خلقهای ما مطرح بوده و هست. در عین حال که این معضل از برکت سر رژیم جمهوری اسلامی در سراسر ایران



تحت سلطه و حتی با بعد و سهمتسری نسبت به گذشته بنیاد می‌کند تا جاییکه با توجه به کثرت و شیوع بیماریهای مختلف و سطح نازل بهداشت و توده‌های رنجیده مانده زندگی فلاکتبارشان از دستیابی به دارو و درمان هدیددا رنج می‌برند.

ابعاد کمبود دارو و درمان و تاثیرات این مساله را بویژه می‌توان در مناطق محروم مہمنان باهدتسی دو چندان بعینه دید. واقعیتی که نشان میدهد خلقتهای رنجیده ما بخصوص در این مناطق از زاویه تامین حداقل امکانات اجتماعی چه ستم هولناکسی را متحمل می‌شوند.

برای نمونه اگر به بندر لنگه بعنوان یکی از محرومترین شهرستانهای ایران نظری بیافکنیم هرچه بیشتر به عواقب سیاه ناشی از حکومت رژیم جمهوری اسلامی و ابعاد فقر و بهره‌روزی توده‌های زحمتکش مہمنان پی می‌بریم. در واقع اوضاع بهداشت و درمان این شهر نشان میدهد که توده‌های رنجیده این خطه برای رفع حداقل نیازهای درمانی خویش با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

قبل از هر چیز لازم بیاناوری است که در شهرستان بندر لنگه همانند بسیاری از نقاط مہمن تحت سلطه‌مان از بهداشت به مفهوم رعایت حداقل موازین آن خبری نیست. مهمتر اینکه آب آشامیدنی بعنوان ابتدائی‌ترین وسیله زندگی و آلوده به انواع و اقسام میکروبها میباشد. بنا بر این و با توجه به ابعاد

فزاینده فقر گریبانگیر زحمتکشان در این شهر عدم بهداشت و نبود دارو و درمان و غیره زمینه بیشتری برای شیوع انواع بیماریها در این شهرستان و اطراف و اکثرا ضرر را موجب گردیده است.

با توجه به چنین شرایط نامتناه زیستی، این شهرستان تنها از وجود يك بیمارستان اگر بشود آنرا بیمارستان نامید برخوردار است. بیمارستان موجود در بندر لنگه در سال ۱۳۴۶ بنا شده است و در آن زمان با ظرفیت ۲۵ تخت و بعضی زایمان، داخلی و جراحی برای جمعیتی حدود ۱۰ هزار نفر ساخته شده بود. بعد از گذشت سالها که جمعیت به چندین برابر افزایش یافته است باز هم این بیمارستان با همین ظرفیت همچنان بعنوان تنها بیمارستان این شهر باقی مانده است که با حدود ۱۸۰ هزار جمعیت بندر لنگه و حومه‌اش با عددی بالطبع يك بیمارستان در شهری که تا شعاع ۲۶۰ کیلومتری آن بیمارستان وجود ندارد و رژیم جمهوری اسلامی هم کمترین گامی در جهت رسیدگی به کمبودهای آن برنمیدارد. بهرور زمان نیاز آسب دیدگها و خرابیهائی هم خواهد شد. از اینرو در سال ۶۳ این بیمارستان بمنظور انجام تعمیرات بمدت ۴ ماه تعطیل شد. پس از انقضای این مدت بیمارستان بازگفتائی و به اصطلاح به سرویس نهی به بیماران پرداخت.

اما درست یگمال و نهم بعد از انجام اولین تعمیرات مجدد و این بیمارستان بمدت ۶ ماه یکبار دیگره این تنها بیمارستان بندر لنگه تعطیل شد. بدون

اینکه محل دیگری حتی نظیر یک درمانگاه نیز جایگزین آن نشده. بنا بر این با توجه به خرابیهای موجود در بیمارستان مہمن منوال بیمارستان مزبور از سال ۶۳ تا کنون ۴ بار و هر بار بمدت چندین ماه تعطیل شده است. حال میتوان در نظر گرفت که با وجود تنها يك بیمارستان در شهری با آن کمیت، زمانی که همین مرکز نهم بندر لنگه تحت تعمیرات قرار گرفته و تعطیل شده توده‌های ستمدیده برای مسداوی بیماران خود با چه معائب و مشکلاتی روبرو می‌گردند.

از اینرو اهالی بندر لنگه و بعضیهای بستک، گاویندی، عجبکوه، لامرد و بندر خمیر که از بیمارستان مزبور سرویس می‌گیرند، با باید متحمل هزینه گرانی عودت و به شهرهای دیگر مراجعه نمایند و با بغاظر فقستان امکانات مالی و نداری و بیچارگی، مرگ تدریجی عزیزان را در مقابل چشمان خود مشاهده نمایند.

قاره اینها فقط عمه کوچکی از نمای بهروزی و ظاهری بیمارستان بندر لنگه محسوب می‌شوند. مسلما بیماران تصویر کوچک دیگری از وضعیت تروسی بیمارستان بهی از بهی روشن می‌سازد که تحت‌ها کمیت وابسته جمهوری اسلامی و توده‌های ستمدیده این خطه با چه مصیبت و بدبختی ای نیاز درمانی خویش را برآورده می‌سازند.

در مورد امکانات تروسی این به اصطلاح بیمارستان که گویا باید تکا فوی رفع نیازهای بهی از ۱۸۰ هزار

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

نفر زحمتکشان بندر لنگه و حومه را داغته باید گفت که این مرکز به معنی تنها بیمارستان این مرز و بوم فاقد حداقل امکانات و تجهیزات ضروری است و حتی از دستگاه تنفسی و دستگاه گرفتن نوار مغزی که ابتدایی ترین وسیله لازم برای بیمارستان محسوب می شود برخوردار نیست. در واقع این بیمارستان تنها کاریکاتورری از بیمارستان است که فاقد بعضی ارتجیدی و جسم و سوختگی سوانح و مراقبتی و ویژه است. متأسفانه بر همه اینها کمبود کادر پزشکی و بهر پزشکی و پرستاری محدودیت تخت های بیمارستان از دیگر مشکلات این بیمارستان محسوب می شود که مثبوی هفتاد من کاغذ است. تنها محض نمونه کالی ست اشاره نمود که کمبود پرستار آنقدر محسوس است که کادرهای بیمارستان، نظافتچی بیمارستان را ملزم به کفیدن سرم از دست بیماراران کرده اند. این امر باعث عدم آشنایی نظافتچرها با مسائل پزشکی بارها منجر به خونریزی مهبودی از محل نصب سرم گردیده و خطرات باز هم بهتسرسی را متوجه جان بیماراران کرده و می کند. از سوی دیگر وضعیت بیمارستان بگونه ای است که بیماراران مبتلا به بیماریهای عفونی و واگیرداره در کنار سایر بیماراران بستری می شوند. نمونه های دیگری وجود دارند که مثلاً یک بیمار قلبی که نیاز به مراقبت های ویژه دارد، در بخش مادی که بر از سروصدا است بستری می شود. گفته از اینها در محلهائی که بیماراران را بستری نموده اند، بوی معشیزکننده و گند توالی آنها را هر کرده و مقامها را آزار میدهد. در هر اتاق ۷ تا ۸ بیمار

با بیماریهای گوناگون از بیماری قلبی گرفته تا نسیک کمره، برونشیت، سل و غیره را روی تختها و درکنار هم خوابانده اند و صدای سرفه و آه و ناله برخی از بیماراران مزاحم بیماراران دیگر است. بعضی که بیماراران نمیتوان ملحنه از آنها استفاده می کنند سوراخ سوراخ و کثیف است. ضد عفونی کردن آنها که جای خود دارد. به اصطلاح بعضی کسه بیماراران در آن بستری شده اند همواره ملو از مگر است. بطور کلی بهداشت در این بیمارستان که بعنوان مرکز درمانی و بهداشتی شناخته می شود، در سطح بسیار نازل قرار دارد و گفته از بیماراران همراهان آنها نیز برای مبتلا شدن به بیماریهای دیگری تهدید می کنند. از همه اینها گفته و اکثر مواقع در ناروغانه بیمارستان درواهای مورد نیاز بیماراران یافت نمی شود و آنان مجبورند تا روی خویش را از بازار آزاد تهیه نمایند. در این بیمارستان حتی از قطره استامینوفن که از ابتدایی ترین مسکنهای مورد استفاده در ایران است خبری نیست.

همچنین در بیمارستان بندر لنگه یعنی محلی که بیماراران حداقل از لحاظ عمیق باید در آن راحت باغنده آرامش مغنل شده و کثرت ارباب رجوع، سروصدا و ازدحام حدی نمی شناسده یک روز بعلت خرابی قفلها با چکش به جان درمسا می افتند که قفلها را باز کننده یکروز سرو صدای کارگران ساختمانی برای کندن دیوار به گوش میرسد و بهمان نوده از این قبیله آرامش و سکوت از این بیمارستان را بطور کلی سلب کرده است.

در مورد آزمایشگاه بیمارستان بندر لنگه نیز باید گفت که بطور روزانه ۱۵۰۰ نفر مراجعه کننده دارد و

با توجه به وضعیت درم و برهم آزمایه گاهها، اکثر نتیجه و جواب آزمایشها با مفقود شده است و با به افراد اعتبارها نانه میشود. از آنجائیکه مادی که برای آزمایش به بیمارستان بندر لنگه نانه میشود از مرکز استان می آید، گاه تاریخ مصرف مسود عکبرناری به سرآمشته و با سنج آزمایشها در بسیاری از موارد برعکس و نادرست است. باز هم جالب است بدانیم که به برکت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در طول سالها، بمنسوان بدیمی ترین ملزومات بیمارستان مزبور هنوز یک جهم پزشکی و با پزشکی متخصص و جراح بیماریهای زنان و زایمان ندارد. در حالیکه در همین بیمارستان روزانه حدود ۴۰ زایمان صورت می گیرد.

بله آنچه که عرض رفت، تصویر کوچکی از وضعیت یک بیمارستان تبهیبک در یکی از محرومترین شهرهای میهن تحت سلطه مان است. این واقعیات تا سفاک بهمانه نمودی از وضعیت بهداشت و درمان نوده های ستمیده میهنمان نشان میدهد که رژیم فاسد و وابستهای نظیر جمهوری اسلامی تمامی هم و غم حکمرانی برجان و مال نوده ماه و تعدید غارت و سرکوب آنهاست و کوچکترین وقتی برای نیازهای پزشکی نوده ها نظیر بهداشت و درمان و آسودگی قائل نیست. این واقعیات در عین حال گویند بیمار کوچکی از سیمای گریه رژیم جمهوری اسلامی و همچنین تصویرری از فقر و محرومیت کارگران و زحمتکشان ما زیر حاکمیت زور و سرنیزه ایمن رژیم است.

بدون شك تا این رژیم و ممبران

## جمهوری اسلامی و تبلیغات زهر آئین ضد کمونیستی

از صفحه ۲۰

زهر آئین خان، منصب و جمهوری اسلامی را پس از باطل شدن فروریختن کمونیسم به عنوان مکتب و نظامی که باید از این به بعد الگوی توده‌های سایر جوامع و منجمله در کشورهای فوی الذکر قرار گیرد جا بزنند و برای این کالای امپریالیستی دست دوم خود بازار گرمی کنند. در همین راستاست که در روز یکشنبه گذشته، حسین روحانی نماینده رژیم از تهران در مجلس شورای اسلامی نیز به سبب دیگر همبستگیهایش در اشاره به تحولات اخیر در عرصه جهانی و منجمله فعل و انفعالات در باطل شدن اردوگاه سوسالیم، به لجن پراکنی بر علیه مکتب کمونیسم یعنی علم رهائی کارگران و زحمتکشان پرداخت و طی سخنانی با استناد به عملکردهای رویزیونیستی سردمداران کشورهای بلوک شرق گفت: «آن مکتبی که در طول ۷۰ سال گذشته رویروی دین و مذهب استناد بود و بنام علم و بنام اصول تفهیرناپذیر رویروی تفکر مذهبی استناد بود، این غول مردود و درهم شکست و از بین رفت.»

روحانی این جبهه‌خوار سرمایه‌داریان وابسته در ایامه اراجیفش، بنا بر سرعت طبقاتی‌اش در حمله به ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم افزود که: «این از دیدگاه ایدئولوژیک یک پیروزی برای اسلام و مسلمین است.» ما بارها توضیح داده‌ایم که بموازات

غلبه روزافزون رویزیونیسم بر حزب و دولت در اردوگاه کشورهای باطل‌ساخت سوسیالیست، از سالها پیش عمل کرد حکام رویزیونیست و هائین این کشورها نه تنها هیچ ربطی به مارکسیسم و طبقه کارگر نداشته بلکه اتفاقا این سیاستها در جهت ضربه زدن به حیثیت والای کمونیسم و همچنین تخریب در انقلابات کارگری این جوامع به نفع بورژوازی بسوده و میباعد. بنا بر این برغم میدانناریهای امروز مزدورانی نظیر روحانی در مبارزه با کمونیسم، اتفاقا سخنان اخیر او پس از هر چیز ترس و وحشت این کارگزاران مزدور سرمایه را از کمونیسم و مارکسیسم اصل بمثابه تنها تئوری گورکن سلطه امپریالیستی و کارگزاران و ایالیست نشان میدهد. چرا که امثال روحانیها به خوبی میدانند که از تاریخ پیدایش مارکسیسم و کمونیسم در جهان این مکتب، نوید بخش دوران تازه و سرنوشت ساز و بمنا برآمدن قافوس مرگ تدریجی نظام سرمایه‌داری و نابودی محتوم تمامی استثمارگران و فزبیکاران و پایمان کار ایدئولوژیهای کهنه آنان توسط طبقه کارگری بوده که به این ایدئولوژی و جهان بینی مسلح گفته است.

امثال روحانی مزدور بخوبی میدانند که در طول تاریخ حیات سرمایه‌داری محتضر، هر جا که کمونیسم و مارکسیسم مهر و نشان سرخ خود را بر جنبشهای طبقات فروست کوبیده، جنبش آنها بر

علیه استثمارگران چنان سبلی را موجب شده که مهار و کنترل آن توسط بورژوازی سرکوبگر بهیچ رو امکان پذیر نگفته است و امروز اگر ما خواهیم که انقلابات کارگری پیروزمند تحت هدایت ایمن ایدئولوژی و پیشاهنگان مسلح به آنها در یک پروسه تدریجی در کشورهای نظیر چین و شوروی و غیره به تحلیل رفتند، این امر اتفاقا بدلیل آن بوده است که رویزیونیستهای از قبیل حکام چین و شوروی بطاظر ماهیت طبقاتیشان در طی یک پروسه ایمن انقلابات عظیم و دوران ساز را از سر مارکسیسم و کمونیسم منحرف ساخته و جهتگیریهای آنها را بر خلاف اهداف و آرمانهای کمونیستی توده‌های محرك این انقلابات سازماندهی کرده‌اند. و گر نه همه و از جمله خود جناب روحانی بخوبی میدانند که بنا به تجربیات تاریخی انقلابات کارگری زیر لوای مارکسیسم و کمونیسم ما تا مکه این انقلابات در پروسه تکاملی به اصول خنده‌ناپذیر خودشان وفادار ماندند، چه در چین و چه در شوروی، مورد تحولات بسیار شگرفی در زندگی این جوامع گفته و در حالیکه در مدت کوتاهی فقر و فلاکت و مآسای فراوان ناشی از آن را در مقیاس بزرگی از بین بردند، رهانیدن توده‌ها از خرافات مذهبی و تبلیغات ارتجاعی نظامهای بورژوازی و ایدئولوژیهای کثیف آنها باعث نائل آمدن آن جوامع به

بیشرفتهای بسیار بزرگی در همه عرصهها شدند.

بنا بر این آنچه که در تحولات اخیر کشورهای با اصطلاح سوسیالیستی برعکس از ارجیف نارودستههای امپریالیستی و منجمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر اثبات شده، عبارت از این واقعیت است که مارکسیسم و کمونیسم اصیل نه تنها در مقابل ایدئولوژیهای ارتجاعی و خرافات مذهبی که جز ابزاری در دست رژیمهای بورژوازی جهت تسهیل استثمار تودهها نیستند، شکست نخورده بلکه با روشن شدن ماهیت بورژوازی عملکردهای کمونی حکام رویزیونیست و مارکسیسم و کمونیسم زمینههای مناسبتتری برای رشد و گسترش و پالایش بیش از پیش خویش از انواع رسوبات و آلودگیهای بورژوازی نیز بدست آورده است. پس فریبکارهای روحانی مزدور در این رابطه الحق که بیشتر بکار خود همین گان زنجیری میاید تا بکار تحمیل تودههای آگاهی که قادرند از ورای تمامی این تبلیغات هیستریک ضد کمونیستی امثال ایخان و رژیمان و چهره بورژوازی هار و دریده ای را تشخیص دهند که با وجود احتقار روزافزون بهدت مغفول رنگ و لعاب زدن به کالاهای کهنه و ارتجاعی خویش است.

واقعیت این است که در کارزار تبلیغات مسموم ضد کمونیستی، امپریالیستها و گهای زنجیریش جهت مقبولیت بخشدن به ارجیف ارتجاعی خویش بر علیه کمونیسم و مارکسیسم به فریبکاری رنبلانهای دست میزنند. آنها در ایمن کارزار مسموم نخست کمونیسم را با عملکرد دولتها رویزیونیست حاکم بر کشورهای بلوک شرق معنی میکنند و سپس با استناد به تهاستهای ضد کارگری و ضد انقلابی

آنها به تبلیغات پرنامنه و سازماندهی شده خویش بر علیه کمونیسم و مارکسیسم اصیل ابعاد وسیعی میبخشند و اعمال ضد انقلابی و ضد کمونیستی این نارودستهها را نقشه گریزناپذیر کمونیسم و مارکسیسم جلوه میدهند. ولی بر خلاف اینگونه لجن پراکنیها بر علیه ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی کمونیسم، اتفاقا تحولات اخیر در عرصه جهان و منجمله تحولات اخیر در اردوگاه کشورهای با اصطلاح سوسیالیست بیش از پیش حکم بر ایمن واقعیت میدهد که نه تنها مارکسیسم و کمونیسم شکست نخورده اند بلکه امروزه بر عکس و تنها راه رهائی از سلطه امپریالیسم و رویزیونیستها بر جهان و ننی و نابودی هرگونه ستم و استثمار و فقر و فلاکت دائم التزاید حاکم بر زندگی کارگران و سایر تودههای تحت ستم جهان تنها و تنها در گرو مهلج عدل خلقی است. تحت ستم به این تئوری دورانیار و به کارگیری آن در عمل انقلابی است. و اتفاقا بر اساس چنین واقعیتی است که ما داریم که عدول رویزیونیستهای هائین به طبقه کارگر از مارکسیسم بمنسوان ایدئولوژی این طبقه تا به آخر انقلابی در طول سالها، امروز بجائی رسیده است که باعث شده تا این نارودسته های ضد کارگری چنان عملکردهای ضد انقلابی از خود نشان دهند که سوزهای بسیاری را در دست امثال حسین روحانیها و غیسره قرار دهند، تا آنها از موضع امپریالیستها و گهای زنجیریشان بر کمونیسم بتازند و مهمتراز آن بگویند که الگوهای امپریالیستی و ارتجاعی ای نظیر مدل جمهوری اسلامی را به تودههای محسوم قالب کنند. در چنین چارچوبی هم هست که روحانی مزدور نماینده رژیم از تهران و همپا لگنهاش یا این اظهارات مذبحخانه

تلاش میکند که ضمن علم کردن بیری "اسلام" و "مسلمین" و مدلهای ارتجاعی ای نظیر "جمهوری اسلامی"، که در طول سالها ثابت شده جز ابزاری در دست امپریالیستها و گهای زنجیریشان برای پوشش سیاست نواستعماری و تحمیل تودهها نمیباشند، به فریبکاری پرداخته و ضمنا در این کارزار ضد خلقی، به لایوعانی دفاع و حفاظت بی چون و چرای خود و رژیمش از منافع سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستان متغول خود، بلکه ترس و وحشت امپریالیستها و گهای زنجیریشان از کمونیسم، بمثابه مکتب رهائی بصریت از قید سلطه امپریالیسم و نوکری فدائی منبجند که امروزه انسان را واداشته تا با صرف هزینههای گزافه و با استفاده از پست ترین و رنبلانترین شیوهها به دشمنی با مارکسیسم و انقلاب بپردازند. و در این راه، هر کس که بجا بی رسیده که حتی از دست یازیدن به مستمسکهای ارتجاعی و ضد خلقی غناخته شده ای همچون مدل جمهوری اسلامی نیز در رخ میپورزند.

ولی همین دست و پا زدن و تلاشهای مذبحخانه امروز امپریالیستها و وابستگی نظیر جمهوری اسلامی، از سوی دیگر انعکاس هراس روزافزون آنها از یک واقعیت مادی و بتدریج رشدیابنده است. آنها از آنجا که به چشم خود میبینند که چگونه امروز در اکثر جنبشهای توده ای طبقه کارگر و رنجتکش از آمریکای لاتین گرفته تا آسیا و آفریقا، تالو مارکسیسم و کمونیسم بر تارک این نهضت های انقلابی نقشه است و از آنجا که این جنبشها و تکوین و رشد روزمره آنها بیش از هر چیز نوید دهنده فرائی است که در آن دیگر از در صفحه ۶

## سفر هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران

### و تبلیغات عوامفریبانه رسانه‌های امپریالیستی

از صفحه ۲۰

بعد که گویا در حکومت سپاه این رژیم از پایمال شدن حقوق بشر خبری نیست و تمامی اتهامات سنگینی که در طول يك نعه اخیر مبنی بر شکنجه و سلاخی کردن و قتل عام و سرکوب توده‌های پها خاسته توسط جمهوری اسلامی از سوی نیروهای انقلابی به این رژیم وارد گردیده پس اساس بوده و میباید .

در عین حال که جمهوری اسلامی ضد خلقی با اتخاذ این تاکتیک‌ها کارانه می‌کوفد که برخی از نیروها و جریان‌ها سازگار اپوزیسیون خود را نیز خلیع سلاح کند . بخصوص نیروهایی که اینروزها با گرفتن رستی " وجهه‌الملسه " از بهت بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها برای سفر این هیات به ایران کف می‌زنند و آنرا نشانگر دورانی می‌نامند که در آن گویا قرار است که جمهوری اسلامی بعنوان گرگی خونخوار توبه کرده وار گری بسودن دست بکشد .

از سوی دیگر رژیم خون آشمام جمهوری اسلامی پس از قبول رسمی بازبند هیات تحقیق سازمان ملل از ایران نمو بهیچ رو بیگار ننشسته و به تلاشهای مذبحخانه‌ای دست بازبده تا با اتکا به آنها ضمن جو سازیهای مسموم و تطهیر چهره سرکوبگر خویش افغان عمومی را فریفته و در نتیجه به لایوهای و کمرنگ

نمودن جنایات خویش در نقض حقوق بشر بهرنازد .

همانطور که توده‌های آگاه ما عاهدند درست در مقطع ورود هیات حقوق بشر سازمان ملل به تهران است که رژیم جمهوری اسلامی مبارزت به تشکیل سمیناری از سرکردگان رژیم سپاه‌های خود نمود و رئیس قوه قضائیه این رژیم یعنی یزدی جلاد از آنها خواست که با زندانیان رفتاری باصطلاح " محترمانه " داشته باشند . بازم در راستای همین فریبکاریهاست که رژیم جمهوری اسلامی ظرف روزهای اخیر با تندید لفرکهای خویش تحت عنوان مبارزه با قاچاق مواد مخدر و سازماندهی مانورهای نظیر " ظفر " در تمام کشور می‌کوفد جو رعب و وحشت را بهی از بهی در جامعه حکمفرما کرده و علاوه بر آن سرکوب و قلع و قمع توده‌های ستمدیده در ایران را در انکار بین‌المللی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر جایزند . و بازم در راستای همین سیاست عوامفریبانه است که رژیم مزدور جمهوری اسلامی با جمع کردن طوماری از چنده تن از توابعین خائن و ابادی خویش و رساندن آن بدست این هیات مدعی میسود که اصولا در سپاه‌های جمهوری اسلامی شکنجه وجود ندارد و سرانجام در راستای همین تلاشهاست که بهروز خامنه‌ای جلاد هم به صحنه آمده و از

دژخیمان رژیم میخواهد با انقلابیون اسیر البته همچون گذشته رفتاری اسلامی داشته باشند . خلاصه آنکه جلادان حاکم در این نمایشات سراسر رها میخواهند در شرایط حضور این هیات در کشور با تلاشهای مذبحخانه‌چهره سپاه رژیم خویش را در اعمال رذیله‌ترین جنایات در حق توده‌ها هر چه بدتر تطهیر نمایند .

صرفنظر از تمام این تلاشها مزدوران جمهوری اسلامی در آستانه ورود هیات مذکور برای بازبند از سپاه‌های کشور با برقراری جو رعب و وحشت بهیتره از هیچ تهدید و فشار افزودنتری نسبت به انقلابیون نربند فروگذار نکرده و از هیچ تلاشی برای جلوگیری از تماس توده‌های مبارز و بجان آمده با این هیات خودداری نورزیده است . تحت چنین شرایطی است که هیات مزبور به ریاست رینالدو - گالین دوبل از سوی کمیسیون تحقیق حقوق بشر سازمان ملل وارد تهران گفته و این خبر بعنوان یکی از باغترین سوزدهای رسانه‌های امپریالیستی تبدیل شده تا آنها بار دیگر در جهت منافع خویش و رژیم مزدورگان یعنی جمهوری اسلامی به بهره‌برداریهای ضد خلقی معیسی دست بزنند .

در اغلب تبلیغاتی که حول و حوس و ورود این هیات به ایران در جریان

است، رسانه‌های تبلیغاتی امپریالیستی کوشیده‌اند تا سفر اخیر هیات تحقیق سازمان ملل برای دیدار از ایران را چنان وانمود نمایند که گویا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با اعلام توافق خویش با ورود این هیات به ایران بر این عقیده است که دیگر نمیتواند با فشار زندان، شکنجه و دیکتاتوری به حاکمیت منحوسش ادامه دهد و مبادیست از "سازش و گفتگو" یا توده‌ها و سازمانهای بین‌المللی وارد شود. در این تبلیغات امپریالیست‌ها بدلیل آنکه بهیچ رو قادر نیستند ستان کثیف سران رژیم جمهوری اسلامی را که تا مرفق بخون ده‌ها هزار تن از انقلابیون و مبارزان دربند آغشته است در جنایات یکدمه اخیر بر علیه خلقهای محروم ما بی‌بمانند، با زیرکی خاصی میکوشند اینگونه القا کنند که رژیم جمهوری اسلامی با قبول آمدن هیات مزبور دیگر در مورد سرکوب و قلع و قمع توده‌ها تغییر رویه ناده و قهر و سرکوب لجام گسیخته را به کنار نهاده است. بعضی کردن این اراجیف مضحک از رسانه‌های امپریالیستی در درجه اول تلاش مذبحخانه‌ای از سوی جناحهای متفاوت امپریالیستی در جهت وارونه جلوه دادن ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بمثابه حافظ نظام سرمایه‌داری وابسته در میهنمان میباشد. این بوقهای تبلیغاتی بنا بر منافع امپریالیستی گردانندگان آنها صحنی ندارند که با تزریق ایده‌های سراسر کذب مبنی بر تغییر رویه رژیم جمهوری اسلامی از دیکتاتوری به دموکراسی و غیره ضمن باعیدن خاک بر چشم توده‌های آگاه جهان و منجمد خلقهای قهرمان ایران، چنان وانمود سازند که گویا رویسای

سیاسی نظام سرمایه‌داری وابسته حاکم بر میهنمان میتواند چیزی به جز اعمال دیکتاتوری عنان گسیخته سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیست‌ها بر حیات و کار توده‌های محروم بگذرد. تبلیغات زهرآگین امپریالیستی از سوی دیگر در صدد تزریق این توهم هم هستند که گویا رژیم جمهوری اسلامی تنها تحت فشار سازمانهای بین‌المللی همچون حقوق بشر سازمان ملل که تازه سرخ آن در دست اربابان امپریالیست رژیم میباشد، مجبور خواهد شد بجای اعمال فشار و دیکتاتوری بر توده‌ها به ایجاد فضای باز و برقراری دموکراسی جهت حل مسائل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بپردازد. و بنا بر این مردم بجان آمده نیز باید به جای تشدید مبارزاتشان وضع نابسامان موجود را تحمل کرده و چشم براه آمدن اینگونه هیاتها از سوی مراجع بین‌المللی باشند تا تفهیری در اوضاع و احوال آنها بوجود آید.

بله! امپریالیست‌ها با اینگونه تبلیغات عوامفریبانه قصد بر آن دارند چنان وانمود کنند که آزادی و دموکراسی‌ای که توده‌های آگاه ماطی سالهای متعادی در جهت تحقق آن خون بهترین و رشیدترین فرزندان خویش را نثار کرده و میکنند نه در گرو گسترش مبارزات و اعتراضات کارگران و سایر توده‌های تحت انقیاد و نهایتاً سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و قطع سلطه اربابان رژیم بلکه در تحولات از بالا و در چارچوب فعالیت‌های سازمانهای بین‌المللی‌ای همچون حقوق بشر سازمان ملل متقدم تحقق میگردد. مطابق همین اهداف جنایتکارانه هم هست که امروز رسانه‌های امپریالیستی در عمده تبلیغات زهرآگین خویش بر این شگرد عوامفریبانه تاکید دارند که در

جمهوری اسلامی هم "دیکتاتوری متزلزل شده" و به این ترتیب "دموکراسی" می‌رود تا دنیا را بگیرد. تبلیغات امپریالیستی برای آنکه این اراجیف زنجیره را بهتر به خورد توده‌های محروم بدهند، بسا عوامفریبی تمام ضمن توسل به عملکردهای روزیمونسستی دولتهای حاکم بر کشورهای باعصلاح اردوگاه سوسیالیسم و نمونه‌هایی همچون پاناما، چین، رومانی و غیره دوران دیکتاتوری را پایان یافته حساب میکنند و سپس اینطور جلوه میدهند که حکومت‌های دیمونسی نظیر جمهوری اسلامی نیز تحت تاثیر این اوضاع جهانی است که در حال پایان دادن به دیکتاتوری شاه خویش و آغاز دورانی دموکراتیک میباشد. درست در چنین اوضاع و احوالی است که تبلیغات امپریالیستی سفر اخیر مقامات حقوق بشر به ایران را بسا سوزهای جهت فریبکاری بر علیه توده‌های آگاه تبدیل نموده‌اند و به آن نامنهر چه بیفتی بخیسند.

نصیحتین نکته‌ای که در این رابطه باید متذکر شد آن است که برغم اهداف ضد خلقی کارزار تبلیغاتی امپریالیست‌ها در فریب توده‌ها، مردم آگاه و مبارزما تجربه سفر اینگونه هیاتها را در زمان دیکتاتوری رژیم شاه نیز به یاد دارند و بخوبی میدانند که سفر اینگونه هیاتها مؤید پایان جنایات رژیمهای جلادی نظیر جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و رسیدن صرفاً آزادی و دموکراسی برای مسرمد نبوده و نیست. همه میدانند که در زمانهای گذشته و بطور مشخص در آخرین سالهای دوران حاکمیت رژیم منحوس شاه نیزه این رژیم که در نقض حقوق بشر در آن سالها شهره عام و خاص بود با اعزام هیاتهای صلیب سرخ به ایران موافقت

کرد. اما سفر این هیاتها به ایران اساسا بغاظر با بیان بخمیدن به دیکتاتوری سیاهی که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در طول سالها در کوچه و خیابانها و در سياهالهای وحشتناك خود بر علیه توده های محروم و کمونیستها و انقلابیون اسیر اعمال میکرد نبود. چراکه این سفرها در زمان رژیم شاه نیز اساسا نه بغاظر طرفداری آنها از حقوق توده های محروم بلکه بغاظر مصالح بین المللی آن روز امپریالیستها و بویژه تحت تاثیر طرح مسئله "حقوق بشر" کارتر رئیس جمهور وقت امپریالیسم آمریکا بود. توده های کارگر و زحمتکش ما ضمن تکیه بر تجارب و آگاهی انقلابی خویش طی یازده سال گذشته با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بمنوان سکا ندار نظام امپریالیستی حاکم، تنها و تنها در گرو گسترش و تداوم دیکتاتوری خفن و عمریان و سرکوب اعتراضات و مبارزات آنها میباشد و جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم فقط و فقط در پناه این اعمال جنایتکارانه و وحشیانه است که میتواند موجودیست نظام سرمایه داری وابسته را حفظ و پایداری و استثمار توده های محروم ما به نامین منافع اربابان امپریالیستی بهرنازد.

بنا بر این ما نامیکه اساس و چارچوب مناسبات امپریالیستی بر جای مانده باشد، ما نامیکه طبقه انگل صفت سرمایه داران وابسته بر این نظام حاکم و بر جان و مال توده ها حکم برانند، رژیمهای موجود نیز در هر هیاتی که

بافند از نوع آریا مهری گرفته تا جمهوری اسلامی، جز اعمال کننده این دیکتاتوری سیاه نبوده و کاویرد زور و سرکوب لجام گسیخته، شکنجه و سلاخی انقلابیون و معترضین به نظام و اعدا مها و قتل عامهای وحشیانه توده های دربند از وجود آنان جنائی ناپنهر میباشد. واقعیتی که چه در زمان رژیم مزدور شاه و چه در زمان حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد و درجات متفاوت بزمینه تر مقابل جنبش انقلابی توده های ستمدیده ما قرار داشته و دارد.

تحت تاثیر همین قانونبندی سیاه نظامی تحت سلطه است که توده های ما حداقل در طول ده سال گذشته غاهد بوده اند که سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای حفاظت و صیانت نظام به ارتش رسانده از زمان شاه - از اعمال شنیع ترین جنایات در حق توده های انقلابی و فرزندان مبارزانشان دریغ نکرده و در اینراه حتی روی رژیم گذشته را نیز سفید کرده اند. براساسی هم جایی که جمهوری اسلامی ضد خلقی حتی از اعدام زنان باردار و کودکان کم سن و سال خودداری نکرده و سياهالهای عرصه تاخت و تاز دشمنان یکی از وحشی ترین رژیمهای وابسته تاریخ معاصر ایران بوده و در شرایطی که بطور روزمره هزاران تن از انقلابیون و نهانرزمین در این سياهالها توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی سلاخی شده و با قتل عام گفته و میگردند آنها دیگر جایی برای قبول این اراجیفیکه رژیم دمنش جمهوری از این پس میخواهد تغییر رویه داده و از آدمکشی و جنایت بر علیه توده ها

دست بردارد باقی خواهد ماند؟ آیا بخر وسیع این اکاذیب باطل در مورد نتایج شگرف دیدار این هیات از ایران و قبول و ترویج آن از سوی برخی نیروهای سازشکار و ابله و مفرضین متفاوت، جز بمعنای خاک پلاییدن بچشم توده های تحت ستم و تطهیر چهره سیاه رژیم جلالد جمهوری اسلامی است؟ بنا بر این بر خلاف لجن پراکنشهای بوقهای تبلیغاتی امپریالیسم در مقطع سفر هیات تحقیق حقوق بشر به ایران مبنی بر "شفاهای" تغییر رویه رژیم جمهوری اسلامی از دیکتاتوری بسوی دمکراسی، این واقعیت واضح و روشنی است که آزادی و استقرار دمکراسی و دوام آنها تنها و تنها در گرو نابودی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و نیکل بموسسالیسم و کمونیسم است. آرمانی که در درجه اول باید برای تحقق آن توده های مبارزه ارتش امپریالیستی و دیگر ضمام آنرا به عنوان دستگاههای اعمال زور و قهر ضد انقلابی نظام امپریالیستی و سگان زنجیری حاکم درم شکنند. در خانه باید با ناورشویم که سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان مللی به ایران، در شرایطی که کوس رسوائی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدلیل سالیها جنایت و خونریزی در حق توده های ستمدیده ما، با توجه به افشاگرهای نیروهای انقلابی در سطح بین المللی در همه جا بشنا درآمده است، در چهارچوب آن سیاست امپریالیستی صورت میگردد که خواهان تطهیر چهره جنایتکار جمهوری اسلامی و نجات وی از سالها ورغسکتگی و در صفحه ۱۳

زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میجنگد

## دولت سوئد و پناهنده

محل زیست بیش از ۶۰۰ پناهنده در یکی از اماکنگاههای موقت پناهندگان در سوئد، دارای چنان شرایطی است که هم اکنون سلاشی اغلب آنان را تهدید می نماید. اماکنگاه مذکور در لنگرگاه کشتی های پاربری در بندر SANNEGÅRD کوهنبری واقع می باشد و مقامات به اصطلاح انساندوست دولت سوئد هم با دو کشتی قدیمی و فرسوده که سالها از رده و استناد دارد کشتیرانی خارج شده اند از پناهندگان در آنجا پذیرایی می نمایند.

فنا و شرایط زندگی پناهندگان مورد نظر در نگاه اول تداعی گروهبیتی همانند وضعیت آوارگان ایرانی در پاکستان و ترکیه خواهد بود، ولی واقعیت این است که در کشور متدن و متمدن مکرسی سوئد (البته به معنی ظاهری آن) هم پناهنده و آواره از توحرف، مظلوم هستیم، اعمال فیروسانی و سیاست های ضد پناهندگی خلاصی نداشته و ندارد. در شرح موقعیت پناهندگان اسکان داده شده در آن کشتی ها، همین قدر کافی است اشاره شود که فنای بر از بود و پوی گازولیل ناشی از موتورهای کشتی (برای تامین گرمساز و روشنایی داخل کشتی موتورهاى آن دائما در حال کردن هستند) تا کون تعدادی از کودکان و حتی بزرگسالان را پس از ابتلا به بیماری های گوناگون، از آنجا به محلی دیگر انتقال داده اند و با بعضی دیگر مانند آن دختر پناهنده ای که بدت ۸۵ روز در بسک اتاقل ۲۸۲ (حتی کوچکتر) و بدون نور طبیعی خود را زندانی می بندارند. پناهندگانی که در آن کشتی ها بسر می برند (تعداد تقریبی ۶۰ نفر از آنان ایرانی هستند) ضمن بدوش کشیدن ستمو مضامین گذشته و دوری از خانواده های خود توام با نگرانی و التهاب دائمی از دریافت نتایج صحابه با پلیس در امر پذیرش یا دپورت (الخصرتراچ) و مهابست محرومیتها و تفتیقاتی که از طرف دولت سوئد به آنان روا میگردد نیز مشعل شوند. محرومیتهایی چون نبود دارو و عدم پیدا اشت مکان زیستی و برخوردار نبودن از ترجمسم در مواقع ضروری، کمبود مواد غذایی و تسهیلاتی دیگر برای کودکان شیرخواره، کافین نبودن وسایل گرمایی و پیشگیری از سرما، کمبود نور طبیعی در اتاقها و کابین های تنگ و تاریک کشتی، خرابی تهویه ها و گرفتگی توالت ها، دوری از مناطق مسکونی و شهر، نداشتن امکانات مالی بسیاری ایاب و ذهاب و تفتیقاتی دیگر که پناهنده سیاست های ضد پناهندگردد دولت سوئد و رفتن بار غیر انسانی اداره مهاجرین این کشور می باشد.

تشکل های واقعی پناهندگان:

هموطنان آگاه و مبارزان:

ما ضمن اعلام همبستگی و حمایت از خواست های پناهندگان، خواهان همکاری و همراهی شما در رساندن صدای اعتراض آنان به گوش مردم، محافل و مجامع مترقی برای تحت فشار قرار دادن دولت و اداره مهاجرین این کشور مبنی بر انتقال پناهندگان از کشتی ها به اماکن مسکونی می باشیم.

سازمان هوادار

جریکهای فدائی خلق ایران - سوئد  
۲۲ نوامبر ۱۹۸۹

ISFL

BOX 100 57

560 10 LINKÖPING

ISM

BOX 38 05

400 10 GÖTTENBORG

## UN کراچی، خواسته های پناهندگان را باجماع پلیس پاسخ میدهد!

پناهندگان و آوارگان ایرانی!

در دومین روز اعتصاب غذای خدک، ۱۰ نفر از پناهندگان ایرانی، که تنها خواهان روشن شدن وضعیت مهاجرت خود از UN بودند، پاسخ خود را باجماع پلیس وزندان دریافت دادند.

در صبح روز یکشنبه اسرا منتهی UN کراچی در جمع اعتصابیون حضور یافته و اولتیماتوم می دهند که نسبت به اعتصاب غذای خدک پایان دهند و معوطه بیرونی UN را ترک گویند و در غیر این صورت پلیس را برای تستگیری آنها فرا خواهد خواند. اعتصابیون که مصمم بودند تا دریافت پاسخی روشن و مثبت به حرکت اعتراضی خود پایان ندهند، در برابر تهدید UN مقاومت کرده و به اعتصاب خود ادامه میدهند. در همین روز یکی دیگر از پناهندگان پس از چهار سال اقامت در پاکستان که خواستار روشن شدن وضعیت مهاجرتش از UN شده بود، در مقابل UN دست بست و اعتراض زده و در برابر حرکت سرکوبگرانه UN تهدید نمود که اگر وضعیت من را مشخص نکنید من فردا نسبت به خودکشی می زنم. در شراپلی که UN همچنان به پناهندگان اخبار مینمود که پراکنده شوند، اسرا منتهی با بیخبرسی هر چه تمامتر به پناهنده مذکور می گوید: "تو با این حرفهای ما را فریب دهی و ۱۰۰۰ نفر در هندوکره شکنجی های UN بر علیه امر ثابت شده، بود و هیچ آینده روشنی در برابر خود ندانستی. با تیغ اجباری که خود را پاره پاره نمود. در این هنگام که زندگی این پناهنده در معرض خطر حتمی قرار داشت و با دخالت و کمک پناهندگان که در جلوی UN حضور دادند، از خطر مرگ نجات یافت و به بیمارستان منتقل شد. اما با اینحال وضعیت وی همچنان وخامت بار است."

پس از این حادثه UN کراچی نه تنها از توجه به خواستهای اعتصابیون ظفره رفت و بلکه دسته های پلیس را برای بازداشت اعتصابیون فراخواند. پلیس اعتصابیون را تهدید می کند که اگر تا چند لحظه دیگر اینجانب را ترک نکنید با زور جماعی شمارا پراکنده خواهیم کرد. اعتصابیون که از ابتدای حرکت اعتراضی شان برای رسیدن به خواستهای برحقشان خود را آماده مقابله با انواع فشارها و تهدیدات نموده بودند، نسبت به خونسپان راه پیکدیکر زنجیر نموده و چون تنگی واحد در برابر افراد پلیس جماعی بدست مقاومت نمودند، پلیس که متوجه پایداری اعتصابیون می بود، تنها با رفتار خشن روحیانه خود مولی به برهم زدن مقاومت وزدانی نمودن اعتصابیون می نمود. دو ساعتی بعد یک عده پلیس زن، یک مادر و فرزند دو ساله اش را که تا آخرین لحظات مقاومت نموده بود، دستگیر نموده و روانه زندان میکنند. در گرمای این حادثه UN کراچی بیخبر می راند جایی رسانند که وقتی پلیس حضور یافته بود، به آنان می گوید: "ما در اینجا امنیت نداریم (۱) و اینتان در و دیوار ما را رنگی کردند." (در اینجا UN جهت لووت کردن و قانع کردن پناهنده مذکور، بر روی دیوار راه رنگ تعقیب میکند.) UN کراچی به تمام ما را به اکثر روزهای طولانی خود می بیند. اعتصابیون راه زندان می فرستند بلکه حتی تحصیل

حضور پناهندگانی را که ناشی از حوادث بودند نمی نماید و به آنان اخبار می کند که فوراً پراکنده و از UN دور شوند. وقتی که پناهندگان پاسخ دادند که "ما اینجا آمده ایم تا ببینیم چه بلایی بر سر اعتصابیون آمده و شما چرا بجای آنکس مسائل را حل کنید؟" UN که هیچ وقتی به حرفهای پناهندگان نمی گزارید مجدداً به پلیس دستور می دهد که همه پناهندگان را از جلوی درها پراکنده و سوار و اگر کسی مقاومت کرده دستگیر و روانه زندان نماید. تمامی رفتار پناهندگی UN کراچی در آن روز موجی از انزجار و تنفر پناهندگان ایرانی را پیوسته آنست که پناهندگانی که خودشان از نزدیکان ما هستند تمام حوادث بودند نسبت به UN دامن زده

اطلاعاتی که تا آخرین دفاعی بدستمان رسیده اعتصابیون هم اکنون در زندان بسر میبرند و به اعتصاب غذای خود خود ادامه میدهند. پلیس هم از UN دستور گرفته تا موافقی که آنان اعتصاب خودشان را نکنند پناهندگان زندان آزاد شوند.

پناهندگان و آوارگان ایرانی! تکلیفای دیکر آنیک پناهندگی!

نیروهای انقلابی! اسانهای آزادیخواه!

این اولین بار نیست که UN کراچی در برابر خواستههای برخی پناهندگان و آوارگان دست به چنین اعمال ضد پناهندگی میزند و مسلماً آخرین آن نیز نخواهد بود. هم اکنون ما در برابر پلیس میبریم که هم در معرض تسرور عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم و هم اینکه UN برای پناهندگان خط و نشان میکشد و هر حرکت اعتراضی وحش طلبانمان را با چماق پلیس با کستان و زندان پاسخ میدهد. بر همانست که وضعیت و حمایت بسیار پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان را در برابر جهت دفاع از پناهندگان و اعمال لغت و انقضای عمل کرد UN دست در دست هم به پناهندگان و پیوسته اعتصابیون باری رسانید و صدای ما را به گوش جهان رسانید.

زنده باد اتحاد و همبستگی پناهندگان و آوارگان ایرانی در سراسر جهان!

دورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - کراچی - پاکستان

کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی - کراچی - پاکستان

۲۷ - نوامبر - ۸۹

### با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکاتبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانیش متکلی باشد.



بنیاد نیما یوسفیج  
سایه‌ها را لگد در گذشت او  
هست شب ...

هست شب  
يك شب دم کرده و خاک  
رنگ رخ باخته است  
باد، نوباره ابر  
از بز کوه، سوی من تافته است

هست شب  
همچو ورم کرده تنی گرم  
در استاده هوا  
هم از ایندروست نمیبندد اگر  
گفته‌ای راهی را

با تنی گرم  
بها جان دراز  
مرده را ماند در گوهر تنگ  
به دل سوخته من ماند  
به تنم خسته که میسوزد از هبیت شب  
هست شب، آری شب

نیما یوسفیج

## تحولات رومانی در کدامین سو؟!

روند جاری تحولات در بلوک شرق سرانجام طومار حاکمیت نارودسته رومیزیونستهای حاکم بر رومانی را نیز در نوردید و با سرنگونی حکومت چائوشسکو و جایگزینی دولت موقت موسوم به "جبهه نجات ملی" سند دیگری از اوج ورعکستگی و بی‌پایگی حکومت رومیزیونستها و ابعاد خشم و نفرت عمیق توده‌ها از آنان به به نمایش گذاشته شد.

در توضیح تحولات رومانی باید گفت که بموازات شدت گیری بحران در این کشور و بتبع از آن رشد اعتراضات نامتکبر توده‌ای، ارتش رومانی که چند روز قبل از سرنگونی هیات حاکمه با اصطلاح سوسیالیست این کشوره تا تکهای از روی مردم معترض و بجان آمده "تیمیسوآرا" گنجه و صدها تن از توده‌های ناراضی را ب خاک و خون کشیدند، چیزی نگذشت که به "انقلاب" رومانی اظهار وفاداری نمود. و چند روز بعد نیز جبهه نجات ملی و سران این ارتش با سرکوب اندک مقاومت باقیمانده گارد امنیتی چائوشسکو، ضمن اعلام استقرار دولت موقت جدید، "انقلاب" رومانی را نیز پایان یافته اعلان نمودند. در ۲۵ دسامبر چائوشسکو و همسرش بعنوان اصلی‌ترین مظهر تنفر توده‌ها از سالها حاکمیت رومیزیونستها در میان شوق و شغف بیحد توده‌های

رومانی اعدام شدند و به این ترتیب آنها نیز از برخی دیگر از رومیزیونستهای "سمج" آلمان شرقی که با سونای "مقاومت" در برابر موج بحران و اصلاحات آقای گورباچف بالخره مجبور به "خودکشی" شدند، سرنوشت بهتری پیدا نکردند.

از سوی دیگر دولت جدید یعنی "جبهه نجات ملی" هم پس از آنکه با اصطلاح حزب کمونیست رومانی را منحل و نام حکومت این کشور را تغییر داده از جانب اکثر نول غربی و نیز خود رومیزیونستهای شوروی، به مثابه دولتی برآمده از "انقلاب" توده‌ها برسمیت شناخته شد و بلندگوهای امپریالیستی نیز با دمیدن در شیپوره‌های تبلیغاتی مسموم خویش، پایان عمر نیکتاتوری در رومانی و رسیدن سرفصل "دمکراسی" و "آزادی" در این کشور را در همه جا جار زدند. اما برغم همه این تبلیغات و قضایای پشت پرده در رومانی مؤیدحقایق دیگری میباشند. واقعیت این است که رویدادهای خونین رومانی پیش از هر چیز نتیجه اجتناب ناپذیر مقاومت نارودسته چائوشسکو در مقابل امواج بحران و روند پشروی اصلاحاتی است که گورباچف و شرکاء مدت‌هاست با "پروشریکا" و "گلانوست" خویش برای سوار شدن بر موج بحران

فزاینده اقتصادی - سیاسی گریبانگیر حاکمیت رومیزیونستها در با اصطلاح اردوگاه سوسیالیزم آنها را طرح‌ریزی و بمرحله اجرا در آورده‌اند.

همه میدانند هیات حاکمه رومانی در شرایطی سرهما سرنگون شد که چائوشسکو از قبل رسماً و مکرراً اعلام کرده بود که رژیم او با اصلاحات جاری در شوروی و آلمان شرقی و لهستان و سایر حکومتها و احزاب "برادر" کاری نداشته و نخواهد داشت و رومانی همچنان در مسیر "سوسیالیزم" گام بر خواهد داشت و در همین حال جزئیات بیشتری که از سوی یک کانال تلویزیونی فرانسه در توضیح روند "انقلاب" رومانی انتشار یافت نشان میدهند که سران ارتش رومانی از مدت‌ها پیش از سرنگونی چائوشسکو و ایام پیش و در شرایطی که ظاهراً به حکومت او و حزب منغوروش وفادار بوده‌اند، درست در همان زمان جلسات مخفانه و محرمانه متعددی با نارودسته "جبهه نجات ملی" داشته و سرگرم طرح‌ریزی برای آینده تحولات این کشور و جنبش توده‌ها بوده‌اند.

حکومت جدیدی که با نام "جبهه نجات ملی" و ظاهراً به نسیابت از "انقلاب" رومانی در حکومت قرار گرفت، خیلی زود درمد ایجاد روابط در صفحه ۶

گسترده‌ای را بر علیه زنان تحت‌تسم میهنمان سازمان داده و با ضرب و هتیم آنان نمادی دیگر از وحشیگری خود را بنمایش گذاشتند.

« - در حالیکه کوشش‌های مربوط به نژادها و اختلافات کلان‌چندی پیش بهزاد نبوی در نزد توده‌ها و در هر کوی و برزن بمنا درآمده است، امروز مجلس فاسد و جیره‌خوار رژیم تمامی اتهامات آشکار بزدی و اختلاف را از وی میرا نداشت، بهزاد نبوی مزدور نه تنها از اتهام مربوط به اختلاف چند میلیون دلاری در شرکت سایپا و سایر اختلافها و نژادهای ریز و درختی که در وزارت صنایع سنگین رژیم و در زمان تصدی او صورت گرفته بوده، تبرئه شد بلکه بعنوان پادشاه و سران رژیم به این کارگزار همالگی خویش رسمت جدیدی هم در دستگاه دولتی واگذار کردند.

« - روزنامه کیهان به تاریخ ۲۶ دیماه نوشت: « در زندان اوین ۴ انگشت از دست راست فردی که متهم به ۲۱ فقره سرقت بود قطع گردید. » همچنین طبق خبر دیگری از جرایم جمهوری اسلامی در ۲۵ دیماه، جلالتان رژیم یک زن ۲۱ ساله را به اتهام فساد اخلاقی در انتظار مردم بنظرانزلی سنگسار نمودند.

« - در چهارچوب بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته، قرار داد احداث یک پالایشگاه دیگر در بندرعباس با دو شرکت ژاپنی و ایتالیائی امضاء شد. طبق گفته وزیر نفت جمهوری اسلامی قرار داد احداث این پالایشگاه که هفتمین پالایشگاه نفت رژیم محسوب می‌شود و با کانسرسیومی مرکب از دو شرکت استامبول جوتی ایتالیائی و کپودو ژاپنی با مبلغی حدود یک میلیون دلار منعقد گفته، ۲۸ ماهه ساخته خواهد شد.

« - علیرغم اینکه سیدخانمان برانداز در جنوب کشوره زندگی بسیاری از توده‌های ستم‌دیده ما را در گناوه و صدها روستای دیگر منطفه ویران نمود و خسارات سهمگینی به آنها وارد آورده، رژیم جمهوری اسلامی از ارسال حداقل کمکهای لازم به این مناطق خودناری میکند. از قول یکی از نمایندگان مجلس: « در گناوه یک سوم شهر غرق در آب گفته، آب به ارتفاع بیش از ۲ متر در کوچه‌ها و خانه‌ها بالا رفته و ساکنین خانه‌های آب گرفته به منارس و دیگر اماکن عمومی منتقل شدند. ۳۰۰۰ در گناوه حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد خسارت می‌شود. مردم در هوای سرد زمستانی بدون سرپناه و پوشاک و وسائل گرم کننده در محقت غم‌دهد و ناراحتی می‌گذرانند. »

## اخبار و

### گزارشهای خبری

« - مدت ۶ ماه است (حدوداً از خرداد ماه به بعد) که حقوق ماهانه کارگران زحمتکش کارگاه بهجار که زیر نظر سازمان توسعه راه قرار دارد پرداخت نشده است. مسئولین کارگاه در مقابل مراجعه و اعتراضات کارگران عنوان میکنند که بودجه ندارند.

« - بر غرایمی که هر ماه حداقل ۲۰۰ تومان از دستمزد نازل کارگران تحت عنوان پول بیمه کسر می‌شود، طبق قانون جدید بیمه هر کارگر نارای دفترچه بیمه درمانی که مجبور باشد برای تهیه نارو به ناروخانه‌ها مراجعه کند اضافه بر پرداخت پول ناروهای مورد نیاز خویش باید مبلغ ۵ تومان هم بعنوان مالیات به رژیم غارتگر جمهوری اسلامی بپردازد.

« - در اثر بی مسئولیتی و بی مهارتی رژیم وابسته جمهوری اسلامی، معدن ذغال سنگ پرده هارود مجدداً فروریخت. در اثر ریزش این معدن یک کارگر زحمتکش قربانی مطامع سرمایه‌داران وابسته شد و جان خود را از دست داد. لازم به یادآوری است که در دو هفته اخیر این دومین بار است که معدن فوق‌الذکر ریزش میکند و کارگران ستم‌دیده این معدن را به کام مرگ میکشد.

« - طبق اخبار منتشره در تاریخ ۱۱ بهمن ماه عسده‌ای از مزدوران سرکوبگر رژیم، کمیته‌چپها و حزب اللهی‌های چاقوکش در اطراف میدان انقلاب و خیابان امیرآباد و چهارراه امیر - اکرم تهران به ضرب و هتیم مردم بهدناغ و بخصوص زنان برناخته و عده‌ای از آنان نیز سوار بر موتورسیکلت از میدان انقلاب عیبه‌های نفازه‌ها را در مسیر خود خرد نمودند. این دومین بوز وحشیانه مزدوران رژیم به توده‌های ستم‌دیده طرف یکماه اخیر است. در طی دیماه نیز کمیته‌چپهای قناره‌بند در میدان ولعصر تهران به پهنانه بدحجابی حمله

بوده است.

« - در چهارچوب غیمة شب بازی خونینی که مدت‌هاست تحت نام مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از طرف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی صورت گرفته و میگیرد در تاریخ ۱۷ تیرماه را دیوی دولتی طی آنچه که يك عملیات گسترده خوانده شد از کشف صدها کیلوگرم مواد مخدر به‌مراه مقامات معتنا بهی سلاح و مهمات جنگی در اطراف زاهدان خبر داد. مطابق این خبر باستاناران رژیم اینبار ۱۳۵۶ کیلوگرم تریاک، هروئین، هیدرین، ۱۸ قبضه سلاح جنگی و غیره را کشف و ضبط کرده‌اند. البته رادیوی رژیم هیچ اشاره‌ای به هاجیان این محموله‌ها و هویت آنها نکرد اما وسعت نامده عملکرد و قدرت آنها را بواقع با این موضوع که در نزد باندهای قاچاق موکک کاتوها ۱۰۲ و ۲ هزار عدد فبندگ موکک و همچنین يك نوع سلاح جیبی کشف کرده است، توضیح داد.

« - رفسنجانی رئیس‌جمهور رژیم بدبختان مغز انحصاری (۱۰ ایل تیرماه) به استان خوزستان در مورد نحوه عملیات باصلاح ستانهای بازسازی کفائی عنوان داشت: « ستادهای بازسازی در بعضی از استانها خوب عمل نکرده‌اند » و در ادامه سخنانی بعنوان مثال گفت: « اهالی تهران که وعده داده بودند بازسازی شهر خرمشهر را بعهده بگیرند، بقول خود وفا نکردند. رفسنجانی در حالی وقتها به گناه عدم بازسازی شهر خرمشهر را به گردن « اهالی تهران » انداخت که در آب‌انما گذاشته‌اند خائدهای مزدور از کینه تهنی رحمتکمان تهرانی بذل و بغض نموده و به نهایت از طرف مردم این شهر اعلام داشت که « بازسازی خرمشهر را مردم تهران تقبل کرده‌اند و متعهد شده‌اند که خرمشهر را دوباره بسازند ».

« - طبق لایحه جدیدی که در تاریخ ۱۰/۲ در مجلس ضد خلقی شورای اسلامی به تصویب رسیده بیگاری کفیدن از معمولین وظیفه مجاز عمده شده و عنوان گردید که دولت میتواند به منظور تامین نیازهای نیروی انسانی خود و غیره در کارهای کشاورزی و فاسازی، آموزش، تولیدی و جهاد سازندگی از خدمت معمولین وظیفه در دستگاهاای اجرائی لبریط استفاده نماید ».

« - اخیرا فاش شد که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی طی قراردادی با يك کمپانی هلندی جهت تهیه و تولید گازهای کفنده و سلاحهای بیولوژیکی، لوازم و تجهیزات دریافت کرده است که ظاهرا بمنظور ساختن واکنش و نارو به ایران فروخته شده است.

« - مجله اقتصادی مید چاپ لندن طی گزارشی فاش نمود که جمهوری اسلامی در جریان تاراج دادن منابع و ذخایر میهنانه بزرگترین معامله پیش فروش نفت را با یکی از شرکتهاای امپریالیستی در آلمان بنام « مارین پکس » انجام داده است. نفت به پغما داده شده ۸۰۰ میلیون دلار ارزش یافته است.

« - بنا به اعتراف استانانار سیستان و بلوچستان و اگر وزارت نیرو بموقع اقدام نکند مردم شهر زاهدان تا ۱۵ سال دیگر حتی از ناعتن آب خوردن محروم خواهند بود. او اضافه نمود: « منابع آب و سفره‌های زیرزمینی در اطراف زاهدان به علت خذکسالیهای متوالی و ازباده جمعیت این شهر در چند سال اخیر و مهاجرت روستائیان از شهرهای اطراف و حضور ۱۳۰ هزار تن از برادران مهاجر افغانی که در این شهر ساکن هستند در حال اتمام است و در صورتی که وزارت نیرو بموقع نسبت به تامین آب این شهر از منابع شناخته شده اقدام نکند تا ۱۵ سال دیگر آب آشامیدنی در این شهر وجود نخواهد داشت.

« - فرمانده بسیج سپاه باستاناران اعلام کرده بمنظور تکمیل ارتش ۲۰ میلیونی و سازماندهی نیروهای بسیجی نیروهای بسیج جایگزین سپاه کشوری شد. بر اساس این تصمیم تمامی امور اجرائی بسیج به نیروهای مقاومت بسیج منتقل میشود. « - در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی طرف روزهای اخیر بدت در تلاش برای تکذیب رابطه‌های گسترده اقتصادی - سیاسی خویش با رژیم اشغالگر اسرائیل است و هنوز افتتاح ناشی از افشای فروش يك محموله حدود ۲ میلیون پفکه نفت از سوی جمهوری اسلامی به همپالنگهای صهیونیستی نقل هر مجلس است. اخبار منتشره بار دیگر از تازه‌ترین دینار يك هیات جمهوری اسلامی با مشاور ویژه نخست‌وزیر اسرائیل خبر میدهد. مطابق این اخبار در جریان ملاقات بین مقامات رژیم جمهوری اسلامی و همپالنگهای صهیونیستیان سفیر جمهوری اسلامی در سوئیس، نماینده رژیم در دفتر سازمان ملل در ژنو و همچنین یکی از عناصری که در جریان افتتاح ایران گیت دخیل بوده است، حرکت داشته‌اند و موضوع نخست‌اخیر نیز عقد قراردادهای جنبید نظامی و اقتصادی و امنیتی بین اسرائیل و جمهوری اسلامی



## " ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی "

در راستای ایجاد تسهیلات هرچه بیشتر برای سرمایه داران زانو ملت وابسته جهت سرمایه گذاری و در شرایطی که دولتمردان رژیم بحران زده جمهوری اسلامی احتیاج مبرمی به مشارکت فعال سایر همپالکی‌های خویش در بخش خصوصی دارند که هم‌اکنون بنابر برخی آمارهای دولتی ۱۴۰۰ میلیارد تومان نقدینگی هستند و در همین حال این نقدینگی را به دلیل سود جویانه خاص خود در رشته‌های مورد نظر دولت بکار نیانداخته‌اند، اخیراً مجلس شورای اسلامی اقدام به تصویب قانونی نمود که مطابق آن به دولت است اجازه داده شده که در سه نقطه از مناطق مرزی کشور مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایجاد نماید. در همین رابطه اخیراً الویری عضو هیأت رئیسه مجلس کمیسیون برنامه و بودجه رژیم در رابطه با به اصطلاح بحران این طرح، اذعان نمود که: " اگر یک منطقه‌ای از سیستان و بلوچستان، اگر در آنجا، منطقه آزاد تجاری اعلام بشه، نتیجه‌اش اینست خواهد بود که اینکا سرمایه‌دار ست می‌خواهد سرمایه‌گذاری بکند برای فعالیت صنعتی چون می‌بیند که در او نجابتش دیگه‌ای کامل وجود داره و کالاشی که بخواد به‌کار ببره، ساختمانی که بخواد بسازه، لوازمی که مورد نیازش باشه، از سود بازرگانی و عوارض گمرکی مسافراست ترحیم می‌ده که بیره سرمایه‌گذارش رو در اونجا بکنه و خود این مساله موجب جذب سرمایه به اون منطقه‌ای می‌شود که آزاد تجاری اعلان شده " وی همچنین مدعی شد که حتی این مساله توسعه یافتن اون منطقه‌ای است که آزاد اعلام می‌شود.

جاودان باد خاطره سرخ رفیق هیدو  
عموا و غلبو، کمونیست بزرگ، دشمن آشتی‌ناپذیر  
امپریالیستها و استثمارگران و رهبر جنبش  
کمونیستی ایران.

- مزدوران رژیم در کردستان، مردم ستمدیده منطقه میدانین بانه راحت فشار قرار داده و با تشدید اذیت و آزار آنان، به ایشان اخطار کرده‌اند که باید اسلحه‌های خود را که در خانه‌های خود پنهان کرده‌اند تحویل دهند و لسی اهالی روستا مطرح می‌کنند اسلحه‌ای در پیش خود ندارند.

- مدتی است که رژیم اقدام به خلق سلاح شماری از جاش‌های خود فروخته در منطقه بانه نموده است. رژیم بسا این ترغیب یعنی خلق سلاح خود فروخته‌ها را که مدت‌ها ریزه‌خوار رژیم بوده و در سرکوب خلق کرد شرکت داشته و بدین اعتبار مورد تنفر و انزجار بیش از حد مردم کردستان می‌باشند، قصد دارد گروه فرتی متشکل از سربازان کرد را به جای آنان جایگزین نماید.

- طبق گزارشات منتشره چندین پیش‌مزدوران سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در تداوم جنایات وحشیانه‌شان بر علیه توده‌های ستمدیده و زحمتکش خلق کرد، به یک جنایت سنگین دیگر توسل جسته و شب هنگام با تیراندازی بسوی کاروانچیان زحمتکش در شمال کردستان یکی از آنها را بشدت زخمی نمودند. مزدوران شهکار رژیم پس از این مسلسل وحشیانه که در منطقه "برادوست" اتفاق افتاد، و قیام‌ها اعلام کردند که دلیل تیراندازی آنها بسوی زحمتکشان بی‌دفاع و بی‌گناه این بوده است که پیشمرگان دلاور خلشق کرد به همراه کاروانچیان در منطقه رفت و آمد می‌کنند.

- بر طبق اخبار دریافتی در تاریخ ۲۲ آذرماه جاری در روستای نالاس منطقه سردشته بار دیگر دو دسته از جاش‌های مزدور رژیم بر روی هم اسلحه کشیده و مسلحانه بجهان سید دیگر افتادند. در جریان این درگیری ۴ تن از مزدوران بدست همپالکی‌های خویش کشته شدند.

- در دوم دیماه سال جاری یکی از محافظان شخصی امام جمعه مزدور سنج طی یک عمل قهرمانانه و انقلابی توسط یکی از فرزندان مبارز خلق کرد در منطقه ترمینال

- طبق گزارشات رسیده گران در شهرهای کردستان همچنان بیداد میکند منجمله در سردشت و پیرانشهر یک طلب روفسین ۵۰ کیلویشی ترکیه بین ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان برونج بسته به مرغوبیت و جنس آن کیلویشی ۸۰ تا ۱۳۰ تومان و هر عدد شخم مرغ به ۶ تومان به فروش میرسد.

همچنین از آنجا که علیرغم فرارسیدن فصل زمستان و سرمای شدید، هنوز مردم کوپن های مربوط به سوخت را در بافت نکرده اند - که تازه در چنین صورتی نیز سوخت نیازل پیش بینی شده در آن کوپنها تکافیوی احتیاجات مردم محروم را نمی کند - هر بشکه گازوئیل تا ۷۰۰ تومان در بازار آزاد به فروش میرسد و قیمت یک بشکه نفت نیز در شهرهای باد شده اگر پیدا شود بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان می باشد.

- اخیرا رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی پورش دیگری راجه روستاهای مرزی آغاز نموده تا با توسل به زور و ارهاب روستاها را ستمدیده این خطه را وادار به تخلیه روستاهاشان نماید. همچنین رژیم به اهالی ۲۰ روستا و دهکده در نقاط مرزی در منطقه بانه نیز اخطار کرده است که حداکثر تا اوائل سال آینده روستاهای خود را ترک کنند - مزدوران رژیم با فشار و تهدید توده های ستمدیده روستای "ماله دون" بانه را مجبور به ترک روستای خویش نموده اند، این عمل سرکوبگرانه که به قصد تخریب روستای فوق الذکر صورت گرفته است، باعث گردید اهالی روستا در فصل زمستان و سرما از محل زندگی خود دست بکشند و به روستاهای دیگر مهاجرت نمایند.



گرامی باد دوم بهمن ماه (۲۰ ریبندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان توسط خلق مبارز و به پا خاسته گرد. دوریبندان یادآور جلوه ای از سابقه درخشان مبارزاتی خلق دربندیست که سالیان متمادی برای آزاد شدن و آزاد زیستن سلاح بردوش گرفته و بر علیه سلطه امپریالیستها و سگان زنجیریش دلاورانه می جنگد!

سندج - تهران ترور شد و به سزای اعمال کثیف و ننگین خود رسید اعدام انقلابی این مزدور خود فروخته در حالی صورت گرفت که نامبرده در اعمال اذیت و آزار توده های مبارز سندج از زمره کثیف ترین ابادی رژیم در سندج بود.

- اخیرا به هزاران تن از آوارگان محروم منطقه آن که خانه و کاشانه شان در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق ویران و نیمه ویران شده و مجبور به ترک روستاهاشان شده اند گفته شده که حق ندارند به روستاهای خود برگردند. در ضمن جمهوری اسلامی از پرداخت هرگونه خسارت به آنها امتناع می ورزد.

- در تداوم سیاست های غارتگرانه جمهوری اسلامی، رژیم کار و فاجت را به حدی رسانده است که از مردم مبارز کردستان خواهان کمک مالی جهت احداث و افزایش پاسگاه های نظامی سرکوب خود در کردستان می گردد، در همین رابطه چندی پیش راهزنان رژیم در یکی از مناطق اطراف شهر بوکان به مردم رنج دیده اعلام داشته اند که هر خانوار باید مبلغ ۵۰۰ تومان جهت ساختن پاسگاه های نظامی جدید بپردازد و بالاخره رژیم با تحت فشار قرار دادن روستاهاشان مونسق به اخذ ۹۰ هزار تومان از آنان شد.

- از آنجا که پاسداران سرکوبگر رژیم اغلب ساختن مدارس روستاها را در کردستان به تصرف خویش در آورده و بواسطه فدخلقی خود را در آنجا پهن نموده اند، در اوائل دیماه مردم مبارز روستای "برده زرد" بوکان، پاسداران مستقر در مدرسه این روستا را تحت فشار قرار می دهند که باید ساختن مدرسه را تخلیه و آنرا جهت تحصیل دانش آموزان در اختیار آنان قرار دهند. ولی پاسداران از این کار خودداری نموده و اعلام کرده اند که در صورتی حاضر به تخلیه مدرسه روستا خواهند بود که هر یک از روستاهاشان مبلغ ۵۰۰ تومان جهت ساختن پاسگاه سرکوب جدید به آنها پرداخت نمایند.

- مزدوران رژیم در شهر بوکان از رانندگانیکه جهت سوختگیری به پمپ بنزین این شهر مراجعه می کنند مبلغ ۳۰۰ تا ۶۰۰ تومان تحت عنوان کمک به پاسداران مستقر در پمپ بنزین، اخاذی می کنند و در صورت مقاومت رانندگان، کارت اتومبیل و کارت شناسایی آنها را توقیف می کنند.



امریکای لاتین

- در تاریخ ۱۸ سپتامبر (۲۲ آذر) ۶ روحانی که یکی از آنها رئیس دانشگاه بوده به همراه بهترین در محل دانشگاه مذهبی توسط ۳۰ نفر مسلح کشته شدند. روسا و دانشجویان دانشگاه ارتش و ستراستها را مسئول این کشتار می‌دانند. معاهدات اولیه نشان می‌دهد که ۶ روحانی مذکور با همان اسلحه‌هایی کشته شده‌اند که ارتش از آنها استفاده می‌کند. گفته می‌شود که کشته‌های این دانشگاه از نیروهای مخالف رژیم السالوادور پشتیبانی می‌کنند.

- در تاریخ ۲۱ سپتامبر (۳۰ آذر) در زد و خوردی که بین جریک‌ها و ارتش السالوادور بوجود آمده جریک‌ها یک هتل بزرگ و گرانقیمت را تسخیر و ۲۴ نفر را که ۴ نفر آنها آمریکایی بودند به گروگان گرفتند. جریک‌ها بعد از اینکه ساختمان هتل به محاصره کامل نیروهای نظامی رژیم درآمد، هتل را ترک نمودند.

کلمبیا - طی درگیری مسلحانه‌ای که بین نیروهای نظامی دولت کلمبیا و نیروهای مسلح انقلابی FARC بوجود آمد ۹ جریک کشته شدند. یک سرباز نیز به هلاکت رسید. FARC از قدیمی‌ترین نیروهای جریک‌هاست که گفته می‌شود ۴۰۰ نفر عضو دارد.

- جریک‌های ارتش‌رهای بغیر ملی کلمبیا در تاریخ ۲۱ اکتبر یک لوله نفتی اصلی این کشور را منفجر ساختند. - در تاریخ ۲ نوامبر (۱۱ آبان) حدود ۲۰۰ هزار نفر در مناطق رشد و تولید موز در حمایت از موز چیمان کلمبیا که تعدادشان به ۱۸ هزار نفر می‌رسد دست به اعتصاب زدند. آرژانتین - اول سپتامبر (۱۰ آذر) ارزش پول آرژانتین (آسترال) بازم با ثبات رفت. این امر بدنبال اعتصابی صورت گرفت که کارگران معدن، مقامات ناگاهی، معلمین، مکانیک‌های هواپیما و ۰۰۰ بدلیل تورم ۴ رقی آرژانتین به آن دست زده‌اند.

هائلی - ۱۱ سپتامبر (۲۰ آذر) "جنبش جوانان لاسارو" بعنوان بازوی نیروهای جنگنده مسلح مردمی لاسارو که بر علیه دولت هائلی می‌جنگند، سیخ دانش آموزان دبیرستان و بچه‌هایی را که در حلبی‌آبادهای اطراف شهر سانتیاگو زندگی می‌کنند، برای یک "تیم عمومی مسلحانه" در دستور کار خود قرار داده است. بنا بر مدارک "جنبش جوانان" بچه‌های جریک قرار است برای "عملیات بهبودی" در خدمت گرفته شوند که در طی آن به پلیس حمله نموده و ضمن کشتن آنها اسلحه و مهماتشان را مصادره نمایند.

السالوادور - در یک حمله به منطقه اعیان نهیسی در سان سالوادور که در ۳۰ نوامبر (۹ آذر) توسط جریک‌های جیبه فارابوندومارنی صورت گرفت، ۲۸۲ هزار نفر از افسراد آمریکایی ساکن آن منطقه خانه‌های خود را تخلیه کرده و به آمریکا پرواز کردند. طبق یک سری گزارشات خانواده‌های آمریکایی مسلح بوده و در مواردی حتی به علیه گلوله‌ستزده و با جریک‌ها درگیر شدند. مبارزین جیبه فارابوندومارنی طی این حمله موفق به اغفال آن منطقه اعیان نشین شدند. - در تاریخ ۲۸ نوامبر (۷ آذر) یکی از سیاستمداران ست راستی دولت بنام فرانسیسکو هرزه گسوارو در یک عملیات تره‌خان جریکی توسط مبارزین جیبه فارابوندومارنی اعدام شده و به سزای اعمال جنایت‌بار خویش بر علیه توده‌های ستم‌دیده السالوادور رسید. جریک‌ها که در هفت‌بام یک رستوران کمین کرده بودند به هنگامیکه ماغین گوارو ضمن عبور از خیابان محل، در پشت چراغ قرمز توقف نمود از بام رستوران به خیابان پریده و او را به مسلسل بستند. عنصر ضد خلق با امانت گلوله به وی به هلاکت رسید.

- در اثر انفجار بمب‌های قدرتی که در تاریخ ۲۱ اکتبر (۹ آبان) توسط نیروهای ست راستی دولت السالوادور در مرکز "فدراسیون ملی کارگران السالوادور" کار گذاشته شده بود، ۱۰ تن از کارگران کشته و ۳۰ تن دیگر مجروح شدند که از این میان ۴ تن دیگر در بیمارستان جان سپردند. بدنبال این انفجار و دیگر عملیات نظامی نیروهای ست راستی بر علیه کارگران و نیروهای چپ، یکی از اعضای فدراسیون مذکور اعلام کرد راهی بجز جنگیدن نموده است.

هائیتی - ۷ نوامبر ( ۱۶ آبان ) پس از دستگیری سه رهبر اتحادیه‌های کارگری در هائیتی توسط دولت " اتحادیه کارگران خود مختار هائیتی " بمدت ۴۸ ساعت اعلام اعتصاب عمومی کرد.

" دمکراسی دوزیر سونیزه؟ "

رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم بر پرو که با اعلام روز ۱۲ نوامبر ( ۲۱ آبان ) بعنوان روز انتخابات عمومی در کنار بکارگیری دیگر ترفندهای ضد خلقی از این قبیل سعی داشت چهره دیکتاتور خویش را بزرگ نموده و خود را بعنوان رژیم مدافع دمکراسی جا بزند. با توجه به آگاهی و هوشمندی توده‌های تحت‌ستم این کشور و شرایط مبارزاتی که فراخسبر فعالیت انقلابی و مسلحانه حزب کمونیست پرو بوجود آورده است، مجبور شد نقاب از چهره برگردد. دولت پرو که میکوشید به هر نحو که شده توده‌ها را به پای صندوق‌های رای بکشانند با اعلام تحریم " انتخابات " از طرف حزب کمونیست پرو ( راه درخشان ) و از آنجا که توده‌ها به این تحریم پاسخ مثبت داده و عدم تمایل خود را به رای دادن بر ملا می‌نمودند، تهدید کرد که رای‌نشان شهر قاخونی است و امتناع از رای دادن دستگیری و حبس بدنبال خواهد داشت و در تناوب تهدیدهای خود ۵۰ دلار جریمه برای هر فردی که حاضر به رای دادن نباشد تعیین نمود. تهدید به جریمه نقدی آن هم به مبلغ ۵۰ دلار در شرایطی است که دستمزد یک کارگر از ۳۰ تا ۴۰ دلار در ماه تجاوز نمی‌کند.

حزب کمونیست پرو اعلام کرده بود که چنانچه در روز انتخابات اتوبوسی مردم را به پای صندوق‌های رای ببرد آنرا آتش خواهد زد. در همین رابطه اتحادیه اتوبوسرانی با اعلام عدم تامین جانی و با این عنوان که حاضر به خطر انداختن جان راننده‌ها نخواهند شده اعلام اعتصاب نمودند.

دولت آمریکا نیز به دلیل تهدید حزب کمونیست برای بهم زدن انتخابات و حمله نظامی به دولت به امریکائیهائیکه قصد مسافرت به پرو را داشته‌اند هشدار داد که تا مدتی از سفر به این کشور خودداری کنند.

بولیوی - در حمایت از اعتصاب غذای ۲۰۰ معلم برای اضافه حقوق و هزاران کارگر روز ۲۱ اکتبر ( ۹ آبان ) در لاپاز یک تظاهرات سراسری برپا نمودند. دولت بولیوی مدارس شهر لاپاز را برای یک هفته بسته اعلام کرده است.

- روز ۱۵ نوامبر ( ۲۴ آبان ) دولت بولیوی حالت اضطراری در کشور اعلام نمود و در شروع کار ۸۵۸ تن از معلمین و رهبران اتحادیه کارگران را دستگیر کرد. وزیر کشور بولیوی از اینکه ۱۴۶ نفر از دستگیر شدگان به جنگلهای دورافتاده آمازون تبعید شده‌اند خبر داد و رئیس جمهور اظهار ندامت که اقدام ضد انقلابی فوق را جهت خاتمه دادن به اعتصاب غذای معلمین که تمدنشان به ۸۰ هزار نفر موصول انجام داده است در عین حال قصد بر اینست که کارگرانی که را که از حمایت از معلمین دست به اعتصاب زده‌اند از این کار باز داریم. معلمین بولیوی که تاکنون ماهانه ۴۵ دلار حقوق می‌گرفتند خواستار ۱۰۰ دلار حقوق در ماه شده‌اند.

ونزوئلا - بدنبال عمیق تر شدن بحران اقتصادی و قطع کمک‌ها و خدمات دولتی و اعتراضات دانشجویی دو بساره در ونزوئلا از سر گرفته شده است. در همین رابطه دانشجویان در دانشگاه " آندس نوسرینا " که یک مرکز کوهستانی تروریستی بوده و در ۲۷۵ مایلی جنوب شرقی کاراکاس قرار دارد در مسیر کامیون‌های حامل مواد غذایی، موانع جاده‌ای قرار داده و آنها را به غنیمت گرفتند. در جریان درگیری که در همین رابطه بین پلیس و دانشجویان بوجود آمد حداقل ۲۶ پلیس زخمی و ۱۷ دانشجوی دستگیر شدند. پلیس برای سرکشی درگیری از گاز اشک‌آور و تیراندازی هوایی استفاده نمود. این سومین دور شورش در " مریدا " در عرض سال گذشته بود.

- طبق گزارش سازمان عفو بین الملل، تعداد شکنجه شدگان و اعدام شدگان و ناپدید شدگان در امریکای جنوبی چندین برابر شده است. این ساله بخصوص در مورد کشورهای پرو، کلمبیا، بولیوی بیشتر مایع است. طی سال گذشته در پرو ۳ هزار نفر که توسط نیروهای دولتی دستگیر و زندانی شده بودند، مفقود الاثر گشته و به همین تعداد نیز اعدام شده‌اند. در همین حال دولت آمریکا روز ۱۳ سپتامبر اعلام کرد که جرج بوئن روز ۱۵ فوریه ۱۹۹۰ با رئیس‌جمهورهای سه کشور پرو، بولیوی و کلمبیا در اجلاس‌ای در مورد شرایط و مشکلات این منطقه صحبت خواهد کرد. جرج بوئن ۲۴۰ میلیون دلار کمک مالی به این سه کشور را تصویب کرده است.

می‌توان به مجازات‌هایی از وزیران فرهنگ اشاره کرد که جریکها او را تره کرده‌ای در ۱۸۰۰ مایلی لیماناساسی و به سزای اعمال ضد خلقی خویش رساندند و همچنین بنا به خبر منتشره در ۲ نوامبر، ۱۰۰ جریک به یک گرنهائی منجمی پلیس در لیمانا حمله نموده و عده‌ای از افراد پلیس را به هلاکت رساندند.

۲۲ دسامبر (اول دی) در شرایطی که پنج رئیس‌جمهور از پنج کشور امریکای جنوبی ( ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور، پرو، بولیوی) مجبور شده‌اند تحت عنوان حل مسائل اقتصادی و سیاسی نواحی کوهپایه‌ای آند ( محل فعالیت اصلی حزب کمونیست پرو "راه درخشان") در مورد این ناحیه انقلابی در کشور اکوادور به مذاکره بپردازند، جریک‌های حزب کمونیست پرو پس از یک محاکمه انقلابی که توسط مردم ستم‌دیده یکی از شهرهای واقع در منطقه آند و این حزب صورت گرفت، صاحب منازعه همکار دولت را اعدام نمودند. حکم اعدام بدان دلیل صادر شد که ۸ تن از مذکور طی همکاری با پلیس خوراک و پوشاک در اختیار آنان قرار می‌دادند و در عین حال کالاهای خود را به قیمت گزاف به دیگر مردم شهر می‌فروختند. بر اقدامی دیگر جریک‌های راه درخشان ۸ روستائی را که توسط دولت پرو مسلح شده و بر علیه انقلابیون کشتی می‌دادند، به هلاکت رساندند. لازم به یاد آوری است که گروه‌هایی بنام "گروه دفاعی جاسه نقانان" در پرو توسط دولت بر علیه انقلابیون سازماندهی شده‌اند.

#### فلسطین

دولت صهیونیستی اسرائیل رسماً اعلام نمود که برای تنبیه نوجوانانی که بر علیه دولت به مبارزه برخاسته‌اند، خانه پدر و مادران را سوزانند. این قانون در ماه می ۱۹۸۸ وضع گشت که مطابق آن خانواده فلسطینی پس از مدتی با پرداخت مبلغی خانه‌ها را پس خواهد گرفت. اما در واقعیت امر مبلغ تعیین شده آنقدر هنگفت است که هیچک از خانواده‌های نوجوانان مبارز قادر به پرداخت آن نیستند و در ضمن دولت تاکنون هیچ خانه غصب شده را به صاحب مسترد نفاخته است.

دولت اسرائیل تصمیم دارد که کارت‌های شناسائی کامپیوتری برای فلسطینی‌های مناطق کرانه غربی رود اردن چاپ کند. این کارت برای اعضای است که روزانه برای کار روانه داخل اسرائیل می‌گردند.

از طرف دیگر از میان ۸ هزار تن از ایادی رژیم که بعنوان کاندیدای شهرناریها ( انتخابات مذکور مربوط به شهرناریهاست) نام نویسی کرده بودند، ۲۰۰ تن از آنان طی یک رشته عملیات مسلحانه توسط حزب کمونیست پرو به هلاکت رسیدند و ۱۵۰ تن دیگر در وخت از قدرت آتش انقلابیون خود ترجیح دادند از کاندید شدن رسماً استعفا دهند. از جمله کاندیداها شهرناریها که توسط جریک‌های راه درخشان اعدام انقلابی گردیدند کاندیدای شهر سانتیاگو بود.

#### "پلیس، مردم، دوگمبویهها و عملیات مسلحانه در پرو"

در یکی از حملات نیروهای سرکوبگر به دانشگاه پزشکی دانشگاه سن مارکوس، ۲۰۰ دانشجوی دستگیر شدند. پلیس ضمن اعدامی چند پسر دست‌ساز در نزد دانشجویان آنها را متهم به همکاری با حزب کمونیست پرو ( راه درخشان) نمود. در عین حال پلیس در همان روز به مراکز اصلی دانشگاه حمله کرده و ۲۰۰ تا ۳۰۰ دانشجوی دیگر را دستگیر کرد.

در یک اقدام ضد خلقی دیگر پلیس پرو به چند مرکز روزنامه‌های مختلف حمله کرده و به جرم همکاری این روزنامه‌ها با حزب کمونیست پرو چند نفر از کارکنان این روزنامه‌ها را دستگیر نمود.

بدینحال اقدامات ضد خلقی پلیس پرو که در آستانه انتخابات فرمایشی و جهت مستولی ساختن رعب و وحشت در میان توده‌های تحت سلطه صورت گرفت، جریک‌های راه درخشان با خمپاره و سلاحهای اتوماتیک به ۲ شهر واقع در شمال شرقی پرو حمله کرده و در طی درگیری با پلیس قدرت خویش را بنمایان گذاشتند. به گفته خود مزدوران پلیس این یکس از حملات سخت انقلابیون بود که از سال ۱۹۸۷ تا به حال به سابقه بوده است. در این درگیری ۵ پلیس کشته و ۹ پلیس دیگر زخمی شدند. در این رابطه سخنگوی ارتش پرو عاجزانه اعلام کرد آنها - یعنی جریک‌ها - از تکنیک‌هایی که از طرف فیدل کاسترو ابداع شده استفاده می‌کنند.

از دیگر عملیات انقلابی "راه درخشان" در این دوره

ماترات آمریکا به لستان : ۳۰۴ میلیون دلار  
 سرمایه گذاریها - بخش خصوصی : ۳۳ میلیون دلار  
 کمسک : ۸۵۲ میلیون دلار  
 واردات آلمان از لستان : ۱/۵ میلیارد دلار  
 ماترات آلمان به لستان : ۱/۶ میلیارد دلار  
 سرمایه گذاریها : ۲/۱ میلیون دلار  
 کمسک : ۲/۴ میلیارد دلار

منبع - وزارت تجارت آمریکا

موارد بالا شامل کتوراتهای درازمدت و دو جانبه نیست.

پاناما - رئیس جمهور جدید پاناما که توسط ارتش آمریکا پس از اشغال نظامی این کشور بکارگمارده شد خواهان ۱/۵ میلیارد دلار کمک مالی برای آغاز نوسازی و ترمیم کشورش از آمریکا شد.

مانوئل نوریگا پس از دستگیر شدن توسط ارتش آمریکا در پاناما برای محاکمه شدن توسط دولت آمریکا در روز ۴ ژانویه به مهای انتقال داده شد. بگفته مقامات آمریکائی، نوریگا رابطه بسیار نزدیکی را با سازمان "سیا" از سال ۱۹۷۰ آغاز کرده بود. سازمان سیا نوریگا را بعنوان منبئی بسیار پرارزش تلقی می کرد. بگفته این مقامات جرج - بوش تاکنون ۲ بار خصوصی با نوریگا ملاقات داشته است. سخنگوی کاخ سفید مارلین فیتز واتر گفت نوریگا هر چه بخواهد می تواند بگوید اما قادر به افشا ساختن و باعث بی آبرو گفتن جرج بوش و دولت نخواهد شد.

بگفته بعضی از دیپلماتهای آمریکا، نوریگا نه تنها برای "سیا" بلکه برای سازمان ضد مواد مخدر آمریکا و همچنین ارتش آمریکا کار می کرده است. او نیز عین حال برای کنترها که علیه دولت نیکاراگوئه می جنگیدند تجهیزات نظامی و تعلیمات نظامی فراهم می آورد.

گفته می شود زمانیکه جان هویندکستر که آنزمان مشاور ریگان بود خواستار قطع رابطه با نوریگا ( بخاطر یکسری اختلافات) شده و ویلیام کیسی که رئیس سیا بود در جواب به هویندکستر گفت: "نوریگا بسیار ارزشمند تر از آن است که برسر مسائل کوچک با او قطع رابطه کنیم".

طبق گزارشات قبلی "سیا" نوریگا تنها ۲۰۰ هزار دلار سالانه از این سازمان حقوق دریافت می کرد.

در اسرائیل نزدیک به ۱۰۰ هزار فلسطینی کرانه های غربی زندگی می کنند که نصف آنان شهر قانونی هستند و بیشترشان نیز کارگران ساختمانی می باشند. رئیس پلیس اسرائیل یگال مارکوس گفت: انقلاب فلسطین در حال نفوذ به اسرائیل است و باید از آن جلوگیری کنیم.

هند - پلیس هند در يك تظاهرات برای اعتراض به کشته شدن ۳۵۰۰ نفر در پالایگاه اتمی بوپال متعلق به کمپانی آمریکائی یونیون کارباید (Union Carbide) ۸۰۰ نفرا دستگیر کرد. این تظاهرات در پنجمین سالگرد جریان بوپول برگزار شد.

سریلانکا - سازمان عفو بین الملل در گزارش چند صفحه ای در مورد سریلانکا اعلام کرد که از زمان اعلام حکومت نظامی از ژوئن ۱۹۸۹ در این کشوره نیروهای دولتی تاکنون ماهانه ۱۰۰۰ (هزار) نفر را اعدام کرده اند.

فیلیپین ۱۱ دسامبر (۲۰ آور) فرمانده نیروی پلیس در فیلیپین ژنرال "رامون مونتانو" افا نمود که ارتشهای خصوصی و سندیکاها خوب اداره شده، ثبات مملکت را مورد تهدید قرار داده اند "مونتانو" در يك گزارش به "هواری ملی صلح و قانون" تعداد ۱۵۲ ارتش خصوصی را که در حدود ۱۲۰۰ نفر مرد مسلح و ۴۴۹۰ اسلحه در برمی گرفته بر سرمد این گزارش همچنین خاطر نشان کرد که ۴۲۶ سندیکای جناحیتکار که اکثر آنها در امر نزدی حرکت نارنده در سراسر کشور مسئول فعالیت هستند و در بعضی از آنها افراد پلیس و ارتش عضو هستند.

آلمان غربی - در تاریخ ۳۰ نوامبر (۹ آور) بزرگترین بانکدار این کشور بنام آلفرد مرها وزن در اثر انفجار بمبی که روی نوچرخه ای کار گذاشته شده و از راه دور کنترل میشد در شهر بادها مبورگ به هلاکت رسید. وی از بالانریسن مقامات، از مشاوران اقتصادی دولت کهل بود. "ارتش سرخ" که مسئولیت این عملیات را بعهده گرفت، طی اعلامیه ای که در محل انفجار بجای گذاشته بوده توضیح داده بود که آنها مرها وزن را بجرم توسعه صنعت نظامی گری در جهان کشتند.

لستان - قروض لستان: به دولت آمریکا ۳ میلیارد دلار، به بانکهای آمریکا ۲۸۰ میلیون دلار.

به آلمان غربی ۲/۲۵ میلیارد دلار، به بانکهای آلمان -

غربی ۲/۵ میلیارد دلار

واردات آمریکا از لستان: ۳۲۹ میلیون دلار

## ایران از دریچه آمار

### محاكمه ژنرال در رابطه با افتخاح ایران گیت

سزاجام محاکمه محرمانه ژنرال سیکورد امریکاشی، یکی دیگر از عوامل اصلی افتخاح ایران گیت که در آن گوشه کوچک دیگری از روابط ارباب و نوکری بین جمهوری اسلامی و امپریالیسم امریکا برداشته شد، به پایان رسید و طی آن یک دهه گناه فرمایشی، ژنرال امریکاشی را به دو سال زندان تادیبی محکوم نمود، ژنرال سیکورد یکی از چهره‌هایی بود که در جریان افتخاح ایران گیت با سازماندهی بالاترین مقامات و ارگانهای امپریالیسم امریکا نظیر جناب ریگان و سازمان سیا اسلحه و تجهیزات به رژیم جمهوری اسلامی تحویل میداد و درآمد ناشی از آن را بدست فدائیانقلابیون کنترادر نیکی راگوفه می‌رساند.

در جریان این افتخاح بین المللی که در چهارچوب تشدید تضادهای غارتگرانه بین جناحهای امپریالیستی افشا شد، جزئیات بیشتری نیز از روابط همه جانبه بین رژیم مزدور جمهوری اسلامی و اربابان امریکاشی آشرو گردید و همچنین فاش شد که به رغم سالها جنگ زرگری و تبلیغاتی جمهوری اسلامی و امریکا، بالاترین مقامات و مزدورهای حکومتی در امریکا و منجمله جناب ریگان از سالها پیشش را با این افتخاح را سازماندهی و هدایت می‌کرده‌اند.

جالب اینجاست که در حالی که سردمداران جانسی امپریالیسم امریکا با هزار و یک کوشش فریبکارانه موفق شدند که پای ریگان رئیس جمهور وقت امریکا را از این سحرکه بیرون بکشند، ژنرال سیکورد پس از شنیدن حکم محکومیت خویش ریگان را به بزدلی متهم ساخته و افزوده است که: رئیس جمهوری وقت ایالات متحده به طور کلی از این ماجرا آگاهی داشت ولی از به صده گرفتن مسئولیت ظفره رفته است.



- حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی و ژاپن مرتباً در حال افزایش است و خرید کالاهای ژاپنی از سوی ایران در سال گذشته بالغ بر ۸۶۸ میلیون دلار بوده است. همچنین صادرات آلمان غربی به جمهوری اسلامی در سه سال گذشته به حجم قابل توجه سالانه سه میلیارد مارک رسیده است.

- بنابه گفته مسئول نهفت سواد آموزی آذربایجان شرقی از سه میلیون و دویست هزار نفر افراد باای ۶ سال تنها یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سطح استان آذربایجان شرقی باسواد و ۴۸٪ بقیه بیسواد هستند. طبق همین برآورد تعداد بیسوادان در آذربایجان شرقی ۹٪ بیش از میانگین بیسوادان در سایر نقاط ایران میباشد. در همین رابطه چندی پیش یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران فاش کرد که در طول ده سال گذشته ۷۰۰ هزار نفر بر تعداد بیسوادان کشور افزوده گشته است.

- در تداوم سیاستهای غارتگرانه رژیم مبالغ زبیر به عناوین مختلف طی روزهای اول دیماه از توده‌های ستمدیده‌ها اغاذی شده است. ۶ به بهانه رفع کمبود فضای آموزشی و احداث یک دبیرستان و دبستان از کانال انجمن اولیاء و مربیان شهرستان خواتسار بیش از ۳۹ میلیون ریال اغاذی شده است.

راهزنان رژیم همچنین تحت بهانه فوق الذکر مبلغی بالغ بر ۵۰ میلیون ریال از اعضای صنف فکار و کوره‌پزخانه‌های دولت آباد اصفهان جباول نموده‌اند. باز به عنوان گسترش فضای آموزشی از اهالی روستای آشوربای ۱۰ هزار متر مربع زمین و از اهالی روستای قدرقیزا از توابع بخش آق‌قلا ۵ هزار متر مربع زمین نصب کرده‌اند.

از مردم زحمتکش تنکابن و روستاهای اطرافش نیز

- در شرایطی که صفوف بیکاران هر روز طویل تر میگردد بنا به نوشته روزنامه ابرار، فقط طی یک ماه گذشته بساط حدود ۹ هزار از دکهداران و دستفروشان تهران جمع آوری شده است.

- طبق اعترافات مخبر کمیون بودجه و برنامه رژیم تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۹۲۲/۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۵۲ بود به سطح ۲۹۶۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت معادل ۳/۲، تولید ناخالص داخلی سرانه از ۱۱۴ هزار ریال به قیمت ثابت سال ۵۲ به ۵۵/۵ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ تنزل یافته است.

- قیمت تمام شده هر کیلوگرم گوجه پنبه در سال زراعی ۶۸ حداقل ۲۷۲/۵ ریال است در حالی که قیمت مصوبش ۲۳۸ ریال میباشد بنابراین به طور متوسط ۱۳۴/۵ ریال زیان متوجه کشاورز پنبه کار با نرخ دولتی خواهد شد، این ضرر برای هر هکتار بالغ بر ۲۶۹ هزار ریال میگردد.



تحت پوشش کمک به سیل زدگان مناطق جنوبی ایران مقادیر زیادی برنج، آرد، سیب زمینی و تعدادی پتو و مقادیر پوشاک گرم چیاور شده است.

- در رابطه با کمبود شدید لوازم التحریر و گرانی کاغذ و دفتر دبیرکل صنایع شیمیایی و سلولزی وزارت صنایع اعلام کرد: "ما به احتیاج کشور سالیانه بیش از ۶۰۰ هزار تن از انواع کاغذ می باشد که حدود ۱۶۰ هزار تن از آن در کارخانجات داخلی تولید و مابقی آن از خارج کشور تامین میگردد.

- بنا به اعتراف مدیرکل سازمان تامین اجتماعی رژیم، جمهوری اسلامی در طول سالها میلیاردها ریال را تحت نام بیمه اجتماعی از کارگران و زحمتکشان اخاذی کرده و به جیب زده است. در طی ۱۲ سال یعنی از سال ۵۴ تا ۶۶ نهاد غارتگر تامین اجتماعی جمعا یک تریلیون و ۴۷ میلیارد ریال از توده های ستمدیده تحت لوای بیمه اجتماعی اخاذی کرده. بخش بزرگی از این وجه در بانک رفاه کارگران رژیم سرمایه گذاری شده و تنها ثلث این میزان بابت خدمات درمانی به وزارت بهداشت و درمان پرداخت گردیده است.

- در ایران تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی حداقل ۱۸۰۰ تن از مادران بخاطر عوارض حاملگی و زایمان بدلیل نبود امکانات درمانی قربانی میشوند، همچنین سالانه ۹۰ هزار کودک زیر یکسال بدلیل فقدان کمترین امکانات بهداشتی و درمانی از بین میروند. بواقع از هر هزار طفل زیر یکسال سالی ۲۵ نفر از آنان هلاک میگردند - در آماري که از سوی گمرک جمهوری اسلامی منتشر شده، آمده است که صادرات فرش دست باف ایران در سال ۱۳۶۷ به وزن ۷/۵ هزار تن و ارزش ۴۸۷ میلیون ریال بوده که ۳۱/۸۵٪ ارزش کل صادرات غیر نفتی را تشکیل میدهد و از لحاظ وزن و ارزش به ترتیب ۳۶/۶٪ و ۳۵/۵٪ درصد نسبت به سال قبل یعنی سال ۱۳۶۶ کاهش داشته است.

- مطابق آمار خود رژیم، هشتاد درصد اکثر کارخانجات قند کشور با ظرفیت ۵۰ درصد کار میکنند، همچنین سه کارخانه قند در ممسنی، یاسوج و اهواز بکلی از کار افتاده اند و تولید چغندر قند در ده سال گذشته ۱/۵ میلیون تن کاهش داشته یعنی ۷۲۲ هزار تن در سال ۵۵ به ۴۶۸ هزار تن در سال ۶۷ رسیده است.

## نمادهائی از تضادهای درونی هیات حاکمه

عمرتضادهای درونی رژیم جمهوری اسلامی تقریباً به قدمت حاکمیت این رژیم مدخلی می‌رسد. آنچه که در روند حاکمیت ده ساله جمهوری اسلامی بارز و آشکار می‌باشد، این واقعیت است که بحران گریبانگیر رژیم و تضادهای جناحی متخاصم درون جمهوری اسلامی همواره روند شدیدتری نسبت به گذشته داشته است. رشد شدت‌گیرنده و روزافزون این تضادها را می‌بایست در بحران گریبانگیر نظام سرمایه‌داری وابسته که خود نمودی از بحران جهانی نظام امپریالیستی است جستجو نمود. درست بر چنین زمینه‌ایست که بخش‌های متفاوت طبقه حاکمه در رابطه با چگونگی پیشبرد و هدایت نظام بحران زده سرمایه‌داری وابسته دچار اختلافات و تضادها می‌گردند. این تضادها بطور روزمره خود را در عملیات تبلیغاتی جناحی حکومتی برعلیه یکدیگر و برکناری مهره‌ها و تعویض آنها، و تفسیه روزانه سران حکومتی نشان می‌دهد. همچنین تشدید جدالهای درونی مگس رنجبری حاکم تا سرحد تفسیه‌های خونین و لشکرکشی‌های متفاوت مزدوران بسیج شده از سوی جناحها برعلیه یکدیگر خود با رزترین گواه حدت و شدت این تضادها می‌باشد. وجود مبارزات توده‌ها و ناراضی‌های روزافزون آنان از وضع موجود در شرایطی که حاکمیت

امپریالیستی بعد اعلا از قدرت سوزیه خویش استفاده کرده و لیکن به توفیق مدنظرش نرسیده، خود بنوبه خویش بر شدت‌گیری تضادهای جناحی درونی جمهوری اسلامی تا شبرگذاشته و موجب گشته تا مگس رنجبری با احساس خطر نسبت به این واقعیت برای اعمال سیاستهای خویش و کسب هژمونی در رهبری نظام سرمایه‌داری وابسته، شدیدتر از پیش به جدال با یکدیگر برخیزند. در همین حال که خطرات حدت‌یابی تضادهای درونی خویش را با گوشزد نمودن عمق خطر این امر برای حاکمیت روبه‌زوالشان به همپالکیهای خویش با کلمات "تاکید بر وحدت" و غیره بیان می‌نمایند. اما با این وجود گوئی پیرویه تشدید تضادهای درونی رژیم، تمام‌نشدنی است. و نیروهای متخاصم طبقه حاکمه از هر فرصتی و از هر رویدادی برای ضربه زدن به جناحی رقیب در دستگاه حاکمه خویش کوتاهی ننموده و بسه یکدیگر می‌تازند.

حال برای روشن شدن هرچه بیشتر واقعیات فوق‌الذکر چند نمونه از مهمترین کشمکشهای درونی جناحی جمهوری اسلامی در طی ماههای اخیر را در اینجا ذکر می‌کنیم.

سفرچا شوشکومدموم به تهران در شرایطی که رویدادهای رومانی بدنبال بازگشت وی به بخارست به سرنگونی رژیم او و اعلام وی منجر گردیده به یکی از سوزهای داغی

تبدیل شد که بعضی از مگس رنجبری رژیم از آن استفاده نموده و بسه عملیات شدیدی برعلیه جناح رقیب دست زدند. آماج این عملیات وزیر امور خارجه دولت رفسنجانی بود و از آنجا که پیش از ۱۷ تیر از مزدوران مجلس نشین از استیضاح ولایتی سخن می‌راندند و عملیات شدت هرچه بیشتری یافته بود، این امر باعث گردید تا خامنه‌ای رهبر مگس رنجبری حاکم سربا در این موضوع دخالت کرده و طی اظهاراتی به پشتیبانی از وزیر امور خارجه دولت بپردازد. خامنه‌ای طی اظهاراتی در ششم دی ماه در پشتیبانی از ولایتی با تذکر "حفظ منافع کشور در صحنه بین‌المللی" اعلام داشت که: "صحیح نیست که مقامات بلند پایه وزارت امور خارجه به طور غیر منصفانه‌ای مورد انتقاد و استیضاح قرار گیرند." وی همچنین در سخنان خویش خواهان پایان دادن به تبلیغات نمایندگان مجلس علیه وزارت امور خارجه شد. او که در حضور جمعی از مزدوران رژیم سخن می‌راند، ضمن تأکید بر مواضع وزارت امور خارجه رژیمش به همپالکیهای خود هشدار داد و از آنها خواست تا "هوشمندان با سیاست و تبلیغات زهرآگین دشمن برعلیه دیپلماتهای وزارت امور خارجه، برخورد نمایند. لیکن این اظهارات خامنه‌ای نیز نتوانست خاموش‌کننده

آتشگر گرفته تفادهای درونی رژیم باشد و از اینرو موسوی اردبیلی در مقام امام جمعه تهران در تاریخ هفتم دی ماه قدم به میدان گذارد و دیگر بار در مورد "حفظ وحدت" درونسی به سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خویش خطاب به همپالگیهاش گفت که: "یکی از مسائل بسیار مهم در این مقطع تاریخی اینست که ما انسجاممون و وحدتمون، همراهیمون و همگامی مان را حفظ کنیم، با هم باشیم. اگر با هم باشیم دست خدا با ما ست. اردبیلی سپس بلافاصله خطاب به منتقدان درونی طبقه حاکمه که با توجه به افتتاح ناشی اردموت چاوشکوبه تهران بازار فریبکاریشان بر علیه رفیای خود گریز شده بود گفت: "من در این محیتم نمیگویم از همه دیگران جدا دنگیم از همه دیگر غرده نگیریم با نمیگویم ما اشکالات همدیگر را نگیریم، اما اشکال گرفتن انتقاد کردن بگونه سازنده است، اون در تمام شرایط لازمه و من تا بوده ام تا بادم می آید خصوصا "بمدار انقلاب هیچگاه نشده من بیام از طرف مقابل این حرف دفاع کنم". وی ادامه داد: "اما بنظر من اصلاح گفتن غیر از اینسه، به وقتی ما بیایم با دست خود مون کاری بکنیم که بهانه به دست دشمن بدهیم".

اما سخنان اردبیلی و خامنه‌ای چاره ساز مسئله نشد و علیرغم تمامی کوششهای انجام گرفته از جمله اقدام به برکناری سفیر ایران در رومانی بدستور ولایتی، جناحهای متخاصم، وزیر امور خارجه را به مجلس کشانده و او را حول مسئله سفر چاوشکو به ایران، استیضاح نمودند. این واقعه است.

در حالی که یکبار دیگر شدت اختلافات دولتمردان جمهوری اسلامی را نشان داد، بیاتگر این امر است که جناحهای رقیب درون هیئت حاکمه برای حفظ و تحکیم موقعیت خویش و تضعیف رقیبا حتی گرفت زیر پا گذاردن فتوای رهبر جمهوری اسلامی را نیز دارند. نگاهی به سخنان دوزدوزانی یکی از نمایندگان مجلس رژیم که در تاریخ دهم دی ماه ایراد شد، بخوبی امر فوق را آشکار می سازد. وی در سخنان خویش در تاریخ یاد شده تا آنجا پیش رفت که حتی در رابطه با سخنان خامنه‌ای مبنی بر اینکه بنوان وزارتخانه خارجه نباید مورد انتقاد "غیرمنطقی" و "احضار و استیضاح" قرار گیرند گفت: "تا وقتی که فرامین امام ایت طبیعی است که قید کردن این عناصر غیر مطلوب، که در سخنان آیت الله خامنه‌ای هم بود با حقوق نمایندگان مجلس اصلاً تناسب ندارد". دوزدوزانی در سخنان خود با حمله به افرادی که نامه ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس خطاب به وزارت خارجه رژیم مبنی بر استیضاح سرکرده آن بهمنی ولایتی را سرزنش کرده و آنرا حرکتی غیر مسئولانه ارزیابی می کنند ادامه داد که: "این مسئله و قید غیرمستوله بی ربط به نمایندگان و مربوط به سوال قانونی از وزیر نیست". دوزدوزانی سپس جهت ایجاد فضای مانور بیشتر برای خویش و همپالگیهاش در هیئات حاکمه به نماینده‌ای که سخنان وی را بر علیه اظهارات اخیر خامنه‌ای قلمداد کرده بود، گفت: "آقای که من واقعا نمیتوانم نسبت به ایشان آرام باشم میگویند که در اظهارات و کجای دیگر اینها بجای اینکه بگویند خامنه‌ای رهبر میگویند خمینی رهبر" و چنین ادامه داد که منشاء این مسائل کجاست

چرا اینطور تفاد بها می کنید در حالیکه هنوز سالگرد امام نرسیده است". باکش و قوس یافتن بیشتر درموهای درونی و شدت گیری کشمکشهای جناحهای متخاصم بر علیه یکدیگر، بر مبنای سوزه سفر چاوشکوبه تهران، خامنه‌ای طی پیام شدیدالحنسی در هجدهم دی ماه که رادیوی رژیم آن را "پیام بسیار مهم خامنه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ملت رشید و بسزرگ ایران" خوانده شدیدا به دولتمردان رژیم و جناحهای متخاصم هشدار داد که: "مصلحت "انقلاب" و کشور و پایه عبارت صحیحتر مصلحت نظام سرمایه داری وابسته و با هیچ چیز دیگر معاوضه نمیباشد. و خطرات ناشی از تفرق در میان صفوف هیئت حاکمه را گوشزد کرده و عنوان داشت که: "باید پیش از هر وقت از وحدت صفوف ملت پاسداری کنند و اختلاف سلیقه سیاسی و شخصی را به نزاع و تفرقه نگشانند. مخصوصا نمایندگان محترم در مجلس شورای اسلامی باید به دقت مراقب باشند که مبادا خمسه‌ای ناخواسته اظهارات آنان دلسردی و بیاس را از تریبون عمومی مجلس در سطح جامعه پراکنده سازد". خامنه‌ای همچنین در دفاع از اصل ولایت فقیه به عنوان اصلی که تجلی بارز اعمال دیکتاتوری سرمایه داران وابسته در نظام جمهوری اسلامی است به دیگر سرمایه داران رژیم بشدت هشدار داد که به پیروی از خمینی "مردوم" با همه وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهم کرد و به کمک الهی به تکلیف خود در همه موارد عمل خواهم کرد. خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری خدشه در کلیت نظام اسلامی است و این

جانب این را از هیچ کس دست و گروهی تحمل نخواهم کرد".

طی ماههای گذشته برخورد در رابطه با منتظری، ولیمهد خلق شده جمهوری اسلامی موهوم دیگر تفادهای درونی طبقه حاکمه بود. سخنان منتظری در اواخر دی ماه بر علیه خامنه‌ای و ولی فقیه بودن وی بار دیگر موجب لشکرکشی جناحهای درونی هیئت حاکمه بر علیه یکدیگر شد. در همین رابطه اخبار منتشره از وقوع تظاهرات متفاوت آبپسادی و دار و دسته‌های درونی رژیم در شهرهای قم، اصفهان، نجف آباد به طرفداری از منتظری و با بر علیه او غیر می‌دهد، در ضمن در گزارشات منتشره عنوان شده که آخوند سعیدی، روز شنبه شانزدهم دی ماه در جریان تظاهرات دار و دسته‌های حوزه علمیه قم و طلبه‌های این مدرسه بر علیه منتظری و بیانات اخیر او ولیمهد مخلوع رژیم را مستقیماً مورد خطاب قرار داده و عنوان کرده است که: "اگر گشائی خیال می‌کنند که ما از رهبران دست بر می‌داریم و سراغ آنان می‌روئیم، کور خوانده‌اند". "ما اخطار می‌کنیم اگر به توصیه‌های امام توجه نموده و در مقام درس و بحث باشید محترمید ولی اگر چنانچه بخواهید مطالبی نفاق افکن مطرح کنید و نظام اسلامی را زیر سؤال ببریده یقیناً بدانید که آرام نخواهیم نشست". پس از تهدیدهای آشکار آخوند سعیدی، دادستان کل کشور یعنی آخوند ری شهر نیز به محنه آمد و با مراجعت تمام منتظری و دار و دسته‌اش را تهدید به دستگیری نمود. وی خطاب به ولیمهد

سابق رژیم اخطار کرد: کلیه کسانی که در جریان باند مهدی هاشمی بوده‌اند و دوباره دارای پروبال گشته‌اند دستگیر می‌شوند.

در این زمینه کارتا آنجا بالا گرفت که مطابق برخی گزارشات منتشره در جریان وقوع تظاهرات آبدی منتظری مخلوع در شهرهای قم و اصفهان و نجف آباد، مقامات رژیم خود منتظری را هم به مدت چندین ساعت بازداشت و سپس او را آزاد کردند.

پس از این وقایع در یقه‌های تبلیغاتی و تریبون‌های عمومی، لشکرکشی بر علیه منتظری از سوی جناحهای حاکم همچنان مداوم بافت. سران رژیم برای کوبیدن منتظری که زمانی او را "امیه امام و امت" و تنها جانشین برحق خمینی معذوم می‌نامیدند، از هیچ کوششی فرو گذاری نکردند. در چهارچوب همین خط و نشان کشیدن‌ها برای منتظری، امام جمعه سبزوار نیز با حمله به منتظری در یکی از نماز جمعه‌های این شهر عنوان داشت: او را که از مقام قائم مقامی رهبرین عزل شد، عده‌ای به اسم مرجعیت می‌خواهند مطرح کنند. می‌خواهند بپرندش بالا. شما دیدید در این لحظه حساس هم با او می‌گفتند آیت‌الله. حالا کلمه آیت‌الله هم از کنار اسمش حذف شد.

حاشی همچنین قاطعانه خطاب به منتظری اضافه کرد: "من اعلام می‌کنم برای اینکه حرف رهبری شکسته نشود، دست آمریکا از هر امتیازی بیرون بیاید و بخواهد تنها ستون این نظام را درهم بشکند هر جا باشد باید قطع شود".

حال جای دارد به جنبه‌های دیگر از بروز تفادهای درونی هیات حاکمه اشاره کنیم که خود وادار افشاگریهای جناحهای متخاصم نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد. واقعیت رشد تفادهای زمینسهای است که بر مبنای آن گاهی اوقات عناصر و جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر علیه یکدیگر به افشاگری پرداخته و طی آن واقعیت ماهیت فارتگرانه رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی را برملا می‌سازند. در این رابطه برای نمونه لازم است تا به سخنان مزدوری بنام فرج الله افرازیده توجه نمایم. این مزدور که به اصطلاح نماینده مردم نوشهر و جالوس در مجلس شورای اسلامی می‌باشد، در نطق پیش از دستور مجلس در اوائل بهمن ماه گفت که: "آخر آخوند را چه کار به کارخانه‌داری و مرغداری". وی همچنین در ادامه سخنانش اظهار داشت که: "بعضی از ائمه محترم جمعه در شهرستانها برای خود تشکیلات مفسلی بهم زده‌اند و در همه کارها دخالت می‌کنند". "عده‌ای از کسانی که سابقه فساد داشته‌اند، الان ریشی بلند کرده‌اند و تسبیحی در دست می‌گیرند، حتی بعضی از آنها نعلین می‌پوشند و در پناه این جناح و آن جناح پست‌های کلیسای را اشغال کرده و به ریش من و تو می‌خندند". در رابطه با شمه دیگری از حملات جناحها بر علیه یکدیگر می‌بایست به سخنان به اصطلاح نماینده مرودشت، مزدور قنبرکبری اشاره نمود. وی که در اعتراض به سخنان شعله سعیدی نماینده دیگر جمهوری اسلامی در مجلس سخن میگفت در صفحه ۱۶

بفرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

بمناسبت سالگرد تولد رفیق مائو تسه دون یکی از رهبران بزرگ پرولتاریای جهان و خلق کبیر چین!

کمونیست کبیری که در طول سالها ن متمادی حیات پر بار و انقلابی، با اتکا به خلقها و نیروی لایزال آنها:

- در صدر پیکار توده‌ای و طولانی خلق چین با امپریالیسم و سگان زنجیرش،

- در رأس حزب کمونیست چین و پیشاپیش میلیونها تن از کارگران و توده‌های ستمدیده و در مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان با رویزیونیستها، اپورتونیستها و انواع خائنین و فرصت‌طلبان منحرف،

- و در يك کلام در مقام رهبری و هدایت نهضت عظیم خلق چین زیر لوای مارکسیسم و کمونیسم،

خدمات گرانبھائی را به امر انقلاب و منافع و آرمانهای طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش انجام داد.

کمونیست کبیری که بجا به يك ثور سین و هراتسین بزرگ، با ایمان به قدرت دوران ساز کارگران و زحمتکشان بیباخته و با اتکاء به نیروی شگرف آنان، امر نابودی نظام کهنه و پوسیده و آغاز ساختمان نظامی دمکراتیک و عادلانه برای قریب به يك پنجم از توده‌های زحمتکش دنیا یعنی خلقهای تحت ستم چین را رهبری نمود.

در نود و هشتمین سالروز تولد این انقلابی بزرگ و آموزگار کبیر پرولتاریا و در شرایطی که رویزیونیستها و خائنین به خلق چین سالها پس از او، دستاوردهای طبقه کارگر و انقلاب کبیر چین را به مسلخ گاه امپریالیستها و دشمنان خلق برده‌اند و بکوشیم تا همچون او پیگیرانه در میدان مبارزه طولانی و توده‌ای با تمامی امپریالیستها و استثمارگران و وابستگان به آنها، با دفاع و صیانت از امر انقلاب، با دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و کمونیسم و بسا طرد قاطع تمامی رویزیونیستها و اپورتونیستهای خائن، راه و یاد این انقلابی کبیر و این آموزگار بزرگ خلقهای تحت ستم را در عمل و به شیوه خود او زنده داریم!



### مرگ بر رژیم سلطنتی

۲۶ دیماه ۶۸ دوازدهمین سالروز فرار شاه، این سگ زنجیری امپریالیسم که در نتیجه مبارزات دلاورانه خلقهای قهرمان مجبور به هزیمت از ایران شد، بر کارگران و زحمتکشان مبارز گرامی باد.

فرار مفتضحانه شاه و برتاب رژیم سلطنتی و ننگین دودمان او به زباله‌دان تاریخ توسط توده‌های بیباخته نشان داد که دیکتاتورهای ضد خلقی، هر چند که در سرکوب و غارت آنان قدر قدرتی کنند، سرانجام در مقابل خصم و نفرت و اراده مبارزاتی توده‌های بیباخته مجبور به تسلیمند. و در مقابل قدرت لایزال جنبش توده‌ها آنها را هیچ راه گریزی نیست. گرچه با فرار خائنه شاه و با به گور سپاردن سلطنت ننگین پهلوی توسط توده‌های مبارز، امپریالیستها رژیمی را بر سر کار گمارده‌اند که جز خلف بر حق رژیم شاه نیست، اما همین تجربه مبارزاتی به خلقهای تحت ستم ما نشان داد که امپریالیستها و رژیمهای مزدوری چون رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی در مقابل طغیان جنبش و انقلاب توده‌ها جز ببرهای کاغذی ای بیش نیستند. و سرانجام پیروزی از آن خلقها و شکست و ننگ ابدی از آن دشمنان خلق است.



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را بر فرازیم و در راهی که ما خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"  
(ما توتسه دون)

روز شمار

دی و بهمن ماه

شهادت دی و بهمن ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

- ۱۰/۵ تولد رفیق ما توتسه دون ۱۸۹۳
- ۱۰/۵ شهادت رفیق حیدر عموا و غلو
- ۱۳۵۷/۱۰/۵ شهادت استاد کامران نجات الهی
- ۱۳۵۷/۱۰/۹ کشتار مردم مشهد
- ۱۰/۱۱ آغاز مبارزه مسلحانه فلسطین ۱۹۶۵
- ۱۰/۱۱ سالروز انقلاب کوبا ۱۹۵۹
- ۱۳۵۸/۱۰/۱۲ تحن مردم سلنچ
- ۱۳۳۸/۱۰/۱۶ درگشت نیما پویشج
- ۱۳۴۶/۱۰/۱۷ شهادت جهان پهلستان غلامرضا تختی
- ۱۰/۱۹ کشتار کارگران پتروگراد ۱۹۰۵
- ۱۳۵۷/۱۰/۲۶ فرار شاه مزدور
- ۱۰/۲۷ شهادت پارتیزان لومومبا ۱۹۶۱
- ۱۳۵۷/۱۰/۳۰ آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی رژیم شاه
- ۱۱/۱ درگشت لندن ۱۳۰۲ (۱۹۲۴)
- ۱۳۱۲/۱۱/۱ درگشت عارف قزوینی
- ۱۳۶۰/۱۱/۱ حمله چترسازان به دانشگاه تهران
- ۱۳۲۴/۱۱/۲ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان (۲ری بندان)

رقبا:	تاریخ شهادت	پسوند زرار	تاریخ شهادت
فتح الله کرمی	۱۰/۵	ابراهیم پوررضا خلیق	۵۲/۱۱/۱
حسین محمودیان	۵۰/۱۰/۶	سعید پایان	۵۲/۱۱/۱
مرتضی احمدی	۵۰/۱۰/۶	فاطمه افرنیا	۵۴/۱۱/۶
مرتضی حاج غنیمتیا	۵۰/۱۰/۶	مجید بهرزاده جهری	۵۴/۱۱/۶
حسن نوروزی از رهبران کبیر سازمان	۵۲/۱۰/۲۰	جعفر محتشمی	۵۴/۱۱/۶
فاطمه حسن پوراحمد	۵۴/۱۰/۲۸	مسعود پروری	۵۴/۱۱/۶
سرور فرهنگ	۵۴/۱۰/۱۹	مصطفی دقیق همدانی	۵۴/۱۱/۶
فاطمه (عمسی) نهانی	۵۴/۱۰/۲۱	کاوس رهگنر	۵۴/۱۱/۱۷
بهمن روحی آهنگران	۵۴/۱۰/۲۷	حمید مومنی از رفقای ارزنده	۵۴/۱۱/۱۸
خدا بخش عالی	۵۵/۱۰/۲۵	انوش فاضلت کلام	۵۵/۱۱/۶
فرهاد رادور	۶۰/۱۰/۲	کیومرث سنجری	۵۵/۱۱/۹
محمد سعیدی	۶۰/۱۰/۲	حسین جوخاچی	۵۵/۱۱/۱۳
عبدالصمد بارماندگان	۶۰/۱۰/۲۰	قاسم سیادت (عضو مرکزیت سازمان)	۵۷/۱۱/۲۲
منصور بنازاده	۶۰/۱۰/۲۴	بابک سیلانی	۵۷/۱۱/۲۲
پرویز شانگی پور	۶۰/۱۰/۲۴	خسرو پناهی	۵۷/۱۱/۲۲
حسین مکرانی	۶۰/۱۰/۲۴	مهدی اقتدارمنش	۵۷/۱۱/۲۲
پوران پدالی	۵۱/۱۱/۲۳	محمد جواد عرفانیان	۵۷/۱۱/۲۲
بهروز عبیدی	۵۱/۱۱/۲۳	سهراب اردلان	۶۴/۱۱/۲۸

هواچه برافراشته تریباد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

پیام فدائی

ارگان جریدهای فدائی خلق ایران

سال چهارم

شماره: ۳۰ - دی و بهمن ۶۸

۱۳۵۷/۱۱/۸ - کشتار مردم تهران توسط

بختیار

۱۳۵۰/۱۱/۱۱ - شهادت مجاهد خلیسلی

احمد رضائی اولین شهید سازمان

مجاهدین خلق ایران

۱۳۱۸/۱۱/۱۴ - شهادت رفیق مبارز دکتر

نقی ارانی

۱۳۲۷/۱۱/۱۵ - تیراندازی ناصرفخرآزادی

بسوی ماه مزدور

۱۳۵۷/۱۱/۱۸ - پایان ماموریت ژنرال

هووزر آمریکائی در ایران

۱۳۵۸/۱۱/۱۱ - دستگیری رهبران شورای

دعائی ترکمن صحرا

۱۳۴۹/۱۱/۱۹ - رستاخیز سهاگل و آفسار

جلیلی سلحانه در ایران

۱۳۵۸/۱۱/۱۹ - تحویل جنگ دوم به

خلق ترکمن

۶۰/۱۱/۱۹ - شهادت مجاهدین خلیسلی

موسی شهابی، اشرف بهمنی و

دیگر همزمانان

۱۳۵۷/۱۱/۲۱ - قیام عکرمند خلیسلی و

عزیزت سازمان جریدهای فدائوسی

خلق در آن

۱۳۵۷/۱۱/۲۲ - انامه قیام اولین بهمن

۱۱/۲۲ - تولد برتولت بریشت

۱۳۵۷/۱۱/۲۶ - شهادت رفیق مبارز محمد

حسین کریمی از رهبران کومله

۱۳۵۸/۱۱/۲۹ - شهادت رفقا: خسرو

گلرخی و کرامت الله تاجیان -

شهادت رهبران شورای دعائی نسبی

ترکمن صحرا رفقا: محمد درخشنده

توماج و عبدالعظیم مختارموم

طوای محمد واحدی و حسین جرجانی

ایران	ی	ایرکسا
۱۰۰ کرون	بوهمان	اوماپو - مجاهد شهید مریم کیهانی ۳۲ دلار
۴۵۰ دلار	امیر	نالان - محسن ۴۰ دلار
۲۵۰ دلار	ریخ	نالان - کارگران گوگرد ساری ۵۲ دلار
۶۰ کرون	سویس	ویجتا فالان - بهمن مرگ قهرمان ۲۱ دلار
۵۰ فرانک سویس	الک	کالیفورنیا - معتمد ۱۰۰ دلار
	آلمان	هوستن - شهابی ۱۰۵ دلار
۲۰ مارك	س	هوستن - خلق عرب ۲۰ دلار
۲۰ مارك	نیم	هوستن - م ۲۰ دلار
۲۸۰ مارك	تفاهنده	هوستن - پیام فدایی ۲۰ دلار
۲۰ مارك	س	هوستن - صدای جریدها ۲۲ دلار
	سوئد	هوستن - حمید سوسنی ۲۰ دلار
۹۶/۸۸ پوند	ب	نیویورک - پرومته ۵۵ دلار
۲۵ دلار	م	هوستن - بوهمان ۵۰ دلار
۲۷۱ پوند	ت	میسیگان - مهرنوش ۵۰ دلار
۵۰۰ دلار	ش	کاناداکت - م ۱۰۰ دلار
		دشرویت - احمدزاده ۱۰۰ دلار
		انگلستان
	کانادا	م - محمد ۵۰ پوند
	م	آزاده ۱۵ پوند
		ک ۲۱ پوند
	کرستان	م - ۱۱۶۰ دلار
۲۰۰۰۰ تومان	کرستان	م - محمد ۵۰ پوند
۸۰۰۰ تومان	اکبر	م - لندن ۱۵ دلار
		نروژ
		ج ۲۰ پوند
		سانتالیزم دمکراتیک ۱۰۰ پوند
		ن ۱۰ پوند
		ج ۲۰۰ کرون



## تظاهرات در تهران

هنگامی که این شماره از نشریه زیر چاپ مہرفت مطلع شدیم کہ هزاران تن از مردم مبارز تهران تظاهرات گسترده‌ای را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی انجام داده‌اند. مطابق گزارشات واصله در پی لغو مسابقه فوتبال باغکاهای تهران کہ قرار بود روز جمعه ۲۷ بهمن ماه در ورزشگاه آزادی و امجدیه انجام شود، توده‌های معترض و خشمگین در این دو ورزشگاه شروع به شعار دادن بر علیه سردمداران مزدور رژیم میکنند.

در ورزشگاه آزادی هزاران تن از مردم معترض بحرکت برآمده و علاوه بر شعارهای مرگ بر خاندان‌های مرگ بر رنجشانی، شعارهایی نیز در حمایت از زندانیان سیاسی قهرمانان و بر علیه دیکتاتوری سیاه رژیم سر میدهند، با این مضمون کہ "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "ما آزادی می‌خواهیم". همچنین تظاهرات کنندگان عکسهای رهبر معدوم جمهوری اسلامی یعنی خمینی جلاد را باره میکنند. مطابق برخی گزارشات منتشره دیگر توده‌های تظاهرکننده در مسیر خویش از ورزشگاه‌های فوق چندین مأمور دولتی را نیز به آتش میکشند. سرانجام پس از این وقایع پاسداران سرکوبگر رژیم کہ خود را سازماندهی کرده بودند، به مقابله با توده‌های معترض و بجان آمده پرداخته و طی یک درگیری خونین با وحشیگری تمام بسوی آنان آتش می‌کشند کہ طبق گزارشات منتشره چندین تن از توده‌های بهدفاع و از جمله یک کودک خردسال زخمی میشوند. همچنین پاسداران جانی رژیم جمهوری اسلامی آنها را نیز دستگیر میکنند. در تهران این تظاهرات گسترده و حرکت قهرمانانه مردم آگاه و مبارز تهران در شرایطی صورت گرفت کہ طرز روزهای اخیر سردمداران جیره‌خوار رژیم با فریبکاری تمام توسط بلندگوهای وقیح تبلیغاتی خویش و از جمله از تریبون نمایشات نماز جمعه تهران از حمایت قاطع و گسترده مردم نسبت به رژیم مزدورستان دم میزدند. تظاهرات قهرمانانه و گسترده مردم آزاده تهران جلوه‌ای از خشم و کین بی پایان توده‌های تحت ستم نسبت به رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری است. خشم و نفرت مبارزاتی‌ای کہ بدون شک در روند محتوم خود با لثرف طومار حیات فدگین این رژیم ددمنش را نیز با قدرت لایزال کارگران و خلقهای بی‌با خاسته درهم خواهد پیچید.

هرچه پرخروش‌تر باد قیام قهرمانانه  
خلق فلسطین در یازدهم بهمن ۶۸، سی و پنجمین  
سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه توسط  
توده‌های به‌با خاسته فلسطینی بر علیه  
امپریالیسم و رژیم اشغالگر و متجاوز اسرائیل.

### جمهوری اسلامی

## ضد صهیونیست (۱) و معامله نفت با اسرائیل

با انشای فروش دومیلیون تن نفت از طرف جمهوری اسلامی به اسرائیل و بار دیگره علیه رژیم صهیونیستی به اصطلاح ضد صهیونیستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و تاکیدیات مکرر سردمداران رها کله این رژیم مبنی بر عدم وجود هرگونه رابطه ای بین جمهوری اسلامی با اسرائیل کوشه ای از روابط این رژیم با اسرائیل در مقابل دید جهانیان قرار گرفتند و رسوائی دیگری بر رسوائیهای بیشماری سردمداران جمهوری اسلامی اضافه گردید.

مطابق گزارش تلویزیون NBC آمریکا در ۲۷ ژانویه، رژیم جمهوری اسلامی دومیلیون تن نفت به دولت اسرائیل فروخته است و قرار داد این معامله در جریان مذاکرات محرمانه ای که دولتهای مزبور در سوئیس بافته اند منعقد گردیده است.

تربیی انشای معامله فوق الذکر وزارت انرژی اسرائیل با استیجابگی گزارشات مربوط در این زمینه را تکذیب نمود و نرمان حال سخنگوی وزارت نفت جمهوری اسلامی نیز با وقاحت تمام اعلام کرد که «از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی» ایران «حتی یک بشکه نفت» به اسرائیل نفروخته است و سپس در راستای در صفحه ۱۱



مارکسیسم که به انحاء گوناگون بوسیله اپورتونیستها تحریف میهد به مبارزه برداخت و توانست مارکسیسم را تکامل بخشد . بهمین دلیل است که لنینیسم و مارکسیسم عمر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریایی نامیده میشود . اهمیت عظیم کار لنین زمانی آشکارتر میگردد که بر این امر آگاه باشیم که بدون تئوری انقلابی جدید انقلابی نمیتواند مفهوم داشته باشد و مارکسیسم - لنینیسم تئوری انقلاب پرولتاریایی و قطب نمایی است که گشتی انقلاب بدون وجود آن هرگز به ساحل پیروزی نخواهد رسید .

کوششهای خستگی ناپذیر لنین راه انقلاب را هموارتر کرد و حال آنکه نبود است و هفتاد و هشت سال در گذشت باید بگوئیم همچون او خستگی ناپذیر هر راه اهداف پرولتاریا و سوسیالیسم و کمونیسم بهیچ وجه نمیتواند رسید .



۲۱. ژانویه ۱۹۷۴ قلب پر طبعی (ولادیمیر ایلیچ اولیانوف) آموزگار کبیر پرولتاریا رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و بار همه مستمکان و رنجبران از طبعی باز ایستاد .

لنین نه تنها بهیچوی پرولتاریا بلکه رهبر و محکمکان سراسر جهان بود . لنین سالهای طولانی در راه مبارزه با انقلاب در روسیه و دفاع از جوهر انقلابی

با کمکهای مالی خود  
چریکهای فدائی خلق ایران  
را یاری رسانید

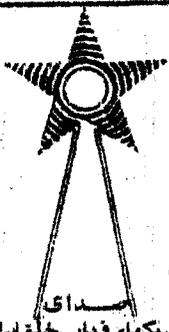
در تکثیر آثار سازمانی مکتوب کنید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران  
با نشانی های زیر مکاتبه کنید

انگلستان فرانسه

F. S  
B. P. 181  
75623 PARIS  
CEDEX 13  
FRANCE

BM BOX 5051  
LONDON  
W01N 3XX  
ENGLAND



سامت پخش :  
۹ شعبه  
۶۰۵ و ۱۲ ظهر روز بعد  
ردیف ۷۵ متر

چریکهای فدائی خلق ایران

**برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!**